



رمضان  
یادآور کمال و ارتقاء  
خداگونه انسانی

در صفحه ۲۶

\* پیام دبیرکل حزب دمکرات  
کردستان ایران

در صفحه ۱۸

\* فرازهائی از زندگی انقلابی  
۴ تن از مجاهدین شهید

در صفحات ۱۴ و ۱۵

سال چهارم - شماره ۱۹ - خرداد ماه ۱۳۶۲ - شماره ۱۰۰۰ - زینال اخبار از کشور معادل دو دلار

اطلاعیه دفتر مجاهدین خلق در پاریس

رژیم خمینی از آوارگان افغانی برای شرکت در جبهه های جنگ و سرکوب مردم کردستان وسیعاً استفاده می کند و اسرای عراقی را نیز به اجبار به جبهه های جنگ می فرستد

بر اساس گزارشات کامل موثق از داخل ایران، رژیم خمینی از بیش از ۱/۵ میلیون آوارگی افغانی مقیم ایران برای تأمین نقرات مورد نیاز خود در جبهه به مقاومت کردستان ایران و همچنین در جبهه های جنگ با عراق وسیعاً استفاده می نماید. همین گزارشات حاکی است که رژیم خمینی اسرای جنگی عراقی را نیز به اجبار به جبهه های جنگ اعزام می دارد. همچنین یک مرکز بسیج نظامی در شهر شیراز کار اعزام اتباع عراقی به جبهه های جنگ را بقیه در صفحه ۱۱

پیام برادر مجاهد مسعود رجوی  
مسئول شورای ملی مقاومت  
بمناسبت شب مقاومت کردستان ایران

بنام خدا  
بنام آزادی، استقلال و تمامیت ایران  
بنام حق مقدس خود مختاری مردم ستم زده کردستان  
هم میهنان عزیز،  
مردم رزمنده کردستان،  
نیروها، سازمان ها و شخصیت های ملی و انقلابی  
شورای ملی مقاومت با برگزاری "شب مقاومت کردستان"، در کشورهای مختلف جهان به منظور قهرمانانه مردم ستم زده کردستان و پاسداشت کلبه شهدا و پیشمرگان دلاور آن سامان مبارک و

آموزش ویژه های مقاومت مسلحانه (۱۲)

درباره تبلیغات مقاومت  
و شیوه های اجرائی آن

تبلیغ در مورد مقاومت سراسری رزمندگان مجاهد و مبارز خلق و رساندن پیام و اخبار فعالیت ها و عملیات مسلحانه آنها به گوش مردم، جزء مکمل و ضروری عملیات نظامی و مبارزه مسلحانه بر علیه رژیم ضد بشری خمینی است و هر اندازه که در این زمینه برخورد فعال تر و اقدامات اساسی و گسترده تری انجام شود، دامنه تاثیر عمل و باروری و ثمر بخشی آن در مسیر سرنگونی رژیم خمینی بیشتر می شود. در حقیقت عمل نظامی و مقاومت سراسری رزمندگان مجاهد خلق همراه و هماهنگ با تبلیغات متناسب، تاثیرات خود را بقیه در صفحه ۷

گرامی باد خاطره  
تابناک مجاهد کبیر  
رضارضائی

\* " امروز دیگر امید ما به پیروزی، آمدنی موهوم و دروغ نیست. هر چند خلاف آنچه که عافیت طلبان تصور می کنند، دشمن با تمام روش های گریزناپذیر و جنایاتی که در این مدت مرتکب شده به قدری را، بلکه ضعف و ریزش را نشان داده است. (مجاهد کبیر رضا رضائی) در صفحه ۶

سرمقاله

سرنوشت رفرم ۸ ماده ای  
و تشدید بحران داخلی  
رژیم خمینی و...

هرگونه حدس و گمان و فرضیه سازی و چشم انداز و حساب باز کردن برای هرگونه رفرم و اصلاحات جدید در چارچوب رژیم خمینی، از جانب هر چه باشد که صورت گرفته باشد، ناشی از فقدان هوشیاری و واقع بینی انقلابی و یادست کم محصول بی اطلاعی از اوضاع ایران و رژیم خمینی بوده است. به عبارتی دیگر اساساً اندیشه های رفرمیستی و اصلاحی و یا دیگر انواع اندیشه های سوسیالیستی و غیر انقلابی در مورد رفرم و اصلاح طلبانه رژیم خمینی و یا حتی گاهی "رفرم" از جانب او حساب باز کرده نمی کنند. اما اینکه رفرم به مجرد صدور اعلامیه می تواند برای خمینی بسیاری تفسیرها منتشر شده و اگر اینگونه رژیم خمینی تثبیت شده و مقاومت را از بین ببرد و علی بن ابی طالب "اصلاحات" فرار سیده است! اما در عمل اثبات نادرستی قطعی اینگونه فرضیات به پیش از روزها و چند روز محتاج نبود و سرعت روشن شد که خمینی آنها که دل به رفرم بسته بودند تا کجا از واقعیت "عقب" و "پشت" راست" افتاده بودند.

درباره سیاست

خائنانه رژیم خمینی  
در زمینه افزایش  
سرسام آور و واردات

\* از رجوع با توجه به ماهیت عقب مانده و ضد مردمی نمی خواهد و نمی تواند حداقل نقش سیاسی را در جهت جذب ته مانده های محصولات داخلی و کمک به تولید کنندگان خرده پای آن ایفا کند و در حالیکه بسیاری از محصولات بدلیل عرضی نادرست و غیر سیستماتیک به بازار، با هرز می روند و یا بوسیله ایادی غارتگر رژیم به قیمت بسیار ناارز به بیجا می روند، رژیم به وارد کردن هر چه بیشتر کالاهای مشابه داخلی مبادرت می ورزد. در صفحه ۹

اعتصاب و درگیری در کارخانه

بافت ناز اصفهان

\* کارگران خشمگین در حالیکه بر علیه رژیم خمینی و در اعتراض به عدم پرداخت حقوق و مزایای کارکنان کارخانه بافت ناز اصفهان اعتصاب کرده اند. کارگران شرکت ساختمانی فولاد شهر را با تعطیل کردن این شرکت اخراج کرده است. اعتراض کارمندان اداره علوم انسانی سازمان آمار در صفحه ۲۵



# پیام برادر مجاهد مسعود رجوی مسئول شورای ملی مقاومت

## بمناسبت شب مقاومت کردستان ایران

بقیه از صفحه اول

خواستهای اصلی مردم کردستان یعنی خودمختاری، با خواسته‌ی اصلی و مرکزی انقلاب ایران یعنی آزادی‌های دموکراتیک، عملاً در چارچوب شورای ملی مقاومت گره خورده و در مجموع از جهات مختلف سیاسی - اجتماعی و همچنین نظامی به پشتوانه‌ی تاریخی نوینی برای جنبش عادلانه‌ی خودمختاری طلبی هموطنان ستمزده‌ی ما در کردستان تبدیل شده است.

باین ترتیب هم‌اکنون نیز حلقه‌ی محاصره‌ی سیاسی رژیم‌های شاه و خمینی در رابطه با مقاومت کردستان بطور قطعی درهم شکسته است. بنحوی که امروز، بویژه در اثر تلاش‌های شورای ملی مقاومت، تفاوت حقوق عادلانه و مشروع خودمختاری در چارچوب تمامیت ارضی خدشه - ناپذیر ایران، با تجزیه‌طلبی مورد ادعای رژیم‌های شاه و خمینی، در سطح سراسری از سوی اکثریت قاطع مردم ایران شناخته و پذیرفته شده و این حقوق عادلانه، وسیعاً نیز توسط رزمندگان مجاهد و مبارز مقاومت سراسری تبلیغ و پیگیری می‌شود. همچنین جنبش عادلانه‌ی مقاومت کردستان با یک‌گره‌گشائی افتخار - آفرین تاریخی به گشایش رابطه‌ی اجتناب‌ناپذیر خود با "دموکراسی" در کل ایران - که تنها در پرتو آن می‌توان به حقوق عادلانه‌ی خودمختاری دست یافت - در پیوند مستقیم با مقاومت سراسری، نائل شده است؛ که از یک سو تضمین‌کننده‌ی تمامیت و یکپارچگی ایران دموکراتیک فرداست و از سوی دیگر چشم‌انداز فوق‌العاده امیدوارکننده، روشن و ثمربخشی در برابر مجموعه‌ی مبارزات تاریخی انسان‌گردد ایرانی، باز می‌گشاید. به همین دلیل، شورای ملی مقاومت، این شعار اساسی عضو ارزنده‌ی خود حزب دموکرات کردستان ایران را مبنی بر اینکه "بدون دموکراسی در ایران، خودمختاری در کردستان ممکن نیست" تأیید نموده و آنرا ترجمان پیوند ثمربخش فوق‌می‌داند. پس پیوند امروز مقاومت سراسری و مقاومت منطقه‌ای را بی‌تردید می‌توان بزرگترین دستاورد سیاسی مبارزه‌ی مردم کردستان و حزب

دمکرات کردستان ایران - به مثابه‌ی نیروی اصلی مقاومت منطقه - شمرده که مبتنی بر عزم و سلاح پیشمرگان قهرمان آن سامان، اساسی‌ترین تضمین پیروزی شعار خودمختاری مردم کردستان در چارچوب تمامیت ارضی خدشه‌ناپذیر ایران محسوب می‌شود.

در همین رابطه شورای ملی مقاومت، به عنوان تنها آلترناتیو دموکراتیک برای یک ایران آزاد و مستقل؛ به مسئله‌ی رفع ستم مضاعف ملی پاسخ قطعی می‌دهد و در برنامه‌ی خود بر آن است که: "پیروزی تمامیت ارضی و وحدت ملی این میهن، دقیقاً در رابطه با احقاق حقوق حقه‌ی تمامی عناصر و بخش‌های تشکیل

آورگی درسوز و سرمای کوهستان؛ همه و همه در واقع، بهائی است که همچون تمامی هموطنان خود در سراسر ایران، برای احقاق حقوق حقه‌ی خویش و برای پایان دادن به ستم‌ها و محرومیت‌های دیرینه‌ی پیرا زید. اما بدون شک با استمرار و افزایش مقاومت تمامی خلق، رنج‌ها و مشقات امروز، هر چه سریع‌تر با تحقق "خودمختاری مردم کردستان" در پرتو آزادی پایدار تمام مردم ایران، به ثمر خواهد رسید.

در همین مسیر، چنانکه می‌دانید شورای ملی مقاومت به اتفاق کلیه‌ی اعضای خود پیوسته در جریان رنج‌ها و محرومیت‌ها و مبارزات خونین پیشمرگان دلاور

سرشت مردمی و دموکراتیک آن برمی‌خیزد. پس بر اساس همان دلایل مشخص سیاسی و اجتماعی که برحسب آن شورای ملی مقاومت تنها آلترناتیو ممکن برای تأمین آزادی و استقلال ایران شناخته می‌شود و بدلیل پیوند قطعی و اجتناب‌ناپذیری که بین خودمختاری کردستان و دموکراسی در کل ایران وجود دارد؛ باید تأکید کنم که شورا، همچنین تنها آلترناتیوی است که می‌تواند بمثابة یک وظیفه‌ی ملی و تاریخی به احقاق حقوق خودمختاری مردم کردستان ایران در چارچوب ایرانی آزاد و مستقل، جامعه‌ی عمل‌پوشاند. همان حقوقی که برحسب آن مردم کردستان باید خوداداری

"ایمان ما به پیروزی نهائی مقاومت عادلانه‌ی کردستان صرف نظر از سلاح و مقاومت پیشمرگان، بویژه از آن روست که خوشبختانه اکنون خواهی‌سواء صلی مردم کردستان یعنی خودمختاری، با خواهی‌سواء اصلی و مرکزی انقلاب ایران یعنی آزادی‌های دموکراتیک، عملاً در چارچوب شورای ملی مقاومت گره خورده و در مجموع از جهات مختلف سیاسی - اجتماعی و همچنین نظامی به پشتوانه‌ی تاریخی نوینی برای جنبش عادلانه‌ی خودمختاری طلبی هموطنان ستمزده‌ی ما در کردستان تبدیل شده است."

قرار داشته و در سرحد توان خود از پشتیبانی‌های مختلف نظامی، سیاسی، فنی، مالی، تدارکاتی و بهداشتی و درمانی برای مقاومت کردستان فروگذار نکرده و بازهم در همه‌ی این زمینه‌ها به جد خواهد کوشید.

از نظر تبلیغاتی نیز جنایات رژیم ننگین خمینی، در حق هموطنان ستمزده‌ی کرد، وسیعاً در سطح بین‌المللی افشاء گردیده و چنانکه می‌دانید در گزارش سالانه‌ی دبیر کل ملل متحد به کمیسیون حقوق بشر نیز مورد استناد قرار گرفته است. همچنین قتل عام روستائیان بی‌گناه و بی‌پناه کردستان همچون مردم رنج‌دیده‌ی روستاهای پیران‌جیغ، گیچه، گورخان، کلب‌رضاخان، سوزی و ... و همچنین تجاوزات و بمباران‌هایی که با وحشیگری تمام و با استفاده از انواع سلاح‌های مخرب و بمب‌های آتشزا صورت گرفته است، با گزارشات دقیق و

امور داخلی خویش را در چارچوب تمامیت خدشه‌ناپذیر ایران بر عهده بگیرند و با آراء آزاد، مستقیم، مساوی و مخفی خود، همچون سایر هموطنانشان در دیگر نقاط کشور به تعیین نظام جمهوری جدید میهنشان پرداخته و همچنین نحوه‌ی اداره‌ی امور داخلی استان خود را نیز "انتخاب" و معین کنند.

مردم قهرمان کردستان؛ جنایات ضدانسانی و وحشیانه‌ی رژیم خمینی به منظور سرکوب مقاومت عادلانه‌ی شما، بویژه جنایاتی که در جریان حملات و تجاوزات ضد مردمی پائیز سال گذشته و بهار امسال بدان مبادرت ورزید، البته بسیار سنگین و دردناک است. اما مقاومت در برابر این درنده - خوئی‌ها و وحشیگری‌ها و تحمل مصائب گوناگون آن، از شهادت عزیزان و جگرگوشگان گرفته تا ویران شدن خانه و خانمان و

دهنده‌ی آنست. باین ترتیب خودمختاری داخلی به مفهوم رفع ستم مضاعف از همه‌ی شاخه‌ها و تنوعات ملی و طنمان و تأمین جمیع حقوق و آزادی‌های فرهنگی و اجتماعی و سیاسی برای آنها، در چارچوب وحدت، حاکمیت و یکپارچگی تجزیه‌ناپذیر کشور، ضرورت جدی دارد."

همچنین شورای ملی مقاومت در بند ۳ از سند شماره ۳ وظایف مبرم دولت موقت جمهوری دموکراتیک اسلامی ایران بر: "پایان دادن به جنگ ضد خلقی علیه مردم کردستان با اعلان خودمختاری در چارچوب تمامیت ارضی ایران (و) کوشش برای محو آثار این جنگ"، تصریح کرده است. این خودمختاری به محض سرنگونی رژیم خمینی و استقرار دولت موقت در خاک میهن "اعلان" می‌شود.

نیازی به توضیح ندارد که دیدگاهها و مصوبات شورای ملی مقاومت در این باره، دقیقاً از

مستند به اطلاع جهانیان و سازمان‌های مختلف مدافع حقوق بشر رسیده و منجمله بر حسب پاسخ‌هایی که از سازمان ملل متحد و صلیب سرخ دریافت داشته‌ایم، اسامی بسیاری از شهدای بی‌گناه کردستان در مراجع بین‌المللی مختلف برای رسیدگی به جنایات ضد بشری خمینی ثبت و ضبط گردیده است. همچنین شرح و تصویر صحنه‌های جنایتکارانه‌ی قتل‌عام‌ها و تیر - باران مردم کردستان تا آنجا که ممکن بود از طرق گوناگون، بویژه توسط رزمندگان مجاهد مقاومت سراسری، پیوسته به اطلاع مردم ایران رسیده و در خارج از کشور نیز فعالیت گسترده‌ی تبلیغاتی توسط سازمان‌ها و شخصیت‌های مختلف عضو شورا و بخصوص توسط اتحادیه‌ی انجمن‌های دانشجویان مسلمان برای مطلع کردن مردم اغلب کشورها به عمل می‌آید و در نتیجه امروز نه تنها مردم ایران بلکه بسیاری از مردم سایر کشورها نیز تنفر خویش را از خمینی و جنایات او در کردستان ابراز داشته و با مقاومت قهرمانانه‌ی شما ابراز همدردی می‌نمایند.

هم‌اینک نیز شورای ملی مقاومت برحسب یکی از تصمیمات نخستین اجلاس خود در فروردین ماه سال جدید، به برگزاری "شب مقاومت کردستان" همت گماشت تا به این ترتیب حمایت‌ها و پشتیبانی‌ها و کمک‌های هرچه بیشتری برای مقاومت کردستان فراهم نماید.

پس امروز مبارزه و مقاومت عادلانه‌ی شما تنها نیست و هرگز نیز تنها نخواهد ماند و شورای ملی مقاومت ایران با پشتوانه‌ی خونار و پرشکوه فرزندان رشید و آزاده‌ی ایران در کل کشور (منجمله کردستان) و با تمام اعتبار گسترده‌ی داخلی و بین‌المللی خود کماکان ضامن خودمختاری مردم کردستان در چارچوب تمامیت ارضی میهن بوده و خواهد بود.

هموطنان عزیز، نیروها، سازمان‌ها و شخصیت‌های ملی و مبارز ایران، پرسنل میهن پرست ارتش، "شب مقاومت کردستان" را بقیه در صفحه ۲۷

برای تحقق صلح و آزادی همهٔ سلاح‌ها را بجانب رژیم ضد بشری خمینی نشانه رویم!



# سرنوشت رفرم ۸ ماده‌ای و تشدید بحران داخلی رژیم خمینی و...

« چند نتیجه‌گیری از ماهیت مادون ارتجاعی رژیم خمینی: »

هم برود و خواهد رفت. پوسیده‌تر از آنست که در ظاهر به نظر می‌رسد. الحال و هم حالا پوسیده‌تر از آنست (از جنبه‌های مختلف) که امکان رفرم و امکان بقاء داشته باشد... »

برادر مجاهد مسعود رجوی  
جمع بندی یکساله‌ی مقاومت مسلحانه  
تابستان ۶۱

« نکته اول: آیا این رژیم امکان رفرم دارد یا خیر؟ جواب ما اینست که مطلقاً نه. یعنی این رژیم، آب از سرش گذشته؛ امکان هیچ نوع سروسامان دادن موضعی هم به کار خودش ندارد. اینطور نیست که اگر جوخه‌های اعدام و حاکمین ضد شرعی و کمیته‌های ضد اسلامی و امثالهم را جمع بکند، بتواند سرپا بایستد. نه، این غیر ممکن است. این رژیم رفتنی است، باید

خلاصه‌ی کوتاهی از فرمان مبسوط ۸ ماده‌ای خمینی "برای تامین امنیت اجتماعی و قضائی مردم":

۱- ... حقوق مردم ضایع نشود ...  
۲- رسیدگی به صلاحیت قضات و دادستان‌ها و دادگاهها ... (و) سایر کارمندان و متصدیان امور با بی طرفی کامل  
۳- ... قضات و اجد شرایط اسلامی چه در دادگستری و چه در دادگاههای انقلاب باید با استقلال و قدرت و بدون ملاحظه احکام اسلام را صادر کنند ... تا ملت از صحت قضا و ابلاغ و اجرا و احضار، احساس آرامش قضائی نمایند و احساس کنند که ... جان و مال و حیثیت آنان در امان است ...  
... عدل اسلامی مخصوص به قوه قضائیه و متعلقات آن نیست؛ در سایر ارگان‌های نظام جمهوری از مجلس و دولت و متعلقات آن و قوای نظامی و انتظامی و سپاه پاسداران و کمیته‌ها و بسیج و دیگر متصدیان امور نیز بطور جدی مطرح است و احدی حق ندارد با مردم رفتار غیر اسلامی داشته باشد.  
۴- هیچکس حق ندارد کسی را بدون حکم قاضی ... توقیف کند یا احضار نماید ... توقیف یا احضار به عنف، جرم است و موجب تعزیر شرعی است.  
۵- هیچکس حق ندارد در مال کسی چه منقول و چه غیر منقول و در مورد حق کسی دخل و تصرف کند یا توقیف و مصادره نماید ...  
۶- هیچکس حق ندارد به خانه یا مغازه یا محل

کار شخصی کسی بدون اذن صاحب آنها وارد شود یا کسی را جلب کند، یا بنام کشف جرم یا ارتکاب گناه تعقیب و مراقبت نماید و یا نسبت به فردی اهانت نموده و اعمال غیر انسانی، اسلامی مرتکب شود یا به تلفن یا نوار ضبط صوت دیگری بنام کشف جرم یا کشف مرکز گناه گوش کند و یا برای کشف گناه و جرم هر چند گناه بزرگ باشد شنود بگذارد و یا دنبال اسرار مردم باشد و تجسس از گناهان غیر نماید ...  
۷- آنچه ذکر شد ... در غیر مواردی است که در رابطه با توطئه و گروهک‌های مخالف اسلام و نظام جمهوری اسلامی است ...  
۸- جناب حجت الاسلام آقای موسوی اردبیلی رئیس دیوان عالی کشور و جناب نخست وزیر موظفند شرعاً از امور مذکور با سرعت و قاطعیت جلوگیری نمایند و لازم است در سراسر کشور در مراکز استانداری‌ها و فرمانداری‌ها و بخش‌داری‌ها هیئت‌هایی را که مورد اعتماد و وثوق باشند انتخاب نمایند و به ملت ابلاغ شود که شکایات خود را در مورد تجاوز و تعدی ماورین اجرا که به حقوق و اموال آنان سر می‌زند به این هیئت‌ها ارجاع نمایند ...  
خمینی ۲۴/آذر/۶۱

۵/۵ ماه بعد در جواب به پیشنهاد خود ساختنی انحلال تلویحی ستاد پی گیری فرمان ۸ ماده‌ای و محول کردن پی گیری به قوه قضائیه:

"... با جدیت و زحمات طاقت فرسای هیئت پیگیری، بطور چشم‌گیر از هرج و مرج‌ها که لازمه‌ی هر انقلاب است جلوگیری شده و کسی به خود اجازه نمی‌دهد که به منازل و یا مغازه‌ها تجاوز نماید. و بدون مجوز شرعی و قانونی کاری بطور عمد تقریباً انجام نمی‌گیرد و دادگاهها و دادسراها بدون مجوز شرعی عملی انجام نمی‌دهند و این نهادها به روال اسلامی عمل می‌کنند و بالاخره اصول امور با زحمت ستاد اصلاح شده است و اینجانب از این هیئت و زحمات آنان تشکر می‌کنم و چون مسائل به قوه قضائیه مربوط است و جناب آقای نخست‌وزیر و بعضی از وزراء دیگر به کارهای مهم دیگر باید اشتغال داشته باشند با قدردانی از آنان با پیشنهاد مذکور موافقت می‌شود."

خمینی  
۱۰/خرداد/۱۳۶۲

از انواع جانوران موزی شباهت دارد. حزبی که دقیقاً در همان روز جهنمی شدن بهشتی، تکلیفش - هم چنان که تکلیف کل رژیم - برای همیشه و بطور استراتژیک یکسره شد!

حال آنکه می‌دانیم شخص خمینی پیوسته این حزب را تحت حمایت مادی و سیاسی خود داشته و اصولاً همچنانکه خامنه‌ای در یکی از ملاقات‌های پارسال خود و سایر رهبران حزب با خمینی اعلام نمود، از آغاز نیز دستور تاسیس آنرا خود خمینی داده بود. البته شاید خمینی در آن زمان نمی‌دانست که "افراد" و "قطب‌ها" و آیت‌الله‌ها و حجت‌الاسلام‌های ریائی از این دست را حتی نمی‌توان در یک کاروانسرا در کنار یکدیگر جا داد، چه رسد به چیدن آنها در کنار همدیگر در یک حزب سیاسی! اما خمینی برای دستیابی به اهداف انحصارطلبانه و پلید خود در تقویت این حزب آنچه می‌دانست و می‌توانست انجام داد. گم‌اینگه اخیراً رفسنجانی حتی تصریح نمود که: "ما برای برگزاری کنگره از امام پول گرفتیم" (اطلاعات ۶۲/۲/۲۵) در گذشته نیز روسای حزب بگزارت دریافت دهها میلیون تومان از شخص خمینی برای مخارج حزب چماق‌داران را اعلام می‌نمودند که البته جدای از سایر چپاول‌های رسمی و غیررسمی دیگر از بودجه‌ی نهادها و ادارات مختلف می‌باشد. در این رابطه به عنوان مثال می‌توان به بودجه‌ی رسمی آستان قدس رضوی به شرح مندرج در ویژه‌نامه‌ی ۱۱/مهر/۵۸ اشاره کرد که در ماده‌ی ۵ آن پرداخت ۵۳۹۹۱۰۰۰ ریال

در همین جلسه، جانی مشهور کرمان - قهیم کرمانی - نیز تمامیت سازمان مزبور را به زیر علامت سوال کشیده و گفته بود: "دو گروه در جمهوری اسلامی هستند، یک گروه حزب جمهوری اسلامی که حزب‌الله است و دارای مرزهای مشخص ایدئولوژیکی، سیاسی و عقیدتی و مذهبی و گروه دیگر مجاهدین انقلاب اسلامی است ...  
این سازمان یا با حزب جمهوری اسلامی در تمام شرایط یکی هست یا اینکه دو تا هستند. اگر قبول کردند که ۲ تا هست پس شرایط و خط و هدفشان نیز باید ۲ تا باشد. به عنوان مثال ... حزب جمهوری اسلامی می‌گوید حزب فقط حزب‌الله، رهبر فقط روح‌الله. حالا یا سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی این را قبول دارد که دوئیت نباید باشد و اگر قبول ندارد پس بنا بر این حزب فقط حزب‌الله که ۲ تا شد، رهبر نیز باید ۲ باشد ..."

نباید فکر کرد که وضع گروه اول، یعنی حزب جمهوری از وضع باصطلاح مجاهدین انقلاب اسلامی بهتر است. اگر چه خمینی خود پیوسته بطور تمام عیار در پشت حزب جمهوری قرار داشته، با این همه چنانکه در همین ایام دیدیم، نخستین گنجه‌ی این حزب به ابداع نوینی! در تاریخ احزاب سیاسی دست زد که از هر حیث گویای وضعیت داخلی آن است. این ابتکار جدید! همانا انتخاب "شورای داور" به مثابه‌ی عالی‌ترین ارگان رهبری حزب بود که کار اصلی آن رفع و رجوع اختلافات و مسائل داخلی چیزی بنام حزب جمهوری است که بیشتر از هر چیز به مجموعه‌ای

سه هفته‌ی پیش در همین ستون ضمن تشریح دو چهره‌ی ماوراء ارتجاعی خمینی به تضادها و باندهای درون رژیم خمینی که مبین یک بحران فزاینده در داخل حکومت‌کنندگان است، اشاره کردیم. بحرانی که قبل از هر چیز ناشی از ضربات استراتژیکی مقاومت انقلابی در زمینه‌های از تضادهای جوشان اقتصادی - اجتماعی است و از تجزیه و اضمحلال روزمره‌ی رژیم خبر می‌دهد. رژیمی که همچنین در راستای سقوط محتوم خود از هرگونه رفرم‌پذیری و امکان دست‌یازیدن به کمترین "اصلاحات" جدی نیز بدور بوده و خواهد بود.

در همین اواخر بهزاد نبوی استعفا‌ی خود و "بسیاری از دوستان" دیگرش را از سازمان باصطلاح مجاهدین انقلاب اسلامی که در "چند ماه پیش" صورت گرفته علنی نمود (کیهان ۶۲/۲/۲۶). سابقه‌ی اختلافات و انشعابات دارودسته‌ی موسوم به مجاهدین انقلاب اسلامی و به زیر علامت سوال کشیده شدن شخص بهزاد نبوی، بخصوص به نخستین مرحله‌ی مقاومت انقلابی مسلحانه برمی‌گردد. حتی در اوائل خرداد سال گذشته (۱۳۶۱) به هنگام معرفی بهزاد نبوی به عنوان وزیر صنایع سنگین، یکی از نمایندگان مجلس خمینی پرسیده بود: "سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی مورد تاخت‌وتاز بنی‌صدرها و رجوی‌ها و لیبرال‌ها بود و این سازمان در حال حاضر به ۳ شعبه انشعاب پیدا کرده، سوال من اینست که این انشعاب درون سازمان به چه دلیل بوده است؟" (موحدی ساوجی در مذاکرات جلسسه‌ی ۶۱/۳/۱۰ مجلس).



# سرنوشت رفرم ۸ ماده‌ای و تشدید بحران داخلی رژیم خمینی و...

"کمک نقدی به کمیته‌ها و حزب جمهوری اسلامی و پاسداران" به چشم می‌خورد.

اما برغم همه‌ی اینها، مسائل درونی حزب حاکم به آنجا رسیده که همچنانکه اشاره کردیم "شورای دآوری" بالاترین ارگان جدیدالتاسیس آن است! سایر جریانات و جناح‌های دست‌اندرکار در رژیم خمینی نیز هیچ چشم‌انداز روشنی در پیش روی خود نمی‌یابند.

گما اینکه هنوز سه هفته از ساقط شدن حزب توده نگذشته بود که در روز اول خرداد، خمینی مجدداً تیغ کشید و بد... آنهایی که هر جا دستشان به تربیون برسد... در نماز جمعه... (با) در مجلس" همین

استعداد هیچگونه اصلاح‌پذیری و رفرم را ندارد "مگر اینکه در آخرین نفس‌ها چاره‌ای جز این نبیند، که البته این هم نفس خودش را هر چه زودتر در سینه‌ی پلیدش حبس خواهد کرد" و "اگر هم رژیم امکان رفرمی داشت، قبل از بزرگترین جراحی سیاسی خودش بود یعنی قبل از عزل آقای بنی‌صدر" (نقل از جمع‌بندی یکساله)

دلیل این امر نیز همانا یکپارچگی ارتجاعی رژیم موسوم به ولایت فقیه تحت قیمومیت شخص خمینی است که دیگر پس از یکپارگی رژیم، احتمال رفرم‌پذیری - هر چند جزئی - آن را نیز سخت ناچیز می‌کند. وگرنه هرگونه رفرمی در رژیم یکپایه، یعنی شکاف، آنهم شکافی که ناگزیر به سقوط شتابان رژیم منجر

از اوضاع ایران و رژیم خمینی بوده است. به عبارت دیگر اساساً اندیشه‌های رفرمیستی و لیبرالی و یا دیگر انواع اندیشه‌های سست‌بنیاد غیرانقلابی بر روی مانور اصلاح‌طلبانه‌ی خمینی و داعیه‌ی گاذب "رفرم" از جانب او حساب باز کرده و می‌کنند. گما اینکه دیدیم به مجرد صدور اعلامیه‌ی ۸ ماده‌ای خمینی، بسیاری تفسیرها منتشر شد دائر بر اینکه: رژیم خمینی تثبیت شده و مقاومت را از بین برده و علیهذا زمان "اصلاحات" فرارسیده است!! اما در عمل اثبات نادرستی قطعی اینگونه فرضیات، به بیش از ۵ ماه و چند روز محتاج نبود و سرعت روشن شد که همه‌ی آنها که دل به رفرم بسته بودند، تا کجا از واقعیت "عقب" و به "راست" افتاده بودند.

البته امروز حتی اگر کسانی که بیشتر از خود خمینی روی مانور ۸ ماده‌ای او حساب می‌کردند مواضع و تفاسیر و تحلیل‌های نادرست خود (مبنی بر تثبیت رژیم) را فراموش کرده باشند! دیگر برای همه‌ی مردم ایران عیناً و عملاً معلوم شده است که خمینی ام‌الفساد نه قصد "اصلاح" داشته و نه توان آن را. اما هدف ما از پرداختن به این موضوع، تجدید بحث پیرامون یک معمای حل شده که حالا دیگر پاسخ آن برای همه سهل و آسان به نظر می‌رسد نیست، بلکه می‌خواهیم از این مقدمات (یعنی از بطلان فرضیه‌ی رفرم و تشدید درگیری‌های درونی رژیم) به یک ردیف نتیجه‌گیری‌های دیگر دست پیدا کنیم که هنوز برای صاحبان تمایلات و تفاسیر و اندیشه‌های غیرانقلابی بخوبی روشن نیست. اما بازهم طی تحولات آینده و البته در زمانی نه‌چندان دور عیناً و عملاً به اثبات خواهد رسید.

فی‌المثل برای ما (مجاهدین) اصلاح‌ناپذیری رژیم خمینی - یعنی رژیم موسوم به ولایت فقیه - و تشدید بحران‌های درونی این رژیم دقیقاً به معنی فقدان هرگونه آلترناتیو و جانشینی از داخل همین رژیم و ضمناً مبین سرنگونی محتوم آن نیز هست. گما اینکه بالاخص در کوتاه مدت، در خارج از این رژیم نیز هیچ

**نباید فکر کرد که وضع حزب جمهوری از وضع باصطلاح مجاهدین انقلاب اسلامی بهتر است. اگر چه خمینی خود پیوسته بطور تمام عیار در پشت حزب جمهوری قرار داشته، با این همه چنانکه در همین ایام دیدیم، نخستین گنگره‌ی این حزب به ابداع نوینی! در تاریخ احزاب سیاسی دست زد که از هر حیث گویای وضعیت داخلی آن است. این ابتکار جدید! همانا انتخاب "شورای دآوری" به مثابه‌ی عالی‌ترین ارگان رهبری حزب بود که کار اصلی آن رفع و رجوع اختلافات و مسائل داخلی چیزی بنام حزب جمهوری است که بیشتر از هر چیز به مجموعه‌ای از انواع جانوران موزی شباهت دارد. حزبی که دقیقاً در همان روز جهنمی شدن بهشتی تکلیفش - همچنانکه تکلیف کل رژیم - برای همیشه و بطور استراتژیک یکسره شد!**

حرف‌هایی را می‌زنند که "باید از حلقوم آمریکا و شوروی بیرون بیاید" و می‌گویند که "برای این ملت هیچکاری نشده"، شدیداً هشدار داد و بویژه خطاب به آنهایی که بعد از گروگانگیری سال ۵۸ بساطشان برچیده شده گفت: "... به شما قول می‌دهم... که خرک نمبر بهار میاد نخواهد شد. نه خریزه برای شما خواهد آمد و نه خیار. شما بر جای خودتان بنشینید..."

خواهد شد. در غیر این صورت خمینی از آغاز به این همه گشت و گشتار و سرکوب احتیاجی نداشت. در نتیجه رژیم گماکان از مختصری مشروعیت گذرای سیاسی هم که شده برخوردار می‌بود و متقابلاً مقاومت عادلانه و مشروع مسلحانه نیز هنوز ضروری و لازم نبود.

بنابراین رفرم‌ناپذیری بنیادین رژیم، تضادها و بحران‌های بیرونی و درونی آنرا بطور اجتناب‌ناپذیر تشدید می‌کند. رژیمی که آینده و ثبات استراتژیکی

برای ما "مجاهدین"، پیشاپیش روشن بود که رژیم ما دون ارتجاعی خمینی ماهیتاً و بطور تاریخی، بخاطر محدودیت فوق‌العاده‌ی میدان و مسیر حرکت خود استعدادهای چگونگی اصلاح‌پذیری و رفرم را ندارد "مگر اینکه در آخرین نفس‌ها چاره‌ای جز این نبیند، که البته این هم نفس خودش را هر چه زودتر در سینه‌ی پلیدش حبس خواهد کرد" و "اگر هم رژیم امکان رفرمی داشت، قبل از بزرگ‌ترین جراحی سیاسی خودش بود؛ یعنی قبل از عزل آقای بنی‌صدر" دلیل این امر نیز همانا یکپارچگی ارتجاعی رژیم موسوم به ولایت فقیه تحت قیمومیت شخص خمینی است که دیگر پس از یکپارچگی رژیم، احتمال رفرم‌پذیری - هر چند جزئی - آن را نیز سخت ناچیز می‌کند. وگرنه هرگونه رفرمی در رژیم یکپایه یعنی شکاف؛ آنهم شکافی که ناگزیر به سقوط شتابان رژیم منجر خواهد شد.

جانشین واقعی و پایدار جز شورای ملی مقاومت در کار نیست و علیهذا کلیه‌ی تمایلات و جریاناتی که به برخاستن یک جانشین از داخل رژیم خمینی دل بسته‌اند و یا به چنین احتمالی پر بها می‌دهند بازهم به درجات مختلف از واقعیت و مقاومت بریده و از خلق و انقلاب بدور و عقب‌مانده و یا دست‌کم فاقد اطلاعات و دیدگاه واقع‌گرایانه‌اند. بزودی در این باره به تفصیل گفتگو خواهیم کرد.

سپس ۵ روز بعد صانعی (دادستان کل کشور) نیز در سخنرانی خود در مراسم جمعه، یکی از مهم‌ترین مشکلات قضائیه کشور را "مشکل بعضی از این وکلای از خدا بی‌خبر..." توصیف نمود و خط و نشان کشید، تا مبادا هنوز هوس خریزه و خیار رفرم یا لیبرالیزه شدن رژیم را در سر بپرورانند.

آنگاه در ۱۵ خرداد خمینی ستاد پی‌گیری فرمان ۸ ماده‌ای را تلویحاً منحل نمود و پس از ابراز رضایت از اینکه گوئیا مفاد فرمان مزبور عملی شده است!! از این پس کلیه‌ی پی‌گیری‌های لازم را مخصوصاً به این خاطر که "جناب آقای نخست‌وزیر و بعضی از وزرای دیگر به کارهای مهم دیگر باید اشتغال داشته باشند!" برعهده‌ی قوه قضائیه گذاشت و باین ترتیب فقط بعد از ۵ ماه و چند روز که از صدور فرمان باصطلاح رفرمیستی و آنهمه هیاهو و بوق و کرنای مربوط به آن می‌گذشت؛ هرگونه شائبه و شایعه‌ی رفرم و اصلاح کردن جزئی رژیمش را نیز از خود زدود!

خود را در نخستین ضربات مقاومت از دست داد و در یک کلام، سرنوشتی جز سقوط محتوم ندارد.

اما این حقایق از سوی دیگر ثابت می‌کنند که هرگونه حدس و گمان و فرضیه‌سازی و چشم‌داشت و حساب بازکردن برای هرگونه رفرم و اصلاحات جدی در چارچوب رژیم خمینی، از جانب هر جریانی که صورت گرفته باشد؛ ناشی از فقدان هوشیاری و واقع‌بینی انقلابی و یا دست‌کم محصول بی‌اطلاعی

البته برای ما "مجاهدین" همچنانکه در ابتدای سرمقاله ملاحظه می‌کنید، پیشاپیش روشن بود که رژیم ما دون ارتجاعی خمینی ماهیتاً و بطور تاریخی، بخاطر محدودیت فوق‌العاده‌ی میدان و مسیر حرکت خود،

## مرگ بر خمینی، شعار محوری مرحله کنونی مبارزه انقلابی مسلحانه، تاکتیک محوری مرحله کنونی



# سرنوشت رفرم ۸ ماده‌ای و تشدید بحران داخلی رژیم خمینی و...

شماره ۱۳۳ پنجمین ۹ دیماه ۶۱ سرمقاله

## دعوی رفرم! در اوج خفقان بازگشت ناپذیر

مشکل مردم و انقلاب ایران با رژیم خمینی، از همان روز نخست نه در بد عملی این یا آن یا سدا ریا حاکم صد سرعی بلکه در بنیاد رهبری غاصبانه و خمینی و رژیم قرون وسطائی، صد بشری و د حال - گوندی اوست. رژیم که از آغاز برای برگردن فاصله‌ی هزاران ساله‌ی تاریخی خود با مقتضیات یک ایران دمکراتیک هیچ ابزار روشنی جز انحمار طلبی جنون آمیز و سرسین سرکوب هر صدای مخالف نداشته و ندارد. پس مشکل رژیم، بسبب ادای یک مشکل سیاسی یعنی مشکلی مربوط به حاکمیت و قدرت حاکم است و لاغیر و در این صورت شرط احراز امنیت اجتماعی و قضائی و اقتصادی و... مقدم بر هر چیز دیگر است. استقرار "امنیت و تامین کافی و پایدار سیاسی" است که ابداع در کنجایش رهبری سیاسی خمینی (در تمامیت رژیمش) نبود و نیست.

سه هفته‌ی پیش در همین ستون از "افزایش شگفت‌انگیز سرکوب عمومی (به مثابه‌ی) گامی تدافعی و بازگشت ناپذیر" سخن گفته و گزارش کوتاهی از وضعیت کلی مبارزه‌ی انقلابی مسلحانه، پس از ورود به دومین مرحله‌ی پیشرفت سراسری، ارائه کردیم. ضمن این گزارش روشن شد که:

- ۱ - تهاجم بی‌امان سه ماهه‌ی مجاهدین (از مردادماه امسال تا اواخر مهر) به سرانگشتان سرکوبگر رژیم خمینی، که به منظور شکستن طلسم اختناق و هموار کردن راه برانگیختن و قیام توده‌ی مردم - از طریق احما' پاسداران مستقیم ظلمت - در پیش گرفته شده بود، تا حدودی به باز شدن فضای مختنق اجتماعی منجر شد، و زبان گشودن‌ها و اعتراضات مردمی مختلف را در اینجا و آنجا موجب گردید. اما از سوی دیگر:
- ۲ - رژیم که از پیش (در مرحله‌ی اول مقاومت) "مشروعیت"، "آینده" و "ثبات" خود را از دست داده و اکنون آسیب پذیرترین نقطه‌ی حساس خود در مرحله‌ی فعلی - یعنی عمال مستقیم اختناق - را در معرض ضربات بی‌امان می‌دید، تنها چاره را در "افزایش شگفت‌انگیز سرکوب و خفقان عمومی" یافت...

... حال اگر اعدام و شکنجه و گرانی و بیگاری و جنگ و آوارگی و سایر ارمغان‌های رژیم خمینی را نیز اضافه بر این فشارها از یاد نبریم، ناگفته پیداست که در چنین شرایطی درجه‌ی ناراضی و انفجار پذیری عمومی تا کجا بالا می‌رود.

در چنین نقاطی، رژیم‌های ضد مردمی و ضد بشری معمولاً و به طور کلی دو راه بیشتر در پیش روی خود نمی‌یابند.

یا باید به طور صوری و ظاهری هم که شده دست به

۲۵ آذر / ۱۳۶۱ رئیس دیوان عالی کشور و نخست وزیر مسئول پیگیری و اجرای فرمان امام شدند

تیمه قوانین سرعده و تصویب و ابلاغ آنها با دقت لازم و سرعت انجام گیرد

## فرمان ۸ ماده‌ای امام خمینی برای تامین امنیت اجتماعی و قضائی مردم



لازم است در سراسر کشور هیأت‌هایی را که مورد اعتماد و وثوق میباشند انتخاب نمایند و به مملت ابلاغ شود که شکایات خود را در مورد تجاوز و تعدی مأمورین به این هیات‌ها از جاع نمایند

هیچکس حق ندارد کسی را بدون حکم فاضی که از روی عوارض سرعده نماید باشد توقیف و یا حصار نماید، هر چند مدت توقیف کم باشد

کیمیا ۲۰ صفحه ۲۰۰ شماره ۲۰۰ ریل

بیانات امروز امام ما موظف میکند خودمان را بار و حیه بزرگ ایشان تطبیق دهیم

آنچه که تکه‌تکه محضت امام در این باره تاریخی است، آن نیاز امروری جامعه ما به آزادی خاطر و اطمینان حرمان قانون و احکام شرعی است.

انتخابات خیرگان و حق شناسی مردم و شرکت وسیع مردم و هتاهنگی مردم با سیاست مطبک در حضور این بیانیه مؤثر بود.

باید مطمئن بشویم که اناره کشور نیاز به تحفهای قانونی و زورگویی نیست به مردم عاقد.

اسامی کلیه فولندگان تربیت معلم اعلام شد تاریخ اعلام اسامی ذخیره‌های کنکور تربیت معلم مشخص شد

پیر و زبهای تازه نیر و ههای اسلام در جبهه غرب و کردستان

آخرین نتایج انتخابات مجلس خبرگان در تهران

### کیمیا اخبار کشور

#### دستور اتره برگیر انقلاب اسلامی به مسئولان امور کشور

امام: قابل قبول و تحمل نیست که به اسم انقلاب و انقلابی بودن خدای نخواسته به کسی ظلم شود

رئیس دولت کلیه کارگاه‌های دولتی، ملی شده یا مصادر مشدرا موظف به تشکیل کلاسهای سواد آموزی کرد

تنگ و ناشانی دختران و زنانی که در این کشور زندگانی می‌کنند از کتور اعلام شد

سختن رئیس مجلس پیرامون بیانیه تاریخی امام خطاب به مسئولان کشور

### کیمیا ۲۰ صفحه ۲۰۰ شماره ۲۰۰ ریل

#### سختن رئیس مجلس پیرامون بیانیه تاریخی امام خطاب به مسئولان کشور

آنچه که تکه‌تکه محضت امام در این باره تاریخی است، آن نیاز امروری جامعه ما به آزادی خاطر و اطمینان حرمان قانون و احکام شرعی است.

انتخابات خیرگان و حق شناسی مردم و شرکت وسیع مردم و هتاهنگی مردم با سیاست مطبک در حضور این بیانیه مؤثر بود.

باید مطمئن بشویم که اناره کشور نیاز به تحفهای قانونی و زورگویی نیست به مردم عاقد.

آنچه که تکه‌تکه محضت امام در این باره تاریخی است، آن نیاز امروری جامعه ما به آزادی خاطر و اطمینان حرمان قانون و احکام شرعی است.

انتخابات خیرگان و حق شناسی مردم و شرکت وسیع مردم و هتاهنگی مردم با سیاست مطبک در حضور این بیانیه مؤثر بود.

باید مطمئن بشویم که اناره کشور نیاز به تحفهای قانونی و زورگویی نیست به مردم عاقد.

آنچه که تکه‌تکه محضت امام در این باره تاریخی است، آن نیاز امروری جامعه ما به آزادی خاطر و اطمینان حرمان قانون و احکام شرعی است.

انتخابات خیرگان و حق شناسی مردم و شرکت وسیع مردم و هتاهنگی مردم با سیاست مطبک در حضور این بیانیه مؤثر بود.

باید مطمئن بشویم که اناره کشور نیاز به تحفهای قانونی و زورگویی نیست به مردم عاقد.

آنچه که تکه‌تکه محضت امام در این باره تاریخی است، آن نیاز امروری جامعه ما به آزادی خاطر و اطمینان حرمان قانون و احکام شرعی است.

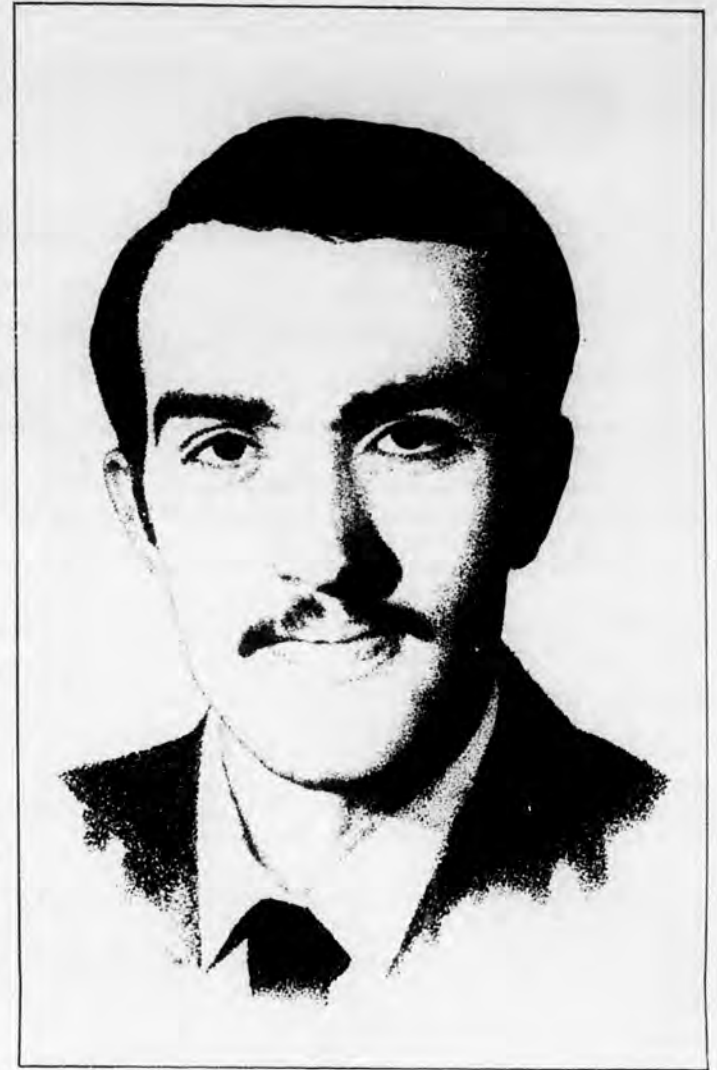
انتخابات خیرگان و حق شناسی مردم و شرکت وسیع مردم و هتاهنگی مردم با سیاست مطبک در حضور این بیانیه مؤثر بود.

باید مطمئن بشویم که اناره کشور نیاز به تحفهای قانونی و زورگویی نیست به مردم عاقد.

یک سری اصلاحات بزنند و قدری از فشارها را به این ترتیب حثی کنند و یا باید در صورتی که حکومت و رژیم شان "اصلاح" پذیر و رفرم بردار نیست ناراضی‌ها و مخالفت‌ها را با سرکوب هرچه بیشتر مهار کنند. اما خطر "رفرم" برای آنهاست که "آب از سر رژیم شان گذشته" و دیگر "بالا تر از سیاهی" برای حکومت شان هیچ چیزی متصور نیست، در اینست که به قول توکویل (نویسنده‌ی آمریکائی قرن نوزدهم) دست زدن به رفرم همانا دست زدن به انقلاب (به معنی محقق نمودن واژگونی) باشد و به ناگهان همه‌ی رسته‌های دیکتاتوری را پنبه کند. چرا که در این صورت - یعنی در صورتی که بخواهند حتی چند قدم از راه دور و دراز و بازگشت ناپذیری را که پیموده‌اند سیز بازگردند - صرفنظر از احتمال فوران ناراضیاتی مترکام اجتماعی، تعادل داخلی این رژیم‌ها نیز (در هر سطحی که این تعادل باقی مانده باشد) برهم خورده و باز هم خراب‌تر و خراب‌تر می‌شود و تضادهای درونی شان اوج می‌گیرد و به آنجا می‌رسد که حکومت گننده دیگر خودش از درون هم گسسته و فلج شده و نمی‌تواند حکومت کند...



# گرامی باد خاطره تابناک مجاهد کبیر رضائی



روزنامه‌های عصر روز شنبه ۲۶/خردادماه/۵۲، خبر شهادت مجاهد کبیر رضائی را با تیترهای درشت و تحت عناوینی چون "رهبر بقایای یکی از گروه‌های خرابکار"، "طراح قتل سرلشکر طاهری" و ... در صفحه اول خود منعکس ساختند. ساواک که داغ عمیقی از "رضا" به دل داشت و پس از فرار جسورانه‌ی او از چنگ مزدوران شاه، انرژی بسیار زیادی را صرف دستگیری او ساخته بود، بلافاصله پس از شهادت رضا، این خبر را در رسانه‌های گروهی خود منعکس ساخت.

پخش خبر شهادت رضا قلب‌های بسیاری را نه تنها در ایران بلکه در میان دیگر رزمندگان و انقلابیون منطقه بدرد آورد. خبرگزاری فلسطینی "وفا" روزنامه‌های "الثوره"، "الهدف"، "المحرر"، انقلابیون ظفار و ... و بسیاری جراید و خبرگزاری‌های مترقی دیگر درباره‌ی او و شهادتش مطالبی نوشتند. مجاهد کبیر رضائی یکی از اعضای مرکزیت سازمان مجاهدین خلق ایران بود که نقش بسیار مهم و موثری در تجدید حیات و قوام سازمان

دست بکار شد. ایمان خدشه‌ناپذیر و صبر و استقامت توحیدی او در کنار تجربیات و هوشیاری انقلابی‌اش، مهم‌ترین پشتوانه‌ی موفقیت وی در این دوره از فعالیت‌هایش بشمار می‌رود. تأثیرات خودبخودی و فضای ابهام‌آمیز پس از ضربه‌ی شهریور ۵۰ مشکلات فراوان در امر سازماندهی و ارتباطات، فقدان کادرهایی که به حد مکفی از آموزش‌های سازمان بهره برده و توان آموزش و انتقال آنرا داشته باشند، کمبود مسئولین زبده و همه‌جانبه و ... از سوئی و حاکمیت شدید پلیسی رژیم که با دست‌یازیدن به طرح‌های جدید و از جمله تشکیل کمیته‌ی مشترک باصطلاح ضد خرابکاری تمام نیروی خود را در جهت سرکوبی کامل جنبش نوین مسلحانه بکار گرفته بود از سوی دیگر، تابلوی کوچکی از شرایط و فضائی است که رضا در آن کار خود را آغاز نمود. او در همان ایامی که سازمان به شدت مشغول مرهم گذاشتن بر جراحات خود بود، وضع را چنین برآورد می‌کرد: "ما در مجموع در زیر فشار فوق طاقت رژیم بسر می‌بریم. رژیم به هر قیمت مصمم به نابودی جنبش است. اگر این شرایط را از سر بگذرانیم، آزمایش بزرگی را از سر گذرانده‌ایم و بقای ما تضمین خواهد شد..."

یکسال بعد و به دنبال رشد چشمگیر سازمان طی آن مدت، در مقابل، جنبش می‌بالد و رشد می‌کند. تحرک توده‌های مختلف مردم، خشن‌تر، اعتقاد به مبارزه‌ی مسلحانه محکم‌تر و افرادی که دست‌اندرکارند مصمم‌ترند و دیگر بحثی از تظلم‌خواهی و موش‌مردگی در مقابل دشمن نیست و کسی از اعضای ما نیست که حاضر باشد بدون سلاح در خیابان حرکت کند و به خدا اگر مصالح دیگری ایجاب نمی‌کرد، نمی‌شد جلوی این اعضای رزمنده را گرفت که در هر جا به دشمن حمله نکنند. مجاهدینی عاصی و جسور و بی‌باک و مصمم. وحدت در میان ما مستحکم‌تر می‌شود و رفاقت بیشتر. محافل زیادی بطور مخفی با مشی و اعتقاد به کار مسلحانه، فعالیت خود را آغاز کرده‌اند. ساواک بشدت سرش شلوغ است و فرصت سر خاراندن ندارد. نه تنها ساواک، بلکه همه‌ی دستگاه‌های پلیسی دشمن بشدت مشغولند و از دست چریک، عاصی. براستی که وقتی دشمن طی دو سال همه‌ی تلاش خود را به خرج دهد (آن هم در زمانی که ما سازماندهی حساب شده و تجربه‌ای نداشتیم) و نتواند ما را نابود کند، چگونه خواهد توانست چریک دوساله با انبوهی تجربه را نابود کند؟ نخواهد توانست. ولی در عین حال همه‌ی اینها مشروط به زمانی است که ما همه‌ی تجارب خودمان را دقیقاً بکار بندیم و

**"اگر بنا باشد که در جهان، ستم‌پیروز شود. اگر بنا باشد که در جهان این همه شهامت و انسانیت پوچ باشد، پس باید فاتحه‌ی این جهان را خواند. ولی حرکت تاریخ درست عکس این مسئله را نشان می‌دهد. نشان می‌دهد که پیروزی در لاف‌سختی‌ها و رنج‌ها و فداکاری‌ها و شهادت‌ها پیچیده شده است. ما هم از روز اول انتظار نداشتیم که دشمن در یک صبح روشن با دست خودش تسلیم شود و در مقابل اراده‌ی انقلابی خلق زانو بزند."**

مجددا رضا به ارزیابی شرایط موجود و وضعیت جنبش انقلابی مسلحانه پرداخته و می‌گوید: "فشار و خفقان فراوان است و محیط بشدت پلیسی، دستگام‌های تبلیغاتی جهنمی که الان سراسر کشور را با سیستم‌های ماکروویو و تلویزیون و ... پوشانده‌اند، گوش‌ها را گر می‌کند. رژیم به یک بسیج همه‌جانبه‌ی فرهنگی، پلیسی و ... علیه جنبش جوان ما دست زده است، رژیم با بهره‌گیری از تجارب امپریالیسم به دست و پا افتاده است.

داشت. در آن دوره، رضا در موضع رهبری سازمان به دلیل توانایی‌های نظامی، سیاسی و ایدئولوژیکش و به عنوان یک سازمان‌ده برجسته نقش عمده‌ای در جریان رشد و تثبیت سازمان بازی کرد. مجاهد کبیر رضائی در برابر مشکلات بی‌شماری که سازمان پس از ضربه‌ی شهریور ۵۰ با آن دست به گریبان بود و در اوج سرکوب و خفقان و تحت حاکمیت دیکتاتوری پلیسی شاه، چون کوهی استوار ایستاد و برای حل این مشکلات

خوش‌خیالی نکنیم. ولی دیگر جنبش، نطفه نیست، نهالی است که در سخت‌ترین زمین‌ها و شرایط رشد کرده است و بدون شک در هوای ملایم‌تر و زمین آماده‌تر به یکبار خواهد شکفت و خواهد بالید. به امید آن روز..."

مجاهد کبیر رضائی در نامه‌های پرشوری که خطاب به خانواده و دوستانش نوشته بود، شدیداً ناامیدی و یاس در برابر مشکلات و ضرباتی که رژیم بر پیکر جوان جنبش مسلحانه و بویژه مجاهدین وارد

می‌ساخت را مورد حمله قرار داده و حساب عافیت‌طلبان و آنهایی که هر ضربه به جنبش را پیروزی بزرگی برای دشمن تلقی می‌کنند، قاطعانه از انقلابیون واقعی جدا می‌سازد. از جمله در یکی از نامه‌هایش در مورد شهادت برادرش مجاهد کبیر احمد رضائی و تعبیر و تفسیرهای تسلیم‌طلبانه‌ای که در این رابطه صورت می‌گرفت، می‌نویسد:

"شهادت احمد برخلاف تصور احمق‌هایی که برای اثبات نظرات تسلیم‌طلبانه‌شان از هر شکست، ناامیدی و از هر سوز و سرما، زمستانی می‌سازند، نه تنها هیچ ناتوانی را اثبات نمی‌کند، بلکه درست‌نشان-دهنده‌ی این است که ما تا آن حد از ظرفیت، فداکاری و جانبازی برخورداریم که رنج شردی سخت و طاقت‌فرسا را تا آن زمان که خلق را به حرکت در آوریم، دلاورانه بر دوش کشیم ... محال است خون‌هایی که ریخته شده است هدر برود، این خون‌ها بدون شک نهال انقلاب را بارور کرده است و دیگر این نهال نخواهد خشکید. بگذار سازشکاران، ترسوها و بزدلان از این همه شهادت هراسان شوند و بگویند نمی‌شود کار کرد. اما مفهوم شهید جز این نیست که همچون چراغی باشد فرا راه دیگران. این جا پاهائی که امروز شهید می‌سازند، فردا راه انقلاب را هموار خواهد ساخت."

مجاهد کبیر رضائی که خود از نزدیک با تمامی مشکلات و موانعی که بر سر راه جنبش مسلحانه قرار داشت، درگیر بود، با ایمان قاطع از زوال و نابودی حتمی همه‌ی دشمنان خلق و سد کنندگان راه تکامل و تحقق پیروزی سخن می‌گفت و عزم استوار یاران مجاهدش را در پیمودن راه پر پیچ و خم و سرسخت انقلاب یادآور می‌شد. او در نامه‌هایش نوشته بود:

"فراادهای رزم‌آوری ما، صفیر گلوله‌های آتشین ما و تلاش خستگی‌ناپذیر برادران مجاهدان همه مژده‌ی صبح روشنی را می‌دهند و درست در همین لحظه‌ای که دشمن، آخرین حربه‌ی سرکوبی خودش را برای قلع و قمع ما بکار گرفته و نهایت کینه و انتقام خود را علیه ما بکار می‌برد و سعی می‌کند که بقیه در صفحه‌ی ۲۳



## آموزش ویژه هسته‌های مقاومت مسلحانه (۱۲)

# درباره تبلیغات مقاومت و شیوه‌های اجرائی آن

بقیه از صفحه اول

بطور کامل در جامعه باقی می‌گذارد و آنطور که باید به ثمر می‌نشیند.

در شرایط کنونی وقتی بیشتر و بهتر می‌توانیم اهمیت و ارزش کارهای تبلیغاتی را درک کنیم، که در نظر داشته باشیم که رژیم با استفاده از ماشین نظامی و سرکوبگر خود و با به جولان در آوردن نیروهای گشتی خود در سطح شهر به منظور ایجاد جو رعب و وحشت، مذبحخانه تلاش می‌نماید که وانمود کند که یا مقاومتی در کار نیست و یا هرگونه مقاومتی بی‌نتیجه می‌باشد. ولی روشن است که تبلیغ و رساندن اخبار و پیام مقاومت به مردم، نه تنها تبلیغات دروغ رژیم دجال و عوام‌فریب خمینی بر علیه رزمندگان را خنثی می‌نماید، بلکه عمق پوسیدگی و زوال رژیم را نیز بخوبی برملا می‌سازد.

از اینرو بخشی از وظایف نیروهای هوادار و برخی عناصر هسته‌های مقاومت پرداختن به کارها و فعالیت‌های "تبلیغاتی" است.

کارهای تبلیغاتی بخصوص در شرایط سرکوب نظامی دشمن و با توجه به غلظت بالای آن در

سطح شهرها به مثابه عمل مقدماتی برای کسب آمادگی‌های نظامی نیز، حاوی رشد و پیچیدگی در زمینه‌های مختلف برای کلیه افراد، نیروها و عناصر هسته‌های نوپا - که در جهت انجام عمل نظامی گام برمی‌دارند - می‌باشد و می‌توان به آن به عنوان بستر مناسب آموزش عملی برای ورود به مدارج پیچیده‌تر نظامی نگریست.

موضوع و محتوای تبلیغات در یک بیان کلی اساسا پیرامون مهم‌ترین خواست‌های توده‌ی مردم که در شعارهای مطرح شده از جانب سازمان منعکس است می‌باشد. همچنین در شرایط کنونی مبارزه رساندن اخبار عملیات نظامی رزمندگان مجاهد، تحلیل‌ها و اطلاعاتی سازمان و دیگر مطالبی که حاوی پیام مقاومت و متضمن گسترش و تعمیق آن در بین مردم می‌باشد، جزو محورهای تبلیغاتی محسوب می‌گردد.

با توجه به نقش و اهمیت تبلیغات در جهت سرنگونی رژیم خمینی، در ادامه‌ی آموزش‌های ویژه‌ی هسته‌های مقاومت، در این شماره پیرامون کارهای تبلیغاتی و شیوه‌های اجرائی آن توضیحاتی خواهیم داد.

عکس بشوند و اقدامات ابتکاری مشابهی از این قبیل که رژیم را درگیر یک جنگ تبلیغاتی می‌کند نیز بخشی از اقدامات تبلیغاتی محسوب می‌شوند.

ملاحظه می‌کنید که تبلیغات و کار تبلیغاتی، محدود به یک یا چند شیوه‌ی شناخته شده نیست و هرکس می‌تواند متناسب با توان و امکانات و نیز غلظت نظامی موجود و با توجه به اولویت‌های محیطی که در آن بسر می‌برد و همچنین با تکیه بر خلاقیت و ابتکار، شیوه‌های نوینی را بکار بگیرد، و در کارزار تبلیغاتی که در خدمت مبارزه‌ی مسلحانه‌ی سراسری می‌باشد، به وظایف خویش عمل نماید.

\* سوال ۱۰۰ - شیوه‌های مختلف کار تبلیغاتی چیست؟

جواب: از آنجا که شیوه‌های اجرائی کار تبلیغاتی بسیار متنوع است و هر کدام نیاز به حد معینی از توان و امکانات دارد، هر کس در هر شرایط می‌تواند در این زمینه اقدامات مناسبی انجام داده و فعال شود. مثلا می‌توان در منزل به پیاده کردن مقالات رادیو مجاهد پرداخت و با ساده‌ترین شیوه یعنی به کمک "کپی" به تکثیر آنها پرداخت و از طریق پست برای دیگران ارسال داشت. یا می‌توان بر روی

\* سوال ۹۹ - در شرایط کنونی "کارهای تبلیغاتی" چه اشکالی به خود می‌گیرند؟

جواب: همانطور که گفتیم کار تبلیغاتی، گسترش و پخش پیام مقاومت سراسری رزمندگان در میان توده‌های مردم و حفظ میراث مقاومت به طرق گوناگون می‌باشد. مثلا نوشتن یک شعار بر روی دیوار یا تکثیر مقالات نشریه‌ی مجاهد و ارسال آن برای دیگران، "کار تبلیغاتی" است. همچنین جمع‌آوری اخبار مقاومت، زندگینامه، وصیتنامه و عکس شهدا و ارسال آنها برای نشریه‌ی مجاهد، قدمی در راه حفظ میراث شهدا می‌باشد، که طبعاً با منعکس شدن آنها در نشریه‌ی مجاهد و یا کتب منتشره از جانب سازمان در سطح وسیعی پخش و تبلیغ می‌گردد.

علاوه بر اینها اشکال دیگری مانند تهیه‌ی کارت پستال‌های تبریک و ارسال آن برای خانواده‌ی شهدا و یا پرتاب تخم مرغ رنگی به عکس‌های خمینی و دیگر سردمداران رژیم، همچنین دستکاری و نوشتن بعضی مطالب بر روی عکس‌های خمینی و پوستره‌های منتشره از جانب رژیم که به در و دیوارها زده‌اند به نحویکه بعد از دستکاری خود آنها ناچار به کندن پوستر و

نمودن عکس‌های خمینی و شیوه‌های ابتکاری دیگری که تاکنون گزارش نمونه‌هایی از آن که توسط هسته‌های مقاومت انجام شده، در نشریه‌ی مجاهد منعکس گشته است، نیز هر کدام در بردارنده‌ی جنبه‌ای از پیام مقاومت می‌باشند. شیوه‌های مختلف کار تبلیغاتی که در خدمت گسترش مقاومت و پیام آن قرار دارند، هر یک دیگری را تکمیل می‌کنند.

\* سوال ۱۰۱ - روش انجام کارهای تبلیغاتی چگونه است؟  
جواب: شیوه‌های مختلف کار تبلیغاتی را که با توجه به غلظت نظامی موجود، هم اکنون هسته‌های مقاومت و دیگر نیروهای هوادار می‌توانند انجام دهند، در یک تقسیم‌بندی کلی می‌توان به سه دسته تقسیم کرد، که عبارتند از:

۱- تکثیر و ارسال مقالات، تحلیل‌ها و اطلاعاتی سازمان که در نشریه‌ی مجاهد منعکس گشته و از طریق رادیو مجاهد پخش می‌گردد.

۲- شاعرانوسی بر روی در و دیوارهای شهر

۳- انجام کارهای تبلیغاتی ابتکاری هر کدام از روش‌های فوق را طی سولات جداگانه‌ی توضیح می‌دهیم.

\* سوال ۱۰۲ - ضبط، پیاده کردن و تکثیر مطالب رادیو مجاهد چگونه انجام می‌گیرد؟  
جواب: هر کسی می‌تواند در منزل و پایگاه خود رادیو "مجاهد" را بگیرد و به مطالب آن گوش دهد. اما برای پیاده

دست‌نویسی‌ها، آسانسورها و امثال آن در مدارس، ادارات، آپارتمان‌ها و دیگر محله‌های عمومی حتی با خودکار شعارهایی نظیر "مرگ بر خمینی" نوشت. همچنین با کسب امکانات و با هوشیاری و تحرک بیشتر نیز

دست‌نویسی‌ها، آسانسورها و امثال آن در مدارس، ادارات، آپارتمان‌ها و دیگر محله‌های عمومی حتی با خودکار شعارهایی نظیر "مرگ بر خمینی" نوشت. همچنین با کسب امکانات و با هوشیاری و تحرک بیشتر نیز می‌توان در کوچه‌ها و خیابان‌ها شعارهای گوناگونی بر روی دیوارها نوشت و یا عکس‌ها و پوستره‌های تبلیغاتی رژیم را دستکاری و مغشوش کرد. طبعاً هر کدام از شیوه‌های تبلیغاتی برای بیان مطالب خاصی مناسب است. جملات کوتاه خبری، شعارها و کلا مطالبی که حجم کمی داشته باشند را می‌توان بر روی در و دیوارها نوشت. درحالیکه مقالات، تحلیل‌ها، اطلاعاتی و نوشته‌هایی که حجم زیادی دارند، اساسا بایستی به طرق دیگر تکثیر و ارسال شوند. شیوه‌های دیگر تبلیغات مانند رنگ کردن و مغشوش

کردن مطالب آن، چون سرعت نوشتن خیلی کمتر از سرعت خواندن است و "پارازیت" نیز در این زمینه اشکالاتی بوجود می‌آورد، نمی‌توان همزمان با گوش کردن به رادیو، مطالب را نیز نوشت. بنابراین لازم است که مطالب در وهله‌ی اول بر روی نوار ضبط شده و سپس با دقت و حوصله بر روی کاغذ پیاده گردد. برای ضبط مطالب، اگر "رادیو ضبط" داشته باشید، کار بسیار راحت است و می‌توانید مستقیماً مطالب را از رادیو به ضبط منتقل کنید. ولی اگر دستگاه رادیو و دستگاه ضبط شما جدای از یکدیگر می‌باشند، بایستی با قرار دادن یک سیم

رابط بین فیش خروجی رادیو و فیش میکروفون ضبط، مطالب را مستقیماً از رادیو به ضبط صوت منتقل کنید. زیرا در غیر اینصورت یعنی ضبط غیر مستقیم اولاً کیفیت صدا به مقدار قابل ملاحظه‌ای افت پیدا می‌کند و ثانیاً صداهای موجود در محیط اطراف نیز توسط ضبط، دریافت می‌گردد. این صداها می‌تواند در پیاده کردن مطالب اخلال ایجاد کند.

پس از ضبط مطالب بایستی با حوصله و دقت، اقدام به پیاده کردن مطالب بکنید. نقطه قوت ضبط، اینست که هر جا جمله و کلمه‌ای نامفهوم بود می‌توانید مجدداً آن را گوش کنید، تا مطالب پیاده شده، کاملاً منطبق با مطالب ضبط شده بر روی نوار باشد.

پس از پیاده کردن مطالب میبایستی نسبت به تکثیر آنها اقدام کنید. ساده‌ترین و عمومی‌ترین شیوه‌ی تکثیر، استفاده از "کپی" می‌باشد که از عهده‌ی تمام افراد بر می‌آید.

در این شیوه هر اندازه کاغذ مورد استفاده‌ی شما نازک‌تر باشد در یک بار نوشتن می‌توانید نسخه‌های تکثیر شده‌ی بیشتری بدست بیاورید. شیوه‌های دیگر تکثیر نظیر زیراکس، پلی‌کپی و امثال آن قبلاً در نشریه‌ی مجاهد بطور مشروح توضیح داده شده است. در ضمن روش ساختن دستگاه پلی‌کپی دستی نیز قبلاً در نشریه نوشته شده است که می‌توانید مراجعه کرده و یا از دوستان و آشنایان آن که آن را شنیده و آموخته‌اند،

دریافت نمایید.

بمنظور رعایت هر چه بیشتر مسائل امنیتی، وسائل تکثیر، کاغدها، کپی‌ها و یا استنسیل‌های مصرف شده را در جاسازی نگه دارید. کاغذهای اضافه را بسوزانید و وسائلی را که به دور می‌ریزید خودتان از منزل خارج کرده و در محل زباله‌های عمومی بیندازید. همچنین دقت داشته باشید که صدای رادیو و یا ضبط زیاد بلند نباشد و به خانه‌های اطراف و کوچه‌ها و خیابان‌ها منتقل نشود. برای رعایت هر چه بیشتر این مساله می‌توانید از "گوشی" استفاده کنید.

بقیه در صفحه ۲۲

**تبلیغات و کار تبلیغاتی، محدود به یک یا چند شیوه‌ی شناخته شده نیست و هرکس می‌تواند متناسب با توان و امکانات و نیز غلظت نظامی موجود و با توجه به اولویت‌های محیطی که در آن بسر می‌برد و همچنین با تکیه بر خلاقیت و ابتکار، شیوه‌های نوینی را بکار بگیرد، و در کارزار تبلیغاتی که در خدمت مبارزه‌ی مسلحانه‌ی سراسری می‌باشد، به وظایف خویش عمل نماید.**



# گزارشی از برگزاری "شب مقاومت کردستان ایران"

## توسط شورای ملی مقاومت در اروپا و آمریکا

بقیه از صفحه آخر

شورای ملی مقاومت در اجلاسهای ماههای گذشته خود موضوع "مقاومت کردستان" را مورد بررسی قرار داده و منجمله صرفنظر از بعد نظامی، بر ضرورت کمک هر چه بیشتر در زمینه سیاسی، تبلیغی، مالی و تدارکاتی به مقاومت مردم قهرمان کردستان و حزب دمکرات کردستان ایران - عضو شورای ملی مقاومت - تاکید نمود. متعاقباً در فروردین ماه امسال برادر مسعود رجوی، مستؤل شورای ملی مقاومت، نمایندگان شورا در کشورهای مختلف را مستؤل برگزاری مراسم "شب مقاومت کردستان ایران" نمود.

"شب مقاومت کردستان ایران" تاکنون در کشورهای انگلیس، آلمان، سوئد، آمریکا و ایتالیا برگزار شده است. این مراسم توسط نمایندگان شورای ملی مقاومت در این کشورها و با تلاش پیگیر و گستردهی انجمنهای دانشجویان مسلمان و نیز نمایندگی حزب دمکرات کردستان ایران در اروپا و همکاری دوستان و هواداران شورا و نیز سازمانهای عضو شورا با موفقیت برگزار شد. اینک به گزارشی از برگزاری این مراسم در چند کشور توجه کنید:

### انگستان

شب همبستگی با مقاومت کردستان از طرف دفتر نمایندگی شورای ملی مقاومت در انگلستان در شهر لندن با شرکت بیش از ۴۰۰ نفر از هموطنان آگاه و آزادیخواه در روز ۲۶ مه ۸۳ (۵ خرداد ۶۳) برگزار گردید. سخنرانان این جلسه آقای دکتر هدایتالله متین دفتری و آقای حسین کردنژاد نمایندهی حزب دمکرات کردستان ایران بودند و مسئولیت جلسه نیز به عهدهی نمایندهی شورای ملی مقاومت در انگلستان بود. سالن مراسم با پرچم ایران و عکسهای از شهدای قهرمان خلق و شعارهایی در محکومیت جنایات خمینی در کردستان و سیاست جنگطلبی او، حمایت از شورای ملی مقاومت، طرح صلح شورا و شعار دمکراسی برای ایران و خودمختاری برای کردستان تزئین یافته بود. ابتدا پیام

برادر مجاهد مسعود رجوی مستؤل شورای ملی مقاومت توسط نمایندهی شورای ملی مقاومت در انگلستان آقای دکتر بافرزاده قرائت گردید. و سپس پیام دبیرکل حزب دمکرات کردستان توسط یکی از هواداران حزب دمکرات قرائت گردید (متن شده است). سخنران اول جلسه آقای دکتر هدایتالله متین دفتری بود که در طی سخنان خود گفت که بدون استقرار دمکراسی و آزادی در ایران رفع ستم مضاعف برای همگان اعم از خلق کرد یا زن و یا اقلیتهای قومی و مذهبی میسر نخواهد بود. وی سپس به سیاست "زنوساید" (نسلکشی) رژیم خمینی اشاره کرده و آنرا افشا نمود.

مخرج مشترک اجتماعی در شورای ملی مقاومت است... او در پایان برای نیروهای مقاومت داخل درخواست کمک نمود. سخنران دوم آقای کردنژاد نیز به جنایات رژیم خمینی در کردستان اشاره کرده و سپس به توضیح پیرامون مقاومت خلق کرد در مقابل یورشهای اخیر رژیم پرداخت و آنگاه به اعتقاد حزب دمکرات به دمکراسی و وحدت نیروهای دمکرات اشاره کرد و گفت: سازمان مجاهدین خلق ایران و حزب دمکرات کردستان ایران به عنوان ۲ نیروی بزرگ سیاسی ایران اساس وحدتی را گذاشتند که امروزه اسمش شورای ملی مقاومت می باشد و اینکه این اساس

### سوئد

میتینگ شورای ملی مقاومت به مناسبت شب مقاومت کردستان ایران در تاریخ ۲۸ مه ۸۳ (۷ خرداد ۶۳) در شهر استکهلم در سالن آکالا ترف توسط نمایندگی شورای ملی مقاومت در کشورهای اسکاندیناوی برگزار گردید. در ساعت ۶ بعد از ظهر پیام برادر مجاهد مسعود رجوی مستؤل شورای ملی مقاومت به مناسبت شب مقاومت کردستان توسط آقای پرویز خزائی نمایندهی شورای ملی مقاومت در اسکاندیناوی قرائت شد. سپس پیام دبیرکل حزب دمکرات کردستان ایران توسط نمایندهی این حزب در سوئد قرائت



از چپ به راست: آقایان متین دفتری، بافرزاده و کردنژاد در مراسم "شب مقاومت کردستان ایران" در لندن

آقای متین دفتری در قسمت دیگری از سخنان خود اظهار داشت: "... امسال نیز مانند هر سال مردم در کردستان نوروز را جشن گرفتند چون ایرانی هستند و عمیقاً به رسوم و تمدن ایرانی معتقد و مفتخر و به همین علت نیز خواستار آزادی و استقلال ایرانند. شعاری که، هدفی که بارها و بارها در طول تاریخ برای آن جنگیده ایم، مبارزه کرده ایم، انقلاب مشروطیت بخاطر آن شروع شد و نهضت مصدق در تداوم آن ادامه پیدا کرد و مصدق در تمام نوشتهجات خود آنرا هجی نمود. و اکنون

می تواند اساس وحدت تمامی نیروهایی باشد که برای استقلال و آزادی مبارزه می کنند و رسالت تاریخی سرنگونی رژیم خمینی را می توانند انجام بدهند. وی در پایان به اهمیت روز همبستگی با کردستان اشاره نمود. پس از سخنرانی نمایندهی حزب دمکرات کردستان ایران چند دکلمه توسط یکی از هواداران این حزب، اجرا گردید و در قسمت دوم برنامه (بعد از تنفس) سخنرانان به سوالات شرکت کنندگان پاسخ گفته و در پایان فیلم جدیدی دربارهی کردستان به نمایش گذاشته شد.

گردید و پس از آن آقای مهدی صدیق زاده یکی دیگر از نمایندگان شورای ملی مقاومت در اسکاندیناوی طی سخنرانی خویش ضمن گرامیداشت مبارزهی پیشمرگان قهرمان کردستان، پیوند حزب دمکرات و جنبش منطقهی کردستان با مقاومت سراسری را یک اقدام تاریخی توصیف نمود. وی در ادامه سخنرانی خود ضمن تحلیل اوضاع اقتصادی، سیاسی، اجتماعی ایران و وضعیت رژیم، اساسی ترین دلیل ادامهی حاکمیت خمینی را در اعمال خفقان بی حد و حصر توسط این رژیم ارزیابی کرد. این سخنرانی به زبان سوئدی و با

زیرنویس فارسی انجام گرفت. در قسمت دیگری از برنامه، نمایندهی زنان حزب سوسیال - دمکرات سوئد، ضمن ابراز همدردی با تمام مردم تحت ستم ایران، همبستگی خود را با مقاومت مردم کردستان ایران اعلام داشت. وی ضمن محکوم کردن نقض حقوق بشر در ایران، از همهی آنهائی که لب برای گفتن دارند، دعوت به سخن گفتن و اعتراض علیه جنایات خمینی کرد. سپس نمایندهی حزب کار ایران (توفان) پیام این حزب را به مناسبت شب مقاومت کردستان ایران ایراد کرده و تقویت شورای ملی مقاومت را از جمله وظایف دمکراتیک و ضد امپریالیستی در مقطع فعلی دانست. آنگاه نمایندهی انجمن دانشجویان مسلمان سوئد (هواداران سازمان مجاهدین خلق ایران) ضمن گرامیداشت خاطرهی کلیهی شهدا و پیشمرگان دلاور کردستان ابراز امیدواری کرد که همچون گذشته تا سر حد توان، مردم جهان را در جریان مقاومت خلق قهرمان کردستان ایران و جنایات ضد - بشری رژیم خمینی قرار دهند. حزب کمونیست سوئد نیز ضمن پیامی همبستگی خود را با مقاومت مردم ایران و بخصوص مردم کردستان اعلام داشت. حزب کمونیست سوئد هم چنین حمایت بی دریغ خود را از شورای ملی مقاومت اعلام داشته و از تمامی دمکراتهای واقعی ضد امپریالیست و ضد فاشیست خواست تا از شورای ملی مقاومت حمایت کنند. وی تشکیل شورای ملی مقاومت را یک حرکت انقلابی و تنها آلترناتیو موجود در مقابل خمینی دجال دانست.

در قسمت هائی از این مراسم، برنامه های هنری منجمله فیلمی از کردستان که بیانگر ارادهی راسخ مردم این مرزوبوم بود و اینکه برای رسیدن به خواستهای بحق خود حاضر به سخت ترین نوع زندگی می باشند به نمایش گذاشتند. موزیک ایرانی و آمریکای لاتین که توسط چند گروه مترقی ایرانی و آمریکای لاتین اجرا شد، قسمت دیگری از برنامه بود. این مراسم که در آن نزدیک به ۳۰۰ نفر از هموطنان عزیز و نیز سوئدی های آزادیخواه شرکت داشتند، با بقیه در صفحه ۲۱



## درباره سیاست خائنه رژیم خمینی در زمینه افزایش سرسام آور واردات

**\* وزیر راه و ترابری رژیم خمینی: "... با توجه به کمبود در زمینه کالاهای مختلف در کشور، سفارشات زیادی برای همه نوع کالا، توسط دستگاه‌های اجرائی مختلف داده شده است..."**

اگر بخواهیم در یک جمله وضعیت اقتصاد بحرانی و ورشکسته رژیم خمینی را تصویر کنیم، باید بگوئیم که همچون بیمار محترمی است که فقط با تزریق کالای وارداتی زنده است! در واقع نیز کمبود کالا - آنهم در چارچوب سیستم تولیدی منهدم شده کشور - بمثابة یکی از مشکلات لاینحل اقتصادی - اجتماعی، رژیم خمینی را در چنان بن بست ناگشودنی قرار داده که این رژیم ناگزیر به سیاست خائنه‌ی وارد کردن هر چه بیشتر کالا از خارج، آنهم به بهای حراج نفت روی آورده است. بنحویکه این روزها کارگزاران سرسپرده‌ی خمینی، بدون پرده‌پوشی از واردات همه نوع کالا به مملکت و از صف طویل کشتی‌های پر از کالای پهلوی گرفته در بنادر کشور گفتگو می‌نمایند. در واقع شعار اقتصادی روز خمینی چنین است: سیاست وارد کردن هر نوع کالا، از هر کجا و به هر قیمت!!

لازم به یادآوری است که در شماره‌های گذشته "مجاهد" به ویژه در سرمقاله‌ی مجاهد شماره‌ی ۱۳۲ تحت عنوان "دعوی کاذب ثبات به بهای خون و نفت و تاراج"، منجمله پیرامون این چهره‌ی خائنه و وطن‌فروشانه رژیم خمینی، توضیح و تحلیل لازم انجام گرفته است و ما در این مقاله عمدتاً راجع به سیاست خائنه‌ی رژیم در زمینه واردات، بطور مختصر و فشرده اشاره خواهیم نمود.

### چرا رژیم ناگزیر است

#### مستمر آلا وارد نماید؟

بدون وارد شدن در بحث‌های مفصل تئوریک، در زمینه علل افزایش واردات و همچنین اقتصاد بحران زده‌ی کنونی رژیم بطور خلاصه باید بگوئیم که ریشه‌ی این اوضاع را مشخصاً باید در ماهیت رژیم و عملکردهای دوران حاکمیت ویرانگر او جستجو نمود. همه

می‌دانیم رژیم خمینی بخش اعظم اقتصاد و تولید مملکت را با سیاست‌های ارتجاعی و عقب‌مانده‌ی خود - بویژه بدلیل سیاست‌های جنگ‌افروزان و ویرانگرش - تا حدود زیادی نابود کرده است. در همین رابطه به دلیل افت عظیمی که در تولیدات داخلی بوجود آمده، رژیم بیش از پیش از تامین نیازمندی‌های جامعه فاصله گرفته، لذا به منظور جلوگیری از نارضایتی‌های دم افزون مردم، بطور کم سابقه‌ای به سیاست وارد کردن کالا از خارج روی آورده است. مخرب‌تر اینکه زمین شوره‌زار کنونی تولید و صنعت کشور، اساساً قابلیت جذب هیچ نوع سرمایه‌گذاری مولد و ثمربخش - چه در بخش خصوصی و چه در بخش دولتی - را نداشته و سرمایه‌ها ناگزیر (و بویژه در بخش خصوصی)، در جهت سرمایه‌گذاری تجاری خصوصاً در زمینه وارد کردن کالا از خارج متمرکز شده است. در چنین شرایطی صرفنظر از بسیاری آثار زیانبار این وضعیت اقتصادی، کمبود کالاهای مورد نیاز جامعه (بلحاظ محصولات داخلی) و افزایش قیمت‌ها، از اولین نتایج ملموس آن بشمار می‌رود، که از قضا همین روند، بطور مضاعف سرمایه‌ها را جهت سودآوری بیشتر، به سمت وارد کردن هر چه بیشتر کالا تشویق می‌کند. این وضعیت بحرانی رژیم در زمینه اتکا به واردات، امروزه دیگر چه در سطح داخلی و چه در سطح بین‌المللی آشکار گشته است و همه می‌دانند که کمبود شدید کالا، تورم افسارگسیخته و وجود احتکار و بازار سیاه بویژه در طول جنگ ارتجاعی، نارضایتی‌های مردم را افزایش داده و به موازات آن سردمداران رژیم را در نگرانی و وحشت فرو برده است بنحویکه بناچار برای تخفیف و مهار نارضایتی‌ها و عصیان مردم عجولانه اقدام به وارد کردن هر نوع کالا می‌نمایند و بدین ترتیب به خشکاندن بقایای

تولید و صنعت کشور کمک می‌کنند. از سوی دیگر می‌دانیم که رژیم خمینی برای تامین ارز لازم جهت خرید کالا از کشورهای مختلف (منجمله تامین مخارج سرسام‌آور خریدهای تسلیحاتی و تدارکاتی جنگ ارتجاعی)، اساساً به تاراج نفت و ارز حاصله از آن متکی است. یعنی اینکه رژیم مضافاً بر سرمایه‌گذاری و صرف میلیاردها تومان به منظور افزایش اختناق در جامعه و سرکوب مردم، برای تخفیف نارضایتی‌های موجود بوسیله‌ی ارز حاصله از فروش ارزان قیمت نفت، هر رقم کالا نیز، از ارزاق روزمره‌ی مردم گرفته تا انواع ماشین‌آلات و ... از کشورهای مختلف جهان، وارد می‌نماید. در اینجا بد نیست به این نکته نیز اشاره کنیم که رژیم ضد مردمی خمینی به فرض محال هم اگر روزی قصد سرمایه‌گذاری در زمینه تولید و صنعت (و بویژه صنایع مادر) را داشته باشد، با توجه به مجموعه‌ی سیاست‌های ارتجاعی‌اش و نیز با توجه به انهدام تولید مملکت و شوره‌زاری که در این زمینه بوجود آورده، نمی‌تواند درآمد ارزی حاصله از فروش نفت را بکار اندازد و ناگزیر باید آنرا نیز صرف خرید کالا از کشورهای خریدار نفت و یا وابستگان آنها و دیگر کشورهای جهان بنماید. در واقع وضعیت کنونی رژیم خمینی از آن نظر نیز جالب توجه است که یادآوری کنیم آن روزگاری را که این دارودسته‌ی ضد خلقی، بی‌توجه به سرنوشت تولید و اقتصاد مملکت، در اثر جنگ‌افروزی‌های ارتجاعی و همچنین غارت و چپاول سرمایه‌های ملی و همچنین کانالیزه کردن نیروهای مادی و انسانی مملکت به سمت نیازمندی‌های جبهه‌ها و ...، با خیره‌سری و خودخواهی تمام مدعی برهم زدن معادلات

اقتصادی بودند، منجمله اینکه خمینی دجال مطرح می‌کرد "اقتصاد مال خر است" و یا رجائی معدوم مدعی برهم زدن قانون عرضه و تقاضا در جامعه شده بود، ... اینک همین رژیم در مقابل واقعیت‌های سرسخت از جمله در زمینه کمبود کالا و نارضایتی‌های مردم از نفس افتاده و با دست‌پاچی و هراس و به گونه‌ای خیانت‌بار از صدها کشتی پهلوی گرفته در خلیج فارس و محموله‌های پر از کالای آن صحبت می‌کند! برای روشن‌تر شدن ابعاد مسئله، به پاره‌ای از ارقام و اقلام مربوط به کالاهای وارداتی رژیم، از زبان سرسپردگان ارتجاع اشاره می‌کنیم:

### نمونه‌هایی از ارقام و اقلام کالاهای وارداتی

گمرک آستارا واردات دی‌ماه گذشته خود را ۲۰۸۲۵ تن، گمرک جلفا واردات فروردین‌ماه امسال خود را ۲۳۴ هزار تن، گمرک بوشهر طی همین ماه واردات خود را جمعا ۲۱۸۳۸۵ تن و گمرک انزلی واردات یکسال گذشته خود را ۸۰۲۴۵۸ تن ذکر نموده‌اند.

نوربخش خائن رئیس کل بانک مرکزی رژیم طی مصاحبه‌ای ارقام کلی‌تری ارائه نموده و گفته است که در سال گذشته بیش از ۱۴ میلیارد دلار صرف خرید کالا از خارج از کشور شده است، که ۸ میلیارد و هشتصد هزار دلار آن مربوط به واردات بخش دولتی و ۵/۸ میلیارد دلار مربوط به بخش خصوصی بوده است (اطلاعات ۶۲/۲/۱۸). حال اگر با توجه به نرخ برابری واقعی ریال و دلار که خود رژیم هر دلار را در فرودگاه جمعا به مبلغ ۲۵۰ ریال می‌فروشد (اگر چه دلار در بازار آزاد داخل کشور تا ۷۰۰ ریال نیز معامله می‌شود)، بهای واردات فوق را به نرخ ریال حساب کنیم، میزان واردات رژیم در طول سال گذشته رقمی معادل ۳/۶۷۵/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال خواهد شد.

همچنین وزیر راه و ترابری رژیم میزان واردات سال گذشته را ۱۵/۱ میلیون تن ذکر نموده و حتی از اینکه در این زمینه از رژیم شاه خائن هم به تدریج فراتر می‌رود، اظهار خرسندی کرده و اضافه نموده است که: "... ما در پایان سال ۶۱ شاهد انتظار نوبت حدود ۱۰۰ گشتی روی آبها بودیم که دلیل اصلی آن ثبات اقتصادی و

گشایش در وضعیت ارزی کشور است ...!" ملاحظه می‌شود، همچنانکه قبلاً یادآور شدیم، ثبات در قاموس رژیم وطن‌فروش خمینی چگونه تفسیر شده و به ازاء چه تاراجی از نفت بر روی نمایش آن تبلیغ می‌شود. جالب اینکه وزیر خائن راه و ترابری عملکرد خائنه‌ی رژیم خمینی در زمینه واردات را صریحاً چنین بیان می‌کند: "... با توجه به کمبود در زمینه کالاهای مختلف در کشور، سفارشات زیادی برای همه نوع کالا توسط دستگاه‌های اجرائی کشور داده شده است ... الان کالاهای زیادی در روی آب در انتظار نوبت است و همچنین کشتی‌های حامل کالا در بین راه هستند که بایستی به بنادر کشور وارد شوند ..."

(کیهان ۶۲/۱/۲۵) بدنیست به چند نمونه از آمار و اقلام جزئی‌تر نیز اشاره کنیم: حاجی قائمی سرپرست "اتحادیه‌ی مواد غذایی" که از مراکز غارت رژیم به حساب می‌آید گفته است: "... فعالیت‌هایی برای وارد کردن مقادیری حبوبات از خارج انجام گرفته و بزودی مقدار ۳۹۰۰ تن لپه و ۴۱۰۰ تن نخود وارد بنادر کشور می‌شود ..."

(اطلاعات ۶۲/۲/۱۳) با این توضیح که همین بازاری سرسپرده‌ی رژیم، دلیل کمبود حبوبات داخلی را، وجود جنگ در مناطق محل تولید آن ذکر نموده و وارد کردن آن از خارج را الزامی قید نموده است. مضافاً بر اینکه رژیم در طول سال گذشته نیز عمده اقلام حبوبات خود را از کشورهای مختلف منجمله ترکیه و پاکستان وارد نموده است. بانکی وزیر مشاور دولت رژیم خمینی اعلام کرده است که: "... در مورد خرید ۲۵ هزار تراکتور و ۷۵ میلیون دلار قطعات یدکی بین ایران و رومانی توافق حاصل شده است ...". (کیهان ۶۲/۲/۳). همچنین خبرگزاری رسمی خمینی اعلام کرده است که اخیراً ۱۶۰۰ موتور قایق از ژاپن خریداری شده است (اطلاعات ۶۲/۲/۱۱).

از طرف دیگر جناح‌های رقیب در رژیم نیز بیکار ننشسته و با انگشت گذاشتن بر روی سیاست وارد کردن کالا، و باصطلاح انتقاد از آن، در جهت تصفیه حساب‌های درونی بهره‌برداری می‌نمایند. منجمله در مقابل اظهارات وزیر راه و



## درباره سیاست خائنانه رژیم خمینی در زمینه افزایش سرسام آور واردات

ترابری رژیم، مهاجرانی یکی از نمایندگان مجلس ضد خلقی گفته است: "... اخیرا گفته می شود که ما به مرحله ای رسیده ایم که مثلا ۱۰۲ کشتی در آب های خلیج فارس در انتظار تخلیه هستند و یا با تاسف وزیر راه مطرح می گرد که ۱۵ میلیون تن کالا در سال ۶۱ تخلیه شده و به کشور وارد شده است. اگر معدل گیری کنیم، برای هر ایرانی حدود ۳۰۰ کیلوگرم کالا وارد شده و این آمار در پنجمین سال انقلاب آمار دلچسب و مطلوبی نیست.

(اطلاعات ۶۲/۲/۲۲)  
در همین زمینه نماینده دیگری مجلس ضد خلقی ضمن انتقاد به توجیحات خائنانهی وزیر بازرگانی، صراحتا به یک واقعیت اعتراف می کند و می گوید: "... وزیر بازرگانی هنگام افتتاح سیلوی سمنان می فرماید اکنون ما به استقلال سیاسی و اقتصادی رسیده ایم و برای اثبات مدعای خودشان می فرمایند "هم اکنون ۱۰۲ کشتی در بندرعباس پهلو گرفته اند که بار خود را تخلیه کنند" آیا وابستگی بیشتر از این می توان در جهان یافت و شما کدام کشوری را می یابید که در یک لحظه جهت وارداتش در یک بندر ۱۰۲ کشتی صف کشیده باشد..." (اطلاعات ۶۲/۲/۲۹)  
مصطفی تبریزی نماینده دیگری رژیم در مجلس گفته است: "... در نتیجهی سیاست اقتصادی موجود، از تعداد شرکت های تولیدی گاسته شده و به شرکت هایی که کارهای دلالی انجام می دهند افزوده شده است. افزایش واردات

یاورقی:

\* لازم به توضیح است که انتشار نامی این صد نماینده، مضاف بر یک سلسله انعکاس تضادهای درونی ارتجاع در به زیر علامت سوال بردن عسکراولادی خائن، که چه در مجلس خمینی و چه در رسانه های وابسته، به صورت مستقیم و چه غیرمستقیم (و به قول خمینی دجال، بدون امضاء!) در ماه های اخیر، دامنه ی وسیع تری یافته بود، خمینی را وادار به موضع گیری و نهیب زدن شدید به سگ های خود نمود. خمینی در سخنان خود در اول و هفتم خرداد که عمدتا ناظر بر تضادهای اوج گرفته ی درونی و حاکی از درماندگی ارتجاع از مهار کردن آنها بود، طی هشدار و اخطارهای گوناگون به سرسپردگانش منجمله چنین

بیشتر شده و صادرات افت زیادی داشته است، هر چقدر واردات بیشتر باشد و در مقابل صادرات کمتر، این نشان دهنده ی وابستگی بیشتر بودجه ی ما می باشد..." (اطلاعات ۶۱/۱۲/۱۹)  
یکی دیگر از نمایندگان مجلس ضد خلقی (اخلاقی نیا) گفته است: "... هم اکنون سیاستی را که نمایندگان عزیز در وزارت بازرگانی تعقیب می کنند آنست که با وارد کردن کالاها در بازار، توازن بین عرضه و تقاضا بوجود بی آورند و در نتیجه وضع موجود را در هم بشکنند و به این معنا هم اعتقاد دارند. اما من صریحا می گویم تا زمانی که این سیستم اینست و برنامه این است وارد کردن کالا به این کشور و با این کیفیت ریختن در این سیستم، نه تنها بین عرضه و تقاضا تعادل نمی کند بلکه اقتصاد کشور را بشدت تهدید می کند" (همان ماخذ)  
ضمنا در رابطه با رقابتها و تضادهای درونی رژیم، صد تن از نمایندگان سرسپرده ی خمینی در مجلس، طی نامه ای ۵ سوال از عسکراولادی وزیر بازرگانی و غارت رژیم نموده و منجمله پرسیده اند: "... حجم واردات برنج امسال چقدر و تفاوت آن با سال گذشته چقدر بوده است؟ ... چرا شیشه ی عینک گران قیمت اما انباری و از رده خارج شده را

گفت: "... این اشخاص ساده لوح را چه در مجلس و چه در خارج از مجلس باور می کنند که مسائلی را طرح بکنند که هر چه بیشتر ملت را مایوس کنند ... شما چرا می گوئید که حالا بدتر شده و باعث تضعیف دولت می شوید ..."، "... لاکن یک وقت لحن، لحن انتقاد نیست، لحن، لحن تضعیف جمهوری اسلامی (!) است ولو اینکه دیکته کردند بهش دادند نفهمد که اینطور است (!!!). توطئه کردن و دنبال این باشند که تضعیف کنند جمهوری اسلامی را، تضعیف کنند ارگان های این جمهوری را، اینست که دست در کار است، ماورای آن دست هایی که گرداننده هستند (!!!) ... این دولت دارد

وارد نموده و برای اتحادیه ی عینک فروشان یکصد و هشتاد درصد سود در نظر گرفته است؟ ... در مورد کنترل واردات کالاهای لوکس و تشریفاتی چه اقدامی نموده اید؟..." (کیهان ۶۲/۲/۱۵)  
با توجه به این حجم عظیم واردات که حتی یکی از ایادی رژیم آن را "در جهان بی نظیر" دانسته، بدیهی است که رژیم با مشکلات تبعی ناشی از این سیاست خائنانه اش نیز روبرو می باشد.

### مشکلات جانبی رژیم در اثر واردات بی حد و حصر کالا

می دانیم افزایش بی رویه ی واردات، به همان نسبت، افزایش گنجایش وسائل جهت حمل و نقل و حفظ و نگهداری و ... از کشور فروشنده تا بازار داخلی را طلب می کند. به عبارت دیگر سرازیر شدن صدها کشتی مملو از کالا به مملکت، به بندرهای اضافی، اسلک های متعدد، انبارهای اضافی در بنادر، وسائل حمل و نقل کالا، و ... نیاز دارد. اگر هر کدام از آنها به حد مکفی تامین نباشد، (که البته رژیم خمینی در زمینه ی نیازمندی های فوق، دچار کمبود شدید است)، جابجا مشکلات و هزینه های جدیدی چه به لحاظ معطل ماندن کشتی ها بر روی

با تمام توانی که دارد در یک وقتی که هر کس باشد ناتوان است ... آنوقت در مقابلش بیایند یک وقت نخست وزیرش را اینطور بگویند و وزیرش را گذا، ... نادیده حساب کردن که اینها هیچ، برای ملت تا حال هیچ انجام نگرفته و الان مثل زمان سابق همه چیز ما وابسته تر شده است ... خوب اینها معلومه که دستی پشتش است که مردم راهل بده و از صحنه بیرون کند و بجای او آنهایی که باید بیایند بیایند ... آگه یک وقت دید فلان وزیر عمدا خلاف کرده است، شما با یک دلیلی ثابت کنید آن را ... اما انسان بنشیند و بی امضاء هی بنویسد و منتشر کند و هی تهمت بزند و منتشر کند، چرا بی امضاء است آگه

آب و چه به لحاظ فاسد شدن کالاها در انبارهای بنادر به دلیل نبودن وسائل نقلیه، و ... بوجود خواهد آمد که حل تمامی آنها مستلزم اختصاص دادن نیرو، انرژی و بویژه پول و همچنین ایجاد اقدامات موضعی و مقطعی برای حل آن می باشد، که صد البته در رژیم درهم ریخته ی خمینی بصورت "بسیار ناقص و همراه با ضرر و زیان فراوان و معمولا به شکل "کلاه به کلاه" انجام می گیرد. یعنی اینکه رژیم به قیمت تعطیل کردن و یا راکد گذاشتن کار در بخش های دیگر، موقتا از امکانات آنها، از راننده و کامیون گرفته تا انبار و ... جهت انتقال کالاهای وارداتی، به بازارهای داخلی، بهره برداری می نماید. از جمله باید اشاره کنیم که تمام کشتی هایی که برای ارتجاع کالا حمل می کنند، بر اساس قوانین و ضوابط متداوله، برای هر روز معطل ماندن خود بر روی آب و تخلیه نشدنشان (دموراز) مبلغی به عنوان جریمه از رژیم دریافت می کنند. (سورشارژ) در همین زمینه یکی از نمایندگان خمینی در مجلس ضمن اشاره به تراکم کالا در بنادر استان هرمزگان آشکارا به این مسئله چنین اعتراف نموده است: "... بیش از هشتاد و چند کشتی در بندر معطل مانده اند که بنا به نقل یکی از مسئولین بندر، ما روزانه

راست می گوئی خوب امضاء کنید، ... اینهاست که انسان را به صدا درمی آورد و می گوید آقا بنشینید سر جاتون بس است ..."  
ملاحظه می شود که چگونه خمینی خیانتکار آشکارا به توجیه غارتگری های ایادی چپاولگرش - بویژه عسکراولادی - تحت عنوان "آیا این وزیر عمدا خلاف کرده؟!"، "این انتقادات تضعیف رژیم است!"، "دستی در پشت صحنه است!" ... پرداخته و حتی در این زمینه ایادی خود را تهدید نیز می نماید که اگر جرات دارند پای نوشته های خود در روزنامه ها را امضاء کنند؟! در واقع این شکل موضع گیری به نفع باند عسکراولادی و بازاریان حزبی، وجهی

۱۵ میلیون دلار دموراز از بابت معطلی کشتی ها پرداخت می کنیم و این پولیست که به صورت ارز از این مملکت خارج می شود. از ۴۵ هزار تن کالای موجود، حداکثر ظرفیت تخلیه ۱۵ هزار تن می باشد و اکنون از کشتیرانی به عنوان انبار استفاده می کنیم و روزانه برای حمل کالا تعداد هزار کامیون کم داریم ظرفیت و کشش بندر روزانه ۱۸۰۰ تن می باشد و حال آنکه عملا ۸۰۰ تن عمل می شود. طبق آمار ورود کامیون به ترمینال بندر در آخرین روز هزار و یک کامیون در حالی که ترمینال برای دویست تا سیصد کامیون پیش بینی شده است ..."  
(اطلاعات ۶۲/۲/۱۲)  
همچنین "نادی" نماینده دیگری خمینی در مجلس، آمار کلی تری داده و گفته است: "... ما روزانه حدود ۷۰۰ هزار دلار و ماهانه ۲۵۰ میلیون دلار فقط هزینه ی دموراز می پردازیم."  
(کیهان ۹/خرداد/۶۲)  
به همین دلیل نیز هست که ارگان های ذینفع رژیم، مرتبا در زمینه ی تخلیه و حمل و نقل کالا از گمرکات و بنادر کشور به صاحبان کالا هشدار و اخطار می دهند. در همین زمینه نظر شما را به اطلاعیه ی سازمان بنادر و کشتیرانی جلب می نمائیم:  
"سازمان بنادر و کشتیرانی اعلام کرد به علت تراکم بیش از حد کالا در محوطه ی تخلیه ی بار بندرعباس و عدم وجود محل خالی جهت نگهداری کالاهای جدیدالورود از گلیه ی صاحبان کالا درخواست می شود تا سریعا نسبت به ترخیص و حمل کالاهای خود از محوطه های بندرعباس (قدیم) اقدام بقیه در صفحه ی ۱۹

از دو چهره ی ماورای ارتجاعی خمینی است که هر جا زمینه ای برای چپاول و غارت بیشتر برای خمینی و دارودسته ی غارتگرش در میان باشد، خمینی حمایت بی دریغ خود را از این قبیل سیاست های غارتگرانه و ضد مردمی اعلام کرده و علیرغم دعاوی باصطلاح مستضعف - گرایانه اش عملا و رسما از منافع سرمایه داران و فتوادالها دفاع کرده است. همچنانکه هر جا مسئله ی سرکوب و شکنجه و کشتار باشد، خمینی سردمدار همه ی دژخیمان و شکنجه گرانس بوده و آمر اصلی و مدافع آنها خودش بوده است. (به سرمقاله ی "مجاهد" ۱۵۲ تحت عنوان "دو چهره ی ماوراء ارتجاعی خمینی" مراجعه شود).



## پاسخ به نامه‌های رسیده

بقیه از صفحه آخر

دیگر هواداران سازمان مطرح می‌شود، همچنانکه تاکنون شاهد بوده‌اید در مقالات مختلف "مجاهد" و مشخصا در مقالات نظامی پاسخ داده می‌شود.

۲ - سعی خواهیم کرد که حتی المقدور علاوه بر ایجاد ارتباط فعال‌تر و پاسخ به برخی سوالات، گوشه‌هایی از گزارشات، اخبار و نوشته‌های شما را نیز در مقالات مختلف منعکس کنیم. در اینجا لازمست تذکر دهیم که حتی الامکان مطالب نامه خود را تحقیق شده و موثق و خالی از ابهام بنویسید و چنانچه درج آن برای شما و یا خواهران و برادران دیگر ایجاد مسئله‌ی امنیتی می‌کند حتماً آنرا قید کنید.

۳ - انتقادات، پیشنهادات رهنمودها، توصیه‌های شما - ولو مجال بازگویی آنها را هم نداشته باشیم - قطعاً مورد توجه و استفاده قرار خواهد گرفت.

\*\*\*

\* برادری با نام "ف" از تبریز در مورد تفنیش عقاید در

دانشگاهها نوشته و نمونه‌ای از سوالات مندرج در فرم پرسشنامه را برایمان پست کرده است که مورد استفاده قرار گرفت.

\* برادری بنام "ف" از کرمانشاه نامه بسیار جالبی برایمان نوشته و ضمن تشریح اقدامات سرکوبگرانه رژیم و افزایش اختناق در شهر کرمانشاه چنین می‌نویسد: "تعدادگشتی‌ها در سطح شهر افزایش یافته است، دشمن به جاسوسان خود آماده - باش داده و مزدوران سپاه و کمیته همچون سگ‌ها به جان مردم افتاده‌اند. در پی شکار جوانان انقلابی شب و روز در خیابان‌ها پرسه می‌زنند. اما با وجود این بسیاری از هواداران به دلیل هشیاری خود و کمک بی‌دریغ مردم و آشنایان موفق شده‌اند که از دسترس پاسداران در امان بمانند. به دنبال این اقدامات سرکوبگرانه و ضدخلقی در روزهای اخیر - فروردین ۶۲ - بیش از ۲۵ نفر از هواداران مجاهدین در کرمانشاه بوسیله سپاه دستگیر

شده‌اند که اکثرشان از خواهران بوده‌اند و تاکنون هیچگونه اطلاعی از سرنوشت آنان در دست نیست. بیشتر این عده در محلات فقیرنشین شهر از قبیل وکیل آقا و ... دستگیر شده‌اند. این روزها سگ‌های خمینی شبانه به خانه‌های مردم ریخته و هر کس را بخواهند دستگیر می‌کنند. هم اکنون در سطح شهر اقدام به سرپازگیری اجباری نموده‌اند و جوانان شهر را به زور به مراکز اعزام سرپازی می‌برند. این اقدام در روستاها نیز همچنان ادامه دارد. در فروردین ماه امسال ده تن از زندانیان دیزل‌آباد اعدام شده‌اند. ... مزدوران ارتجاع در سطح شهر اقدام به نصب عکس‌های بزرگ خمینی و دیگر سردمداران رژیم، بویژه معدومین - که توسط نیروهای مقاومت به هلاکت رسیده‌اند - نموده‌اند. از جمله در بلوار طاق‌بستان در هر پنجاه متر یک عکس بزرگ خائن مرتجعی چون اشرفی اصفهانی یا دستغیب یا مدنی و ... را نصب کرده‌اند که تاکنون چندین بار با مرکب‌های رنگارنگ تصاویر منحوس آنها رنگ‌پاشی شده و یا با دست و چاقو پاره‌پاره گردیده است. این کار انعکاس شادی‌آفرینی در بین مردم داشته است. اخیراً نیز به علت گران تمام شدن

این عکس‌ها و زیاد پاره شدنشان، برای آنها نگهبان گذاشته‌اند."

این برادر عزیز در پایان نامه‌ی خود پیشنهادهایی در مورد تقویت صدای رادیو مجاهد نوشته است که در اختیار مسئولین مربوطه قرار گرفت.

\* برادری با امضاء (ج.م. فلق) در نامه‌ی خود نوشته‌اند:

"برادران مجاهد در زمانه‌ی که سنت‌های دلاورانه ستارها، کوچک‌خان‌ها و مصدق‌ها و حنیف‌نژادها می‌رفت که در سیاهی‌ها و تبهکاری‌های دجالان خمینی پرست به فراموشی سپرده شود، چه دلیرانه قیام کردید و نسلی را با مفاهیم انقلابی آبتی آشنا نمودید ..."

این برادر به ضمیمه شعری بنام "یاور" برای دوست مجاهد شهیدش بهروز شیردل سروده و برای ما فرستاده است.

\* برادر محمد (س) بهرام - نامه‌ی شما دریافت شد. تلفن اشتباه بود منتظر نامه‌های بعدی شما هستیم.

\* برادر مسعود - نامه‌ی شما رسید. منتظر دریافت توضیحات بیشتر درباره‌ی وضعات می‌باشیم.

\* خواهر حوری - نامه‌های گذشته‌ی شما دریافت شده ما را از وضعیت جدید خودتان مطلع سازید.

\* برادر ازدر کیوتو دوست نامه‌ی شما با ضمیمه‌های دریافت شد به توصیه‌های شما توجه خواهد شد.

\* خواهران مبارز "نسرین. ش" - "هاله.ک.ر" - "زیبا. الف" - "شهین.ب" - اعظم ژاله - مینا و برادران عزیز "حمید.ک" و فریدون نامه‌های شما دریافت شد. منتظر دریافت نامه‌های بعدی شما هستیم.

\* برادر (پیام - الف) شعری را که فرستاده بودید رسید، منتظر داستان‌هایی که نوشته‌اید هستیم.

\* خواهر آزاده محبی - تهران نامه و طرح‌های شما رسید باز هم برای ما نامه بنویسید. \* شعری با امضاء "عده‌ای از خواهران زندانی سیاسی" به دستمان رسیده از فرستنده می‌خواهیم که ارتباط خود را با ما فعال‌تر کند.

\* برادران عزیز جوانمرد - ابراهیمی - عبداللهمزاده - سیدی - حسینی نامه‌های شما رسید. با تشکر از اخباری که برایمان نوشته بودید امیدواریم که نامه‌های بعدی شما را نیز دریافت کنیم.

\* برادر اطهر امیدوار نامه‌ی شما رسید. مطالب آن جالب و قابل استفاده بود. در این زمینه باز هم برایمان بنویسید.

□ □ □

## اطلاعیه دفتر مجاهدین خلق در پاریس

### رژیم خمینی از آوارگان افغانی برای شرکت در جبهه‌های جنگ و...

بقیه از صفحه اول

به عهده گرفته که فراخوان وسیع این مرکز برای اعزام اتباع عراقی در تاریخ ۱۰/خرداد/۶۲ از رادیو تهران نیز پخش گردید.

هم‌اکنون یک مرکز سیاسی - نظامی بنام "مجمع پیروان ولایت فقیه" در شهر مشهد (که محل تمرکز اصلی آوارگان است) تاسیس شده که در رابطه‌ی مستقیم با واحد به اصطلاح "صدور انقلاب و فعالیت‌های خارجی" سپاه پاسداران خمینی فعالیت می‌کند و وظیفه‌ی آن گردآوری گروه‌های آوارگان افغانی لازم به منظور شرکت در سرکوب مردم کردستان و یا اعزام به جبهه‌های جنگ با عراق می‌باشد. البته جدای از فعالیت‌های این مرکز، اعزام آوارگان افغانی از نقاط مختلف ایران نیز صورت می‌گیرد و اینگونه آوارگان بی‌نام و نشان به عنوان

"سپاه گمنام" به جبهه‌های جنگ اعزام می‌گردند.

رژیم خمینی با توجه به آشنائی آوارگان افغانی با مناطق گوهستانی ترجیح می‌دهد که از آنان در سرکوب مقاومت کردستان بطور وسیع‌تری استفاده نماید. آوارگان افغانی در درگیری‌های مناطق سردشت، مهاباد و "ارتفاعات کلاگر" شرکت داشته و دهها تن از آنها نیز در این درگیری‌ها کشته شده‌اند.

هم‌چنین گروه بزرگی از آنان بخشی از نفرات "تیپ شهدا" را تشکیل می‌دهند که در تهاجمات جاری به کردستان نقش عمده‌ای به عهده دارد.

تلاش‌های ضدانسانی رژیم خمینی برای اعزام آوارگان افغانی و هم‌چنین اسرای جنگی عراقی به جبهه‌های جنگ و استفاده از آوارگان افغانی برای

سرکوب مقاومت کردستان ایران، بیانگر سرشت ضدبشری این رژیم قرون وسطائی است و در عین حال نشانه‌ی آشکار آنست که توانائی بسیج جنگی رژیم خمینی بدنبال بالا گرفتن تلاش‌های صلح‌طلبانه‌ی مردم و پرسنل ارتش برعلیه سیاست جنگ‌طلبانه‌ی این رژیم، بشدت و بطور کیفی کاهش یافته است. تاکنون از میان آوارگان افغانی که فقط توسط "مجمع پیروان ولایت فقیه" برای شرکت در جبهه‌های جنگ و یا درگیری‌های کردستان ایران گردآوری شده‌اند، بیش از ۴۰۰ تن کشته و یا مجروح و معلول گردیده‌اند که یکی از عناصر فعال "مجمع پیروان ولایت فقیه" بنام "محمد آصف امینی" در میان کشته شدگان می‌باشد. هم‌چنین "سید ابوذر علوی" یکی از عناصر فعال همین مرکز بطور مستمر در قرارگاه موسوم به

## سالروز

### شهادت آیت الله سعیدی

روز ۲۰ خرداد سال ۴۹ روحانی مبارز سید مجمدرضا سعیدی به جرم مخالفت با ورود هیئت غارتگر اقتصادی امپریالیستی به ایران و اعتراض به سکوت و بی‌تفاوتی به اصطلاح مراجع تقلید!! و بزرگان دین!! بدست دژخیمان شاه و در زیر شکنجه به شهادت رسید.

آیت‌الله سعیدی که پس از مراجعات مکرر به هم‌لباسی‌های خود - به اصطلاح روحانیون طراز اول

"خاتم الانبیاء" (قرارگاه اصلی جبهه‌های جنگ) فعالیت می‌کند و پسر همین شخص نیز ریاست "مجمع پیروان ولایت فقیه" در مشهد را به عهده دارد.

دفتر مجاهدین خلق در پاریس  
۱۶ خرداد ۶۲

\*\*\*

شهرهای مختلف - در جهت برانگیختن اعتراض آنان به ورود این هیئت غارتگر، با سکوت و سازش همه‌ی آنان مواجه شده بود، سرانجام در آخرین نامه‌ی خود شدیداً آنها را مورد خطاب قرار داده و نسبت به عواقب این سکوت خیانت‌آمیز هشدار داد.

در سالروز شهادت آیت‌الله سعیدی یاد او را گرامی می‌داریم که خونش داغ ننگی شد بر پیشانی رژیم شاه و رسواگر خیانت‌ها و سازش‌های ارتجاعی دین‌فروشان حرفه‌ای. همان جنایتکارانی که چند صباحی بعد با سوار شدن بر موج خون خلق، حکومت را غصب نموده و خود مرزهای وحشی‌گری و خیانت به خلق را بسا فراتر از رژیم شاه در نوردیدند. ■



دیدگاهها

# نفت، اوپک و رژیم خمینی

مقاله‌ای از: حسین نقدی

نمایندگان کشورهای عضو سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک) در پایان آخرین اجلاسشان در لندن، در مورد کاهش قیمت پایه نفت از ۳۴ دلار در بشکه به ۲۹ دلار به توافق رسیدند.

این توافق که موقتا به اختلاف‌نظرها و جنگ قیمت‌ها (که در طول سال گذشته، اوپک را تا آستانه‌ی ازهم پاشیدن برده بود) پایان داد؛ نقطه‌ی عطف بسیار مهمی در حیات ۲۳ ساله‌ی این سازمان است. اما اگرچه اوپک که در سال ۱۹۶۰ برای دفاع از منافع کشورهای صادرکننده نفت و مشخصا جلوگیری از کاهش بهای آن بوجود آمده بود، فقط در مارس ۱۹۸۳ توافق دستجمعی بر سر کاهش قیمت نفت را به مثابه‌ی تنها امکان ادامه‌ی حیات، جشن گرفت، ولی این تصمیم نتیجه‌ی تحولاتی بود که از سال‌ها قبل در بازار جهانی نفت شروع شده و اتفاقاتی نظیر به قدرت رسیدن خمینی در ایران آنرا شدت بخشیده و تسریع کرده بود. این تحولات با آغاز کاهش تقاضا و افزایش تولید و عرضه‌ی نفت، شروع شده و به همراه خود یک سری تغییرات زنجیره‌ای را در بازار بین‌المللی انرژی، موجب شده‌اند.

نیمه‌ی دوم دهه‌ی ۷۰ میلادی، در حقیقت آغازرودنی است که باید در اواخر قرن حاضر به تغییرات اساسی در ترکیب مواد انرژی‌زا، کاهش شدید سهم نفت در این ترکیب و افزایش سهم گاز، ذغال، اتم و ... منجر شود. علیرغم پیش‌بینی‌های سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه در سال ۱۹۷۶ که مصرف نفت کشورهای غیرکمونیس‌ت در سال ۱۹۸۰ را به ۶۷ میلیون بشکه در روز و یا حتی علیرغم یک پیش‌بینی واقع‌بینانه‌تر که در سال ۱۹۷۷ توسط کارشناسان کنگره آمریکا صورت گرفت و نیاز کشورهای غیرکمونیس‌ت در ۱۹۸۰ به نفت را ۵۶/۷ میلیون بشکه در روز برآورد کرده بود، براساس آمار منتشر شده از طرف سازمان کشورهای صادرکننده نفت، مصرف روزانه‌ی نفت تمام کشورهای جهان در سال ۱۹۸۰ از ۶۱/۷۰۵ میلیون بشکه تجاوز

نکرده و مصرف کشورهای غیرکمونیس‌ت در این سال فقط ۴۹ میلیون بشکه در روز بوده است. براساس گزارش اوپک، مصرف نفت تمامی کشورهای جهان در این سال، ۳/۷۷ درصد نسبت به سال قبل (۷۹) کاهش یافته است. این کاهش برای کشورهای غیرکمونیس‌ت ۴/۹۷ درصد بوده است.

اگر آمار مربوط به مصرف نفت در دو سال مورد بحث (۱۹۷۹ و ۱۹۸۰) را با آمار مربوط به مصرف کل انرژی جهان در همین سال مقایسه کنیم، کاهش درخواست برای نفت نسبت به دیگر منابع انرژی به روشنی مشاهده می‌شود. مطابق آمار موجود، در سال ۱۹۸۰ مصرف انرژی جهان معادل انرژی حاصل از ۶۸۸۲/۶ میلیون تن نفت بوده که نسبت به سال ۱۹۷۹ فقط ۰/۷۳ درصد کاهش داشته است. این رقم برای کشورهای غیرکمونیس‌ت معادل انرژی حاصل از ۴۷۵۲/۸ میلیون تن نفت بوده و نسبت به سال قبل (۱۹۷۹) ۱/۵ درصد کاهش نشان می‌دهد. کاهش مصرف انرژی در سال ۱۹۸۰ را می‌توان به آغاز بحران اقتصادی در غرب نسبت داد ولی تفاوت کاهش مصرف انرژی نسبت به کاهش مصرف نفت را که با اندک تفاوتی میان ارقام مربوط به مصرف تمامی کشورها - کشورهای غیرکمونیس‌ت حدود ۳ درصد است - طبیعتا باید به روند کاهش درخواست برای نفت و جایگزین شدن آن با دیگر منابع انرژی مربوط دانست. این روند البته حتی قبل از سال ۱۹۷۹ آغاز شده بود. برای اثبات، به عنوان مثال می‌توان با مقایسه‌ی درصد مشارکت نفت در ترکیب مواد اولیه‌ی انرژی‌زا بین سال‌های ۱۹۷۵ و ۱۹۸۰، در این روند را مشاهده کرد. در سال ۱۹۷۵، نفت ۴۵/۷ درصد انرژی مصرفی جهان را تامین می‌کرده است. در سال ۱۹۸۰ سهم نفت در تامین انرژی جهان به ۴۳/۶ کاهش یافته است. ولی اگر تغییر درصد وابستگی کشورهای صنعتی جهان به نفت برای تامین انرژی مورد نیازشان در همین دوره را در نظر بگیریم، روند کاهش اهمیت نفت در تامین انرژی جهان روشن‌تر می‌شود. زاپن در سال

یافته و به کمتر از ۳۰ درصد انرژی مورد نیاز جهان خواهد رسید. طبق پیش‌بینی‌های همین موسسه، گاز طبیعی عمده‌ترین منبع جانشین نفت برای تامین انرژی در میان - مدت خواهد بود. (به نظر کارشناسان آژانس بین‌المللی انرژی، شانس جانشینی گاز کمتر و احتمال بازگشت زغال به عنوان مهم‌ترین ماده‌ی اولیه‌ی انرژی‌زا بیشتر است، با اینحال احتمال زیادی دارد که نظر کارشناسان آژانس بین‌المللی انرژی، تحت تاثیر مسائل سیاسی روز، تنظیم شده باشد) گرچه پیش‌بینی‌های این موسسه با فرضیات کارشناسان اوپک که علیرغم قبول کاهش اهمیت نفت، سهمی بیش از ۳۰ درصد در تامین انرژی جهان در سال ۲۰۰۰، برای نفت قائل‌اند و نیز با تئوری‌های آژانس بین‌المللی انرژی که افزایش تقاضا برای نفت در اواخر دهه‌ی ۸۰ و یا اوائل دهه‌ی ۹۰ را

پیش‌بینی می‌کنند، هماهنگی ندارد، با اینحال از هم‌اکنون می‌توان گفت که قبل از آنکه ذخائر نفت جهان پایان یابند، بشر راه‌حل‌های جانشین برای تامین انرژی مورد نیازش خواهد یافت. اما تحول دیگری که از نیمه‌ی دوم دهه‌ی هفتاد آغاز شد، تغییر جغرافیایی تولید نفت در جهان بود. کشف نفت (به مقادیر بسیار زیاد) در مکزیک و دریای شمال و چین و شروع بهره‌برداری از این منابع، تغییر و تحولات جدیدی در جهان مبادلات نفتی بوجود آورد. اولین و مهم‌ترین اثر کشف و بهره‌برداری از این منابع، کاهش سهم اوپک در تامین نفت جهان بود. به عنوان مثال در حالی که تولید نفت کشورهای عضو اوپک در سال ۱۹۸۰ نسبت به تولید آنها در ۱۹۷۹ حدود ۱۳ درصد کاهش یافت، تولید نفت کشورهای تولیدکننده‌ی بیرون از اوپک حدود ۲/۵ درصد افزایش نشان می‌دهد و اگر ریز تولید کشورهای مختلف بیرون از اوپک را بررسی کنیم، مشاهده می‌شود که درحالیکه کانادا و ایالات متحده رشد منفی تولید داشته‌اند، مکزیک ۳۲/۵ درصد و نروژ حدود ۳۰ درصد بر تولید خود افزوده‌اند. این افزایش سریع در تولید کشورهای بیرون از اوپک در مجموع باعث شده است که علیرغم کاهش ۱۳/۵ درصد تولید اوپک، تولید نفت جهان در سال ۱۹۸۰ فقط ۵/۶ درصد نسبت به سال قبل (۷۹) کاهش یابد. بررسی آمار مربوط به تولید نفت در کشورهای مختلف

جهان در سال‌های نیمه‌ی دوم دهه‌ی هفتاد، نشان می‌دهد که وابستگی جهان به نفت تولید شده در کشورهای عضو اوپک با سرعت بیشتری نسبت به وابستگی به نفت بطور عام، کاهش یافته است. درحالیکه تولید نفت کشورهای عضو اوپک در اواخر سال ۷۶ به بیش از ۳۴ میلیون بشکه در روز رسیده بود، تولید نفت همین کشورها در آخر سال ۸۰ به کمتر از ۲۶ میلیون بشکه در روز تقلیل یافت. بعبارت دیگر در حالیکه در سال ۱۹۷۶ اوپک ۵۳/۱ درصد از تولید نفت جهان را در اختیار داشت، این سهم در سال ۱۹۸۰ به ۴۵ درصد کاهش یافته است. روند تقلیل سهم اوپک در تامین نفت جهان پس از ۱۹۸۰ و در طول بحران اقتصادی نیز ادامه یافته است تا جائیکه در سال ۱۹۸۲ اوپک فقط روزانه کمتر از ۱۸ میلیون بشکه نفت تولید کرده است.

تحول سوم مربوط به تغییر توازن در درون اوپک است. در حالیکه از تولید متوسط روزانه ۳۲ میلیون بشکای اوپک در سال ۱۹۷۶، عربستان سعودی ۸/۵ و ایران حدود ۶ میلیون بشکه را تامین می‌کرده‌اند، در سال ۱۹۸۰ و در حالیکه کل تولید روزانه‌ی اوپک به حدود ۲۶ میلیون بشکه تقلیل یافته بود، تولید نفت عربستان از مرز ۱۰ میلیون بشکه در روز گذشت. این تغییر جغرافیایی تولید در درون اوپک منجر به یک قطبی شدن سازمان کشورهای صادرکننده نفت گردیده و عملا توازنی را که در دو دهه‌ی اول حیات این سازمان برقرار بود، برهم می‌زند. با انقلاب بهمن ۵۷ (فوریه ۷۹) در ایران و بعد شروع جنگ ایران و عراق در سپتامبر ۱۹۸۰ حوزه‌های نفتی واقع در شمال خلیج فارس عملا اهمیت خود را از دست می‌دهند، مخصوصا که شروع بهره‌برداری از لوله‌ی نفتی سراسری عربستان و آغاز ساختمان لوله‌های نفتی در جنوب خلیج فارس که تولیدات حوزه‌های نفتی عراق، کویت و امارات عربی جنوب خلیج را به بنادر صادراتی نفت در دریای عمان و نیز بحر احمر منتقل می‌نمایند، بمثابة کوششی است برای تقلیل اهمیت خلیج فارس و تنگه‌ی هرمز - لاقاقل در زمینه نفت - و نشان‌دهنده‌ی استراتژی عمومی جهان صنعتی و شرکای منطقه‌ایش در دور نگه داشتن منابع و راههای نفتی از مناطق "خطر" و هر چه بیشتر یک قطبی کردن تولید نفت لاقاقل بقیه در صفحه‌ی ۱۷



# حماسه‌های مجاهد خلق، لحظه‌های انقلاب

## اراده يك خلق مصمم... گزارش فشرده نبرد و مقاومت دو مجاهد قهرمان خلق در زندان سپاه ضد خلقی پاسداران در گرگان

تاریخ: مرداد ۶۰  
مکان: گرگان  
زندان سپاه ضد خلقی پاسداران

درب سلول باز شد و مهمهمدی زندانیانی که با یکدیگر مشغول صحبت بودند، اندکی فروکش کرد و دوباره اوج گرفت. یکی از پاسدارانی که وارد سلول شده بود از دم در شروع به شمردن زندانیان کرد و پس از پایان کار با صدای بلند گفت: "سی و پنج نفرن" و از در بیرون رفت و با سروصدای زیاد چفت آهنی پشت آنرا انداخت.

"حسین" به سایر زندانیان که در هوای گرم و مرطوب زندان در حال صحبت بودند نگاه کرد. نزدیک به دو هفته بود که هواخوری قطع شده بود و شکنجه و تیرباران افزایش پیدا کرده بود. ضمناً تعداد افراد زندانی نیز رو به ازدیاد بود و به همین دلیل علاوه بر سلول‌ها و محلی که قبلاً از آن به عنوان بند عمومی استفاده می‌شد، چند اتاق دیگر را هم پس از تغییرات لازم به بندهای عمومی زندان تبدیل کرده بودند و علاوه بر این در محوطه زندان نیز مشغول ساختن سلول‌های جدید بودند.

درب سلول دوباره باز شد و پاسدارهایی که دقایقی قبل برای سرشماری افراد آمده بودند وارد شدند و دو سینی کائوچویی را که داخل آنها مقداری نان و پنیر وجود داشت روی زمین گذاشتند و دوباره از در خارج شدند.

مسئول تقسیم غذا از جایش بلند شد و پس از نگاهی به غذا و برآورد کردن مقدار آن زیر لب زمزمه کرد:

"این مقدار غذا! که برای ده نفر هم کافی نیست... اونوقت ۳۵ نفر با این مقدار...؟! و سینی غذا را برداشت و بطرف مریض‌ها رفت

و اول غذای آنها را داد و سپس غذای بقیه را تقسیم کرد. به هر نفر مقدار خیلی کمی نان و پنیر رسید و زندانیان به آرامی مشغول خوردن "شام" شدند. "حسین" پس از خوردن "شام" از جا بلند شد و به طرف در رفت و چند ضربه به در زد پاسداری که در سالن مقابل پشت میز نشسته بود و مشغول غذا خوردن بود با عصبانیت بلند شد و داد کشید:

"چه خبره باز درو می‌گویید؟"  
حسین جواب داد:  
"درو باز کن... وقت نماز خوننده، بایستی وضو

وضو گرفتن بود، به مردی که چند لحظه قبل دیده بود اندیشید:  
"... "حیدری" را از مدت‌ها قبل می‌شناخت. او از مزدوران مهم اطلاعاتی سپاه ضد خلقی پاسداران در گیلان و مازندران بود و حتی در فاز سیاسی نقش موثری در سرکوب انقلابیون و پیشبرد خطوط ارتجاعی رژیم به عهده داشت و در فاز نظامی هم به عنوان یکی از کارآمدترین مهره‌های ارتجاع به شناسائی و دستگیری و کشتار انقلابیون و سازماندهی نیروهای مسلح خمینی مشغول بود و بهمین دلایل از مدت‌ها قبل، اعدام

پیشانی‌اش را پاک کرد و به "هادی" گفت:

"الان حدود پنجاه نفر در این اتاق وجود دارن و روز بروز تعداد زندانیا بیشتر می‌شه. ولی ضمناً پاسدارها قدرت کنترل خودشون روی تعداد زیاد افراد از دست دادن... از دو هفته قبل من متوجه شدم که بعضی وقتا "حیدری" جلاد پس از بازگشت از دستشویی گاپشن و سلاحش جا می‌ذاره و دوباره پس از مدتی با عجله برمیگرده و اونو برمی‌داره و یا اینکه پاسدارها پس از مدتی متوجه می‌شن و سلاحشو به اتاق کارش می‌برن... اگه ما بتونیم یکبار که اسلحه‌شو داخل دستشویی جا میذاره، خودمونو به اونجا برسونیم و سلاح اونو بدست بیاریم بعدش..."

صدای باز شدن ناگهانی در اتاق بلند شد و هفت هشت تا پاسدار بطور ناگهانی به داخل ریختند و با خشونت بسیار و در میان داد و فریاد و اعتراض دستجمعی شروع به ضرب و شتم زندانیان و گشتن وسائل آنها کردند. "حسین" در حالیکه از جایش بلند می‌شد و به طرف وسائلش می‌رفت تا آنها را از غارت مزدوران حفظ کند گفت:  
"فعلاً تا بعد از رفتن این اوباش تعطیل می‌کنیم و بعد به

... "حیدری" را از مدت‌ها پیش می‌شناخت. او از مزدوران مهم اطلاعاتی سپاه ضد خلقی پاسداران در گیلان و مازندران بود و در فاز سیاسی نقش موثری در سرکوب انقلابیون و پیشبرد خطوط ارتجاعی رژیم به عهده داشت و در فاز نظامی هم به عنوان یکی از کارآمدترین مهره‌های ارتجاع به شناسائی و دستگیری و کشتار انقلابیون و سازماندهی نیروهای مسلح خمینی مشغول بود و بهمین دلایل از مدت‌ها قبل، اعدام انقلابی این مزدور در دستور کار او حدهای عملیاتی مجاهدین قرار گرفته بود.

صحبت‌ها مون ادامه می‌دیم."  
نیم ساعت بعد پاسدارها با چند کیسه پلاستیک و مقداری ناچیز دارو که متعلق به بیماران بود با قیافه‌های احمقانه و فاتحانه! آنجا را ترک کردند.

\* \* \*  
"الان گاپشن "حیدری" تو دستشویی جا مونده و خودش برگشته تو اتاق" ضربان قلب "حسین" از شنیدن این خبر ناگهان زیاد شد. مدت‌ها بود که انتظار چنین فرصتی را می‌کشید. از جایش بلند شد و به طرف "هادی" رفت و پس از صحبتی کوتاه با او هر دو به طرف در رفتند و "هادی" چند ضربه به در زد.

پاسداری در را باز کرد و "حسین" و "هادی" با اشاره به دستشویی به طرف دستشویی راه افتادند و نگهبان دوباره روی صندلی نشست. به دستشویی که رسیدند کاپشن و فانوسقه را

انقلابی این مزدور در دستور کار واحدهای عملیاتی مجاهدین قرار گرفته بود ولی... "حسین" او را پس از دستگیری و در زندان می‌دید.  
... موقع برگشتن از دستشویی، وقتی که از مقابل اتاق می‌گذشت دوباره به "حیدری" فکر کرد و ساعت یازده شب که صدای شلاق‌ها و فریادهای دردآلود یکی از خواهران مجاهد که در زیر شکنجه قرار داشت بلند شد بیشتر به این مساله فکر کرد.

\* \* \*  
"ما نباید حتی یک لحظه دست از مقاومت برداریم. نبرد با خمینی و رژیم قرون وسطائی او تا پای جوخه‌های اعدام هم ادامه خواهد یافت و برای نبرد با دژخیمان، بایستی اراده‌ی یک خلق مصمم را در خود لمس کنیم..."  
حسین با تکه پارچه‌ای عرق

با کلت چهل و پنج همراه آن دیدند.

حسین به سرعت کلت را برداشت و پس از نگاهی به دور و بر، خشاب آنرا بیرون آورد و پس از اطمینان از پر بودن، آنرا به سرعت سر جایش گذاشت و گلنگدن را کشید و از دستشویی بیرون را نگریست و منتظر ماند... هنگامیکه دوباره در اتاق کوبیده شد و توجه نگهبان به طرف در جلب شد به "هادی" اشاره کرد که در دستشویی بماند و خودش به سرعت از دستشویی بیرون آمد. تا اتاق "حیدری" چند متر بیشتر راه نبود. به سرعت خود را به اتاق "حیدری" رسانید و با شتاب در را باز کرد. حیدری تنها در اتاق نشسته و مشغول خواندن پرونده‌ای بود. با شنیدن صدای پرونده بلند کرد... و ناگهان با دیدن "حسین" و اسلحه‌ی او وحشترده سعی کرد مسلسل کلاشینکفی را که کنار دستش بود بردارد ولی غرش دوگلوله که در سر و سینه‌ی او نشست مجالی به او نداد و او را روی زمین پرتاب کرد. "حسین" به سرعت خود را به مسلسل رسانید و آنرا برداشت و از اتاق بیرون آمد... "هادی" پشت در ایستاده بود. اسلحه‌ی کلت را با خشاب‌های اضافی به او داد و در حالیکه به پاسدار مزدور نگهبان که رنگش از ترس سفید شده بود نگاه می‌کرد گفت: "میریم به طرف نهارخوری و..."

\* \* \*  
صدای رگبار کلاشینکف که از داخل زندان شنیده شد نگهبانان زندان، وحشترده بقیه در صفحه‌ی ۱۶

پاورقی:  
۱ - مجاهد قهرمان حسین مرادزاده که در جریان این نبرد به شهادت رسید.  
۲ - "حیدری" از عناصر سرسپرده و مهم ارتجاع بود که علاوه بر سرپرستی اطلاعات سپاه در استان‌های گیلان و مازندران سرپرستی زندان گرگان را نیز به عهده داشت و از مهره‌های بسیار مهم اطلاعاتی و سازماندهی نیروهای خمینی در شمال بود. رژیم خمینی در وحشت از مقاومت فرزندان مجاهد خلق نام این مزدور را در شمار گشته شدگان جنگی اعلام کرد و سعی کرد از افشای خبر هلاکت او توسط مجاهدین اسیر جلوگیری کند ولی همان روز درگیری خبر چگونگی هلاکت این مزدور مرزهای گرگان را درهم نوردید و در سراسر شمال پخش شد.



## گرامی باد خاطرۀ تابناک شهیدای مجاهد خلق

### مجاهد قهرمان شهید حسین جلیلی پروانه

آنچه قبل از هر چیز چهره‌ی انقلابی مجاهد شهید حسین جلیلی پروانه را در میان یاران و هم‌زمان مجاهدش برجسته و ممتاز می‌سازد، توان بالای پذیرش مسئولیت و کارآئی و قدرت او در حل تضادها و مسائل مختلف بود. در واقع او در موضع انجام هر مسئولیتی که قرار می‌گرفت، با ذهن فعال و کارآئی عملی خود، سرعت بر موضوعات و مسائل حیضی مسئولیت خود اشراف می‌یافت و بخوبی از عهده‌ی حل آن‌ها برمی‌آمد. او چه طی دوران زندان و چه بعد از آن، بارها و بارها توانمندی خود را در انجام مسئولیت‌های گوناگون نشان داد.

مهریزی و ... با تکثیر و توزیع اعلامیه‌ها و جزوات مجاهدین، در اشاعه‌ی فرهنگ انقلابی سازمان می‌کوشید. با گسترش و اوج‌گیری این قبیل فعالیت‌های انقلابی در میان دانشجویان مبارز، ساواک یورش گسترده‌ای به دانشگاهها را آغاز کرد و تعداد زیادی از دانشجویان انقلابی را دستگیر نمود. حسین نیز در سال ۵۴ دستگیر شد و پس از پشت سر گذاشتن دوران بازجویی، ۳ سال زندان محکوم نمود. مجاهد شهید حسین جلیلی پس از انتقال به زندان عمومی، در ارتباط با تشکیلات مجاهدین قرار گرفت و در همین رابطه، فراگیری

از جانب مسئولین استان که حسین در راس آن‌ها بود را طلب می‌کرد تا با برقراری ارتباطات منظم و سازماندهی مناسب، دامنه‌ی فعالیت‌های اجتماعی سازمان را در این استان هر روز گسترش دهند. این دوران، یکی از درخشان‌ترین فصل‌های زندگی مبارزاتی تشکیلاتی مجاهد شهید حسین جلیلی بود. قبل از ۳۰ خرداد ۶۰ حسین به تهران آمد و مدتی معاونت یکی از مسئولین بخش شهرستان را عهده‌دار شد. با شروع نبرد انقلابی مسلحانه‌ی مجاهدین با خمینی جلا، او در بخش اجتماعی به فعالیت پرداخت و مسئولیت نهاد دانش‌آموزی را به عهده

**با شروع نبرد انقلابی مسلحانه، او در بخش اجتماعی به فعالیت پرداخت و مسئولیت نهاد دانش‌آموزی را به عهده گرفت. آخرین مسئولیت مجاهد شهید حسین جلیلی پروانه، مسئولیت کل منطقه‌ی غرب تهران بود. تحت نظر او مسئولین نظامی و اجتماعی منطقه‌ی غرب توانستند به سازماندهی نیروها و تشکیل تیم‌های عملیاتی پرداخته و عملیات متعددی را بر علیه مزدوران دشمن فرمادهی کنند.**

مجاهد شهید حسین جلیلی پروانه در سال ۱۳۳۳ در شهرستان گناباد متولد شد و تحصیلات ابتدائی و متوسطه را در همان شهر به پایان رساند. او در سال ۵۰ به مشهد آمد و در رشته‌ی ریاضی دانشکده‌ی علوم مشهد به تحصیل پرداخت. در آن سال‌ها با آغاز جنبش انقلابی مسلحانه و بویژه تحت تاثیر حرکت سازمان مجاهدین خلق ایران فعالیت‌های دانشجویی عمق و گسترش بیشتری یافته بود و دانشجویان مبارز، بصورت هسته‌ها و گروه‌های کوچک حول محور سازمان‌های پیش‌تاز، فعالیت می‌کردند. در این میان دانشکده‌ی علوم دانشگاه مشهد، کانون جوشش این قبیل فعالیت‌های انقلابی بود. حسین نیز به دلیل زمینه‌های مستعدی که از قبل داشت، بلافاصله پس از ورود به دانشگاه، فعالیت سیاسی خود را آغاز کرد. او همراه با دیگر یارانش همچون مجاهدین شهید خسرو رحیمی، محمود جعفری، قاسم

آموزش‌ها و تعلیمات سازمان را آغاز کرد. پس از آزادی از زندان و بدنبال قیام پرشکوه خلق و سقوط رژیم پهلوی، حسین در بخش تبلیغات سازمان در تهران مشغول بکار شد. پس از مدتی به مشهد رفت و به عنوان یکی از مسئولین تشکیلات استان خراسان، مسئولیت‌های متعددی را به عهده گرفت. مسئولیت بعدی مجاهد شهید حسین جلیلی پروانه، مسئولیت کل تشکیلات استان گیلان بود که ضمن آن، او با پشتکار، جدیت و تلاشی خستگی‌ناپذیر وظایف انقلابی خود را به بهترین وجهی انجام داد. در آن روزها، حسین برآستی، لحظه‌ای آرام و قرار نداشت. از یکسو به دلیل الزامات کارش مجبور بود روزها و ساعات بسیاری را صرف رفت‌وآمد به تهران و تماس با مسئولین بالاتر نماید و از سوی دیگر طیف وسیع نیروهای اجتماعی هوادار سازمان در استان گیلان، تحرک و تلاش بسیار بیشتری

گرفت. آخرین مسئولیت مجاهد شهید حسین جلیلی پروانه، مسئولیت کل منطقه‌ی غرب تهران بود. تحت نظر او مسئولین نظامی و اجتماعی منطقه‌ی غرب توانستند به سازماندهی نیروها و تشکیل تیم‌های عملیاتی پرداخته و عملیات متعددی را بر علیه مزدوران دشمن فرمادهی کنند. مجاهد شهید حسین جلیلی از توانائی‌های مکفی در زمینه‌های مختلف سیاسی، ایدئولوژیک، تشکیلاتی و ... برخوردار بود و بسیاری از اعضا، تحت مسئولیت او توانستند پروسه‌ی رشد تشکیلاتی قابل توجهی را پشت سر گذارند. و سرانجام در روز ۱۹ اردیبهشت ۶۱ هنگامی که حسین با همسرش مجاهد شهید مریم شفائی و یکی از هم‌زمانش (مجاهد شهید علی انگبینی) از پایگاه خود خارج شده بود، طی یک درگیری خیابانی و پس از نبرد با مزدوران خمینی، قهرمانانه به شهادت رسید. یادش گرامی باد

### مجاهد شهید مریم شفائی

(جلیلی پروانه)

مجاهد شهید مریم شفائی در سال ۱۳۳۸ در خانواده‌ی مجاهد "شفائی" در اصفهان بدنیا آمد. وی دوران تحصیلات ابتدائی و متوسطه را در اصفهان گذراند و به دلیل جو سیاسی حاکم بر خانواده با مسائل سیاسی و مبارزاتی آشنا شد. وی در سال ۵۶ برای ادامه‌ی تحصیل به تهران آمد و در دانشکده ادبیات تهران - رشته زبان و ادبیات عربی - به تحصیل مشغول شد و پس از مدت کوتاهی در زمره‌ی فعالین جنبش دانشجویی به فعالیت - های انقلابی روی آورد. مجاهد شهید مریم شفائی در جریان انقلاب به اصفهان بازگشت و در آنجا به فعالیتی شبانه‌روزی پرداخت. وی پس از پیروزی انقلاب با سازمان مجاهدین ارتباط برقرار کرد.

مسئول مریم بود در باره‌ی او چنین می‌گفت: "سراپای وجود مریم انگیزه است و اگر در زیر شکنجه تکه‌تکه‌اش بکنند او یک کلمه حرف نخواهد زد...". مریم پس از شنیدن خبر شهادت‌های پی‌درپی پدر و مادر و برادران و دیگر اعضای خانواده‌اش که بوسیله‌ی دژخیمان خمینی تیرباران می‌شدند، می‌گفت: "برای نبرد با خمینی باید بیش از این‌ها بها پرداخت و جنگید".

**مجاهد شهید سوسن میرزائی که در فاز نظامی مدتی مسئول مریم بود در باره‌ی او چنین می‌گفت: "سراپای وجود مریم انگیزه است و اگر در زیر شکنجه تکه‌تکه‌اش بکنند او یک کلمه حرف نخواهد زد...".** مریم پس از شنیدن خبر شهادت‌های پی‌درپی پدر و مادر و برادران و دیگر اعضای خانواده‌اش که بوسیله‌ی دژخیمان خمینی تیرباران می‌شدند، می‌گفت: "برای نبرد با خمینی باید بیش از این‌ها بها پرداخت و جنگید".

و از پائیز سال ۵۹ در رابطه با نهاد محلات سازمان به فعالیت‌هایش ادامه داد. او مدتها در انجمن خواهران مسلمان یاخچی‌آباد در محلات جنوب شهر به سازماندهی و بسیج خواهران و مادران ستم‌کشیده و مبارز منطقه مشغول بود. او همواره با عشق و علاقه‌ی زیاد و انگیزه‌های بسیار قوی به انجام وظایف انقلابی خویش می‌پرداخت. مجاهد شهید مریم شفائی از روحیه‌ای بسیار بالا برخوردار بود که این روحیه‌ی مقاوم و جسارت بالای انقلابی در مرحله‌ی بعد از سی خرداد و شروع مبارزه‌ی مسلحانه‌ی انقلابی خود را بخوبی بارز ساخت. مجاهد شهید سوسن میرزائی که در فاز نظامی مدتی یادش گرامی باد



# گرامی باد خاطرۀ تابناک شهدای مجاهد خلق

## مجاهد شهید مهري خانبانی

(مصلحتی)

تمام در جهت اشاعه فرهنگ انقلابی مجاهدین تلاش کرد. از جمله بدنبال ضربه ای پورتونیست‌های چپ‌نما و بروز جریان راست ارتجاعی، مهري قاطعانه صف خود را از آنها جدا نمود و به فعالیت خود در جمع دانشجویان هوادار مجاهدین ادامه داد.

پس از پیروزی قیام و تشکیل ستادهای سازمان، مهري موفق شد بطور مستقیم با سازمان رابطه برقرار نماید. پس از مدت کوتاهی که مهري در قسمت انتظامات و آموزش سازمان فعالیت نمود، از اواخر تابستان ۵۸ در ارتباط با نهاد دانش‌آموزی قرار گرفت و در پائیز همان سال نیز با برادر مجاهد فاضل مصلحتی ازدواج نمود. او مسئول سازماندهی و آموزش دانش‌آموزان هوادار سازمان در منطقه غرب و شمال تهران بود و به سهم خود در تشکیل و سازماندهی تیم‌های میلیشیای دانش‌آموز نقش موثری داشت.

از ابتدای سال ۶۰ مجاهد شهید مهري خانبانی به‌عنوان یکی از اعضای شورای نهاد دانش‌آموزی مسئولیت کانون تدارکات اتحادیه‌ی انجمن‌های دانش‌آموزان و هنرجویان مسلمان تهران را به عهده گرفت.

پس از ۳۰ خرداد ۶۰ نیز مهري مسئولیت‌های مختلفی را در رابطه با نهاد دانش‌آموزی و همچنین پایگاه محل اقامتشان به عهده داشت. یک هفته پس از حماسه‌ی ۱۲/اردیبهشت/۶۱ پایگاه مهري و همسر مجاهدش، شهید فاضل مصلحتی مورد تهاجم وحشیانه‌ی پاسداران جنایتکار خمینی قرار گرفت.

مهري پس از آنکه کودک شیرخوار خود "آذر" را برای مصون ماندن از حمله‌ی وحشیانه‌ی پاسداران به زیرزمین پایگاه انتقال داد، در کنار دیگر همزمان مجاهدش به مقابله با مزدوران مسلح خمینی پرداخت و سرانجام پس از ساعت‌ها نبرد، قهرمانانه به شهادت رسید.

یادش گرامی باد

همه‌ی یاران و همزمان مهري، او را به عنوان خواهری جدی، منظم، پرکار و خستگی‌ناپذیر که سراپای وجودش عشق به مبارزه و تلاش در جهت بهروزی و سعادت خلق در زنجیرمان و ایمانی عمیق به آرمان‌های انقلابی و توحیدی مجاهدین خلق بود، می‌شناختند. مسئولین مهري همیشه می‌گفتند:

"وقتی مسئولیتی به او (مهري) واگذار می‌شود، دیگر نباید در مورد کم‌وکاست‌ها و نقص‌های احتمالی در انجام آن، نگرانی داشت چرا که او با تمام وجود تلاش خواهد کرد تا آنرا به بهترین نحو ممکن به انجام برساند. برای او مهم نیست که چقدر مشکل و تضاد در پیش رو دارد، آخر مهري فقط به راه‌حل‌ها فکر می‌کند و نه صرفاً مشکلات".

براستی هم احساس مسئولیت مهري در انجام وظایف سازمانی‌اش و آزاد ساختن تمام انرژی‌ها و توانایی‌هایش در انجام مسئولیت‌های محوله، بسیار قابل تحسین بود.

مجاهد شهید مهري خانبانی در سال ۱۳۳۵ در اصفهان بدنیا آمد و پس از پایان تحصیلات ابتدائی و متوسطه، در سال ۵۴ به تهران آمد و در رشته‌ی مهندسی راه و ساختمان دانشگاه علم و صنعت به ادامه‌ی تحصیل پرداخت.

مهري از همان سال اول ورود به دانشگاه، فعالیت‌های سیاسی خود را آغاز کرد و از جمله فعال‌ترین دانشجویان مبارز دانشگاه بود که بطور منظم در فعالیت‌های مختلف دانشجویی شرکت می‌کرد. طی همین فعالیت‌ها، او توانست ضمن آشنائی و ارتباط با تنی چند از دانشجویان هوادار و مرتبط با سازمان و از جمله خواهر قهرمان مجاهد شهید نصرت رضانی، با دیدگاه‌ها و اهداف و آرمان مجاهدین آشنا شود. از آن پس او که همواره در عمل به اعتقاداتش، سخت پای‌بند بود، با جدیت و پشتکار

## مجاهد قهرمان شهید فاضل مصلحتی

فَضَّلَ اللَّهُ الْمَجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا



بالای سازماندهی او که در تلاش قابل تحسینش در تشکیل و سازماندهی تیم‌های میلیشیا و اتحادیه‌ی انجمن‌های دانش‌آموزان مسلمان تهران متجلی گردید، اشاره کنیم. او به عنوان یکی از مسئولین نهاد دانش‌آموزی در بسیج هزاران پرستوی انقلاب در جهت انجام وظایف گوناگون میلیشیا از قبیل تبلیغات انقلابی، توزیع نشریه‌ی مجاهد شرکت در مراسم و راهپیمائی چون رژه‌ی میلیشیا، مراسم امجدیه و ... نقش ارزنده‌ای داشت. در واقع این دوران از زندگی انقلابی مجاهد شهید فاضل مصلحتی - دوران فعالیت در نهاد دانش‌آموزی - برجسته‌ترین و درخشان‌ترین فصل زندگی مبارزاتی، تشکیلاتی‌اش بود.

پس از ۳۰ خرداد ۶۰ و به دلیل الزامات نبرد انقلابی مسلحانه‌ی مجاهدین با خمینی جلاد، لازم بود تا هر چه سریع‌تر نیروهای گسترده‌ی دانش‌آموزی، انطباق لازم با شرایط جدید را پیدا کرده و با سازماندهی متناسب، عهده‌دار وظایف سنگین خود در این مرحله‌ی نوین و شکوهمند گردند. مجاهد شهید فاضل مصلحتی به عنوان یکی از مسئولین نهاد دانش‌آموزی، به خوبی از عهده‌ی انجام مسئولیت‌های خود در این رابطه برآمد.

پس از آن تعدادی از تیم‌های عملیاتی تحت فرماندهی فاضل قرار گرفتند. طی دوران این مسئولیت، این تیم‌ها کارائی نظامی بالائی از خود نشان دادند و با عملیات متعدد خود ضربات سختی به مزدوران دشمن وارد آوردند.

پس از حماسه‌ی ۱۲ اردیبهشت و به شهادت رسیدن تعدادی از مسئولین و فرماندهان بخش اجتماعی سازمان و در راس همه شهید والامقام محمد ضابطی، مجاهد شهید فاضل مصلحتی هفته‌ی سخت و پر کاری را گذراند. سرانجام خود در روز ۱۹ اردیبهشت ۶۱ همراه با همسر مجاهدش مهري خانبانی و تنی چند از دیگر همزمانش پس از ساعت‌ها نبرد با مزدوران دشمن قهرمانانه به شهادت رسید.

یادش گرامی باد

دستگیری به خوبی نمایان ساخته بود، از این فرصت در جهت فراگیری تعلیمات و کسب صلاحیت‌های لازم استفاده نمود. و چنین بود که فاضل با پشت سر گذاشتن دوره‌ها و مراحل مختلف تعلیماتی مجاهدین و ابراز شایستگی‌های لازم، به کادر ارزنده‌ی تبدیل گردید. کادری که با تسلط مکفی به آموزش‌ها و دیدگاه‌های سیاسی - ایدئولوژیک و تشکیلاتی مجاهدین، توان انتقال و آموزش آن‌ها را یافته بود. از اینرو پس از آزادی از زندان طی دوران فعالیت در نهاد دانش‌آموزی، او توانست با اتکاء به چنین پشتوانه‌ی تئوریک و غنی، در جاری کردن آموزش‌های مجاهدین در میان نیروهای گسترده‌ی دانش‌آموز هوادار و بویژه میلیشیای دانش‌آموز، کارائی بسیاری از خود نشان دهد.

او در آموزش اعضای نهادهای اجتماعی سازمان نقش ارزنده‌ای داشت و کلیه‌ی مطالب آموزشی نیروهای دانش‌آموزی، تحت نظر مستقیم او تهیه و تنظیم شده و از طریق مسئولین مربوطه انتقال می‌یافت. علاوه بر این مجاهد شهید فاضل مصلحتی شخصاً مسئولیت برخی کلاس‌های میلیشیا را به عهده داشت. علاوه بر نقش ویژه و برجسته‌ی مجاهد شهید فاضل مصلحتی در امر آموزش نیروهای دانش‌آموزی، باید به توان

در میان آخرین دسته از زندانیان سیاسی رژیم شاه خائن که در غروب روز ۲۶ دی‌ماه سال ۵۷ از زندان آزاد شدند، چهره‌ی مصمم و شاداب "فاضل" نیز به چشم می‌خورد. مجاهدی محکوم به حبس ابد که اینک به همت خلق قهرمان از زندان آزاد گشته بود و با عزمی استوار می‌رفت تا پذیرای مسئولیت‌های جدیدش در مقطعی نوین از حرکت سازمان مجاهدین خلق و سرفصلی درخشان از زندگی مبارزاتی خود گردد.

\*\*\*

مجاهد شهید فاضل مصلحتی در اردیبهشت سال ۵۲ توسط مزدوران ساواک دستگیر شد و شدیداً تحت شکنجه قرار گرفت. چرا که ساواک از طریق عنصر خائن و خودفروخته، احمدرضا کریمی، در مورد فعالیت‌های گسترده‌ی فاضل به اطلاعاتی دست یافته بود. پس از طی دوران بازجویی، او به زندان عمومی قصر انتقال یافت.

دوران زندان برای مجاهد شهید فاضل مصلحتی این امکان را فراهم آورد تا پس از ۲ سال تلاش در جهت برقراری ارتباط با مجاهدین، با آنها رابطه برقرار نماید. او که سرشار از شوری انقلابی و انگیزه‌ی قوی مبارزاتی بود و این ویژگی برجسته را طی دوران فعالیت‌های خودجوش و مستمر قبل از



## حماسه‌های مجاهد خلق، لحظه‌های انقلاب

### دژخیمان را از سلاح مجاهد گریزی نیست

گزارشی کوتاه از اعدام انقلابی  
دوتن از ماموران اعدام و شکنجه‌آوین

تاریخ: تابستان ۶۱  
ساعت ۲ بعد از ظهر  
مکان: تهران - جوادیه

دوازده -  
سیزده -  
چهارده -  
پانزده ...

صدای شلیک تک‌تیرها قطع شد و "کاظم" منتظر ایستاد. پس از چند لحظه نگاهی به "احمد" انداخت. هم سلولی‌اش به دیوار تکیه داده بود و با نگاهی آرام او را می‌نگریست. عباس با صدائی آرام گفت:  
- "صبح یازده نفر تیربارون شدن و از ساعت ۹ شب تا حالا سی و هفت نفر، معلوم نیست تا کی ادامه پیدا کند؟ ..."

"احمد" جواب داد:  
- "تا وقتی خمینی هست ... ادامه پیدا می‌کند. بی‌گشت و کشتار، شب این جلاد به صبح و صبحش به شب نمیرسد. دیروز که حرفای لا جوردی رو شنیدی که می‌گفت: یا توبه! و صاحبه و یا قبرستون ... و از صبح تا حالا با این گشت و کشتاری که ادامه داره، معلومه که خبری از توبه! نیست."

"احمد" لحظاتی ساکت شد و پاهای مجروحش را که چرک کرده بود با ناراحتی جابجا کرد و سعی کرد راحت‌تر بنشیند و دوباره ادامه داد:

- "ولی بالاخره تموم میشه ... اینو قول میدم، بالاخره یه روزی این سقف و دیوارها بر سر این مشت رذل و آدمکش فرو می‌ریزه و اوین و زندونای دیگه در کنار اسم خمینی و شاه در هاله‌ای از شقاوت و خونریزی در ذهن مردم بیادگار می‌مونه ..."  
صدای پائی در راهرو شنیده شد و صحبت آنها را قطع کرد و چند لحظه بعد، در سلول باز شد. "احمد" و هم سلولی‌اش به بیرون نگاه کردند. سه پاسدار و یک آخوند که دفتری در دست داشت، جلوی سلول ایستاده

بودند ... آخوند نگاهی به آنها انداخت و گفت:  
- "احمد ...؟"

احمد سری تکان داد و گفت: "منم"  
"آخوند" لحظهای به او چشم دوخت و یک برگ از دفترچه را جدا کرد و همراه با خودکاری به او داد و گفت:  
- "وصیت‌نامه‌تو بنویس" و به طرف سلول بغلی راه افتاد. یکی از پاسدارها در سلول را بست و بدتبال آخوند حرکت

پاسدار گوش کرد و به آرامی روی زمین نشست.

\* \* \*  
صدای رگبارها که قطع شد "مجید تیر خلاص‌زن" از کنار آخوند که در حال نگاه کردن به وصیت‌نامه‌ها بود به طرف تیرباران شده‌ها که با نفس‌هایی مقطع آخرین لحظات زندگانی خود را می‌گذرانیدند به راه افتاد و در سمت راست آنها بالای سر آخرین نفر که روی زمین افتاده بود، ایستاد. لحظهای به پیکر

از موتور پیاده شد و اطراف را نگریست. کوجه خلوت بود. "سعید" اسلحه‌اش را آماده کرد و زنگ در خانه را فشرد. ولی پس از چند لحظه چون خبری از باز شدن در نشد به "محسن" گفت:

- "به احتمال زیاد خونه نیست ... معمولاً این ساعت‌ها از سر گارش برمی‌گردد خونه و می‌خواه ... تا موقعی که دوباره بهش تلفن بزنی که بره اوین و مشغول گشتار بشه."

محسن جواب داد: "طبق گزارشاتی که به ما رسیده باید امروز خونه باشه ... فعلاً میریم و دوباره برمی‌گردیم" و پس از آنکه سعید سوار شد به آهستگی از مقابل خانه گذشت و از کوجه خارج شد.

نیم ساعت بعد دوباره سکوت بعد از ظهر کوجه، با صدای موتورسیکلت محسن شکست ولی هنوز بدرستی از خم کوجه نگذشته بود که یکمرتبه سرعت موتور را کم کرد و به سعید گفت:

- "اوناهاش ... او مدن" مزدوری که رزمندگان مجاهد

**صدای رگبارها که قطع شد، مجید تیر خلاص‌زن "از کنار آخوند که در حال نگاه کردن به وصیت‌نامه‌ها بود به طرف تیرباران شده‌ها که با نفس‌هایی مقطع آخرین لحظات زندگانی خود را می‌گذرانیدند به راه افتاد و در سمت راست آنها بالای سر آخرین نفر که روی زمین افتاده بود، ایستاد. لحظهای به پیکر غرقه در خون او نگاه کرد و بعد بی آنکه کوچکترین تغییری در چهره‌اش پیدا شود، اسلحه‌ی کلت خود را بیرون آورد و اولین گلوله را شلیک کرد و بالای سر نفر بعدی رفت ..."**

در پی مجازاتش بودند. همان "مجید تیر خلاص‌زن" (دژخیم اوین) بود که در حال بستن در خانه‌اش بود ... و در کنار او مزدور مسلح دیگری که لباس پاسداری به تن داشت در حالیکه سوار موتور بود منتظر ایستاده بود و دژخیم مزدور پس از بستن در خانه‌اش، بر ترک موتورسیکلت نشست و با فریاد به پاسدار

گفت:  
- "حاج آقا امشب باز هم اعدامی داریم؟"

آخوند در حالیکه به پاسدارها که جنازه‌ها را کشان‌کشان از محوطه خارج می‌کردند و به طرف ماشین می‌بردند نگاه می‌کرد، جواب داد:  
"امشب معلوم نیست ولی فردا که حتما تعدادی تیرباران می‌شوند ..."

\* \* \*  
"محسن" موتورسیکلت خود را در مقابل خانه‌ای حوالی "پل راه‌آهن" متوقف کرد و "سعید"

راننده گفت:  
- "بزن بریم که الان ماشین زنجان حرکت می‌کنه" و به سرعت کوجه را طی کردند و از آن خارج شدند و در پی آنها "محسن" به سرعت حرکت کرد و چند لحظه بعد آنها را در خیابان در حالیکه به طرف پل راه‌آهن در حرکت بودند دید و به دنبالشان شتافت.

"سعید" نگاهی به اطراف انداخت و گفت: "تا زیر پل سعی کن بهشون برسی اونجا آگه احتمالاً درگیری بشه خلوت‌تره" و نرسیده به پل سلاحش را بیرون آورد و در آخرین لحظهای که موتور آنها به موازات موتورسیکلت مزدوران رسیده بود مزدوری که مامور زدن تیر خلاص زندانیان اوین بود متوجهی اسلحه‌ی آماده‌ی شلیک سعید شد و در حالیکه بسته‌ای را که در دست داشت به زمین می‌انداخت، سعی کرد از سلاحش استفاده کند ولی شلیک گلوله‌های بی‌درپی "سعید" به آنها امان نداد و موتورسیکلت دژخیمان به زمین پرتاب شد.

ماشین‌ها با شتاب ترمز کردند و با تعجب به حادثه‌ای که در خیابان در حال وقوع بود چشم دوختند.

"سعید" در کنار مزدوران که به زمین پرت شده بودند ایستاد و با شلیک چند گلوله‌ی دیگر به حیات ننکین آنان پایان بخشید و لحظاتی بعد پس از مصادره‌ی سلاح‌های آنان با شلیک چند تیر هوایی و خروش زنده باد آزادی، درود بر مجاهدین و مرگ بر خمینی دژخیم، به تردید و تعجب مردمی که در خیابان ناظر بر عملیات بودند پایان بخشید. مردمی که دیگر بار شاهد مجازات انقلابی دوتن از مزدوران خون‌آشام خمینی ضد بشر، به دست رزمندگان مجاهد خلق بودند.

\* \* \*

## اراده يك خلق مصمم ...

بقیه از صفحه ۱۳

ساعتی بعد پیکرهای پاک "حسین" و "هادی" و همچنین جسد های "حیدری" جلاد و دیگر مزدورانی که به هلاکت رسیده بودند به وسیله‌ی آمبولانس به پزشکی قانونی حمل شد.

داستان نبرد و مقاومت این دو مجاهد قهرمان در سراسر گرگان و دیگر شهرهای شمال پخش گردید، داستان نبردی خونین و تا آخرین نفس، در زنجیر و زندان خمینی جلاد \*

اطراف زندان را به رگبار بستند و در حالیکه از پشت تلفن فریاد می‌زدند: "مجاهدین به زندان حمله کرده‌اند" تقاضای کمک کردند. صدای تیراندازی بطور بی‌وقفه ادامه داشت و سرانجام پس از دو ساعت هنگامی تیراندازی پایان یافت که آخرین گلوله‌های سلاح‌های "حسین" و "هادی" بر تن مزدوران نشست، و سرانجام پیکرهای سوراخ‌سوراخ آنان به زمین افتاد ...



## نفت، اوپک و رژیم خمینی

عواقب ناخوشایند رکود در بازارهای نفتی جهان کوشش‌هایی در جهت کنترل تمایلات افراطی برای افزایش قیمت‌ها به عمل آوردند. قذافی که درگیر مسائل مربوط به چاد و دخالت‌هایش در دیگر کشورهای آفریقایی و نیز گرفتار خریدهای بزرگ تسلیحاتی بود، برای مقابله با مشکلات مالی ناشی از این درگیری‌ها و همچنین برای افزایش ذخایر مالی برای رقابت با شیوخ عرب و نیز ارضاء تمایلات "صدامیریالیستی" اش و همسو با منافع جناحی از چند ملیتی‌ها خواهان افزایش سریع و زیاد بود. بین این دو سر افتلاف، کشورهای نظیر نیجریه و ونزوئلا نیز وجود داشتند که علیرغم نوساناتشان با مشکلات مالی ناشی از رشد سرطانی کشورهای نفتخیز و پرمعیت تحت سلطه (نظیر ایران زمان شاه) روبرو بوده و تنها امکان ادامه‌ی حیاتشان گسترش منابع مالی در کوتاهترین مدت ممکن بود. اما ایران که وجه اشتراک اندکی با این کشورها داشت (صرفنظر از "مبارزه‌ی ضد - امپریالیستی"! ) بصورت سخنگوی تندرورها درآمد، ایرانی که از یک طرف پس از سقوط شاه و در صورت حذف هزینه‌های دستگاه‌های امنیتی و دربار و بخش اعظم هزینه‌های تسلیحاتی و نیز پروژه‌های لوکس نه تنها دچار مشکلات مالی و کمبود ارز نبود، بلکه ذخایر ارزی قابل توجهی نیز در اختیار داشت، و از طرف دیگر با دراختیار داشتن منابع سرشار نفت و گاز، توان ایجاد توازن در نحوه بهره‌برداری از این معادن و حفظ نفوذ کلام خود در اوپک را برای پیشبرد نظریاتش در دراز مدت برخوردار بود.

در این شرایط در ماه ژوئن ۱۹۸۰ دو حادثه‌ی مهم در رابطه با مسائل مربوط به نفت اتفاق افتاد. کشورهای عضو اوپک که در الجزایر گرد هم جمع شده بودند، "با توجه به اینکه سطح تولید و عرضه‌ی نفت به بازارهای جهانی افزایش یافته و ... مصرف نفت در کشورهای عضو بازار مشترک حدود ۳ درصد کاهش یافته ... و برای جلوگیری از تاثیر عدم توازن عرضه و تقاضا به سطوح مصرف ... تصمیم گرفتند که قیمت پایه ۳۲ دلار در بشکه را رسمیت بخشند. عربستان قیمت پایه‌ی نفت خود را ۳۰ دلار اعلام کرد.

در همین ماه روسای هفت کشور صنعتی غرب در ونیز اجتماع کردند، آنها مشترکا بقیه در صفحه ۱۸

سال‌های اول پس از انقلاب و بعد افزایش بی‌رویه‌ی تولید در یکی دو سال اخیر، هرگونه حسن نیت و اعتماد به مقامات ایرانی را از کشورهای عضو اوپک سلب کرده است. ثانیاً در همین رابطه عدم تعادل در سطح تولید نفت، خریداران نفت ایران را نیز دچار گیجی و عدم اعتماد نمود. و این بی‌اعتمادی نیز علاوه بر فشارهای سیاسی‌ای که در مقاطعی خاص فروش نفت را برای ایران دشوار می‌کرد، عامل مهمی در فرار خریداران از بازارهای نفتی ایران بود. اما از مسائل مربوط به تولید که بگذریم مواضع مقامات ایرانی در رابطه با تعیین قیمت نیز، علاوه بر سوء نیت، از یک دیدگاه خود مرکز عالم‌بینی و ایده‌آلیستی شکل می‌گرفت. قبلاً دیدیم که آخرین افزایش قیمت‌ها در سال ۱۹۷۹ منجر به شکاف علنی در درون سازمان اوپک و جدا شدن عربستان گردید. اما آن بخش از اعضا اوپک که تمایل به افزایش قیمت‌ها داشتند، ائتلافی با تمایلات و استدلال‌های متفاوت و گاه متضاد بود. الجزایر که ذخایر نفتی اندک در اختیار داشته و برعکس از منابع گاز نسبتاً غنی برخوردار است، با توجه به مشکلات مالی‌ای که با آن مواجه بود خواهان افزایش سریع و هرچه بیشتر قیمت‌ها بود و نگرانی چندانی از این بابت که این افزایش سریع می‌تواند عواقب وخیمی در زمینه‌ی عرضه و تقاضا داشته باشد، نداشت. الجزایر می‌خواست با افزایش قیمت‌ها در کوتاه مدت مسائل مالی پروژه‌های عمرانی‌اش را حل نموده و سرمایه‌ی لازم برای توسعه‌ی امکانات بهره‌برداری از منابع گازش را تأمین نماید. الجزایری‌ها همزمان با شرکت در کنفرانس‌های اوپک و کوشش برای افزایش قیمت‌های نفت، مشغول عقد قراردادهای طویل - المدت فروش گاز به فرانسوی‌ها، ایتالیایی‌ها و امریکایی‌ها بودند و با توجه به تاثیر قیمت‌های نفت بر سطح قیمت پایه گاز، تمایل آن‌ها بر آن بود که با افزایش قیمت نفت خودبخود امتیازاتی در زمینه‌ی قراردادهای فروش گاز نیز کسب کنند. با اینحال مقامات الجزایر با واقع‌بینی به مسائل و مشکلات ناشی از افزایش بی‌رویه‌ی قیمت‌ها برخورد نموده و گاهی برای حفظ وحدت اوپک و جلوگیری از

و سهم بیشتری در تأمین نفت بازارهای بین‌المللی به خود اختصاص دهد.

در هر صورت با آغاز دو قیمتی شدن نفت کشورهای عضو اوپک، مرحله‌ی جدیدی در حیات این سازمان آغاز می‌شود و گرچه پس از اندک زمانی قیمت‌ها رسماً یکنواخت می‌گردند ولی این تصمیم بهرحال سابقه‌ای می‌شود تا بعداً با عطف بدان همیشه راه حلی برای اختلافات جستجو گردد و حتی تخفیف‌های بزرگی که در یکی دو سال اخیر توسط بعضی از کشورهای عضو اوپک و مخصوصاً رژیم ایران در قیمت‌ها اعمال می‌شوند، با توسل به این "سابقه‌ی تاریخی" به گونه‌ای غیر رسمی توجیه شوند.

اما مقامات نفتی ایرانی نیز در تحولات این دوره‌ی اوپک و تغییر قیمت‌ها و نوسانات بازار نقش عمده‌ای ایفا کردند، مقامات ایران از سقوط شاه به بعد و پس از پایان اعتصاب‌ها هیچگاه موفق نشدند تا به یک توافق دستجمعی در زمینه‌ی سطح مطلوب تولید نفت دست یابند (کما اینکه این توافق در هیچ زمینه‌ی اقتصادی دیگر نیز صورت نگرفته است). حتی اگر ادعا شود که این توافق یا حتی تمایل به انتخاب سطحی معقول از تولید نفت در دوره‌ی از دوره‌های مختلف حاکمیت‌های سیاسی در ایران پس از انقلاب وجود داشته است، اما واقعیت اینست که این توافق فرضی هیچگاه به مرحله‌ی عمل درنیامده و از ۱۹۷۹ به بعد هیچ سال مالی‌ای را نمی‌توان یافت که در آن تولید نفت ایران در یک سطح معقول و با نوسانات قابل قبول ثابت باقی مانده باشد. البته ممکن است هزار و یک دلیل سیاسی و اجتماعی و اقتصادی برای این بی‌ثباتی برشمرد ولی در نهایت این عدم تعادل تولید از چند نظر بر موقعت ایران در بازار جهانی نفت آسیب وارد کرده است. اولاً پرستیژ و نفوذ کلام رژیم ایران در درون سازمان کشورهای صادرکننده‌ی نفت را شدیداً کاهش داده و اعتبار ایران و توان این کشور را به رعایت قول و قرارها و تعهداتی که در درون اوپک بدان‌ها متعهد شد، به زیر علامت سوال کشیده است. از طرف دیگر کاهش‌های مداوم در تولید نفت ایران در

را می‌توان در جایی دیگر دامن زد. و با این انگیزه است که به حوادث مربوط به نفت، پس از انقلاب ایران می‌نگریم.

قطع صدور نفت ایران در آخرین ماههای ۱۹۷۸ و اولین ماههای ۱۹۷۹ گرچه اثرات آنی و تکان‌دهنده‌ای در وضع قیمت‌ها نداشت و همانطور که اشاره شد جای خالی نفت ایران در بازارهای بین‌المللی به سرعت (و بر اساس گزارش‌های اوپک تنها ظرف سه هفته) جبران شد و نه فقط کشورهای عربی حوزه‌ی خلیج فارس، با افزایش سطح تولید خود به پرکردن خلأ نفتی حاصل از اعتصاب‌های ایران کمک کردند، بلکه از این نمد کلاهی نیز نصیب کشورهای خارج از سازمان اوپک و مشخصاً مکزیک، نروژ و انگلستان شد. با اینحال هیجان ایجاد شده در بازارهای بین‌المللی نفت و با توجه به اینکه این حادثه در دوره‌ی رونق اقتصادی جهان اتفاق می‌افتاد و با توجه به نگرانی‌های موجود آمده که حتی بعضاً بوسیله‌ی چند ملیتی‌ها دامن زده می‌شد، علیرغم پر شدن خلأ حاصل از کاهش تولید نفت ایران همزمان با انقلاب و حتی تا ماهها بعد از آن تقاضا برای خرید نفت افزایش یافت. این افزایش تقاضا نیز عمدتاً کاذب بود و غالباً از طرف چند ملیتی‌ها صورت گرفته و مقادیر عظیمی نفت فقط بمنظور ذخیره سازی خریداری می‌شد. این هیجان و نگرانی و افزایش تقاضا برای خرید نفت طبیعتاً کشورهای اوپک را در موقعیتی قرار داد تا افزایش بهای قابل ملاحظه‌ای را مطالبه و کسب کنند. قیمت نفت در پایان سال ۷۹ بیش از صد درصد نسبت به آخرین ماههای سال ۷۸ یعنی پیش از انقلاب ایران افزایش یافته بود، ولی این افزایش اولین نشانه‌های شکاف علنی در اوپک و تبدیل اختلاف‌نظرها به تضاد نظرها را نیز با خود داشت که بارزترین نمونه‌ی آن، بعداً با تعیین دو قیمت پایه برای نفت نمودار شد. تصمیمی که در عمل موقعیت عربستان در اوپک بطور اخص و در بازار بین‌المللی نفت را بازم بیشتر مستحکم کرده و با توجه به موقعیت "قانونی" رسماً پذیرفته شده‌ای که اوپک در اختیارش قرار داده بود توانست باز هم سطح تولید را بالا برده

در منطقه‌ی خاور میانه است. با توجه به اینکه عربستان سعودی دارای ذخایر نفتی ثابت شده‌ایست که به تنهایی بیش از دو برابر مجموع ذخایر نفت ایران و عراق بوده و با داشتن حدود ۴۰ درصد کل ذخایر نفت در اوپک و بیش از  $\frac{1}{4}$  ذخایر شناخته شده‌ی نفتی در جهان و نیز توانایی تولید روزانه حدود ۱۵ میلیون بشکه نفت، در صورت لزوم می‌تواند حتی برای مدت‌های طولانی بخش عظیمی از نیاز بازارهای نفتی جهان را تأمین کند، نقش حساس و موقعیت برتر این کشور در داخل اوپک به خوبی مشخص می‌گردد. در حالیکه شرکت عربستان در تحریم نفتی کشورهای اروپایی، بعد از جنگ رمضان، اثرات چشمگیر سیاسی و افزایش سریع قیمت‌های نفت را باعث شد، کاهش شدید تولید نفت کشورهای ایران و عراق پس از سپتامبر ۱۹۸۰ همراه با پیامدی حتی در زمینه‌ی افزایش شدید بهای نفت نبود. گرچه بحران اقتصادی جهان صنعتی و تقلیل تقاضا برای نفت در این دوره، عامل موثری در جلوگیری از صعود قیمت‌ها بود ولی توانایی عربستان در جبران کمبود ناشی از خروج ایران و عراق از بازار بین‌المللی نفت نیز نقش مهمی در کنترل قیمت‌ها داشت، در حالیکه کوشش‌های شاه برای پر کردن حتی قسمتی از خلأ ایجاد شده در بازارهای نفتی در سال ۷۳ اثری در توازن بهم‌خورده‌ی بازار نداشت و قیمت‌ها به سرعت افزایش یافت.

بر این زمینه از واقعیت‌ها و جریانات و در طول روند گرایشات عمومی ذکر شده در زمینه‌ی مسائل انرژی و نفت است که با وقوع انقلاب ایران و حوادث ناشی از آن، مقدمات دگرذیسی اوپک با سرعت فراهم می‌شود. همین جا بگویم که به نظر من انقلاب ایران فرصت تاریخی بی‌نظیری بود که چنانچه آگاهانه از آن استفاده می‌شد، می‌توانست سرآغاز فصل جدیدی نه تنها در تاریخ روابط و مسائل نفتی ایران، بلکه کل کشورهای تولیدکننده‌ی نفت عضو اوپک باشد، که البته نشد. کوشش برآنست تا با نظر بر آنچه در آخرین سال‌های عمر اوپک گذشته است جریان‌ها و موضع‌گیری‌های داخلی آن (بدور از تمایل به استفاده‌ی تبلیغاتی و سیاسی) این وقایع و مواضع ارزیابی گردند. طبیعی است این بحث که چه می‌بایست کرد



## پیام دبیرکل حزب دمکرات کردستان ایران

## نفت، اوپک و رژیم خمینی

بقیه از صفحه ۱۷

پرچمداری ایران در دسامبر ۱۹۸۰ در مالی گرد هم جمع شدند تا بر سر قیمت‌های جدید نفت به توافق برسند. عربستان تحت فشار قیمت نفت خود را به ۳۲ دلار در بشکه افزایش داد و ظاهراً قیمت نفت ایران ۳۷ دلار در بشکه تعیین شده و این افزایش در حالی صورت می‌گرفت که حتی بر اساس پیش‌بینی‌های اوپک تقاضا برای نفت مرتباً در حال کاهش بود. و عرضی نفت کشورهای بیرون از اوپک دائماً افزایش می‌یافت. پافشاری مقامات ایران برای افزایش قیمت نفت، بدون در نظر گرفتن ساده‌ترین قواعد مربوط به عرضه و تقاضا و در حالیکه حتی توان تضمین یک حداقل تولید را نیز نداشتند، هرج و مرج حاکم بر بازار نفت را مرتب دامن زد و اختلاف و آشوب در درون سازمان را تشدید کرد و در عمل چیزی جز همسوئی با خواست‌ها و منافع شرکت‌های چند ملیتی‌ها نبود. هم‌پیمانان ایران در اوپک بتدریج واقعیات بازار را دریافتند و به قواعد بازی گردن نهادند و در حالیکه در سال ۱۹۸۱ ایران همچنان بر افزایش بهای نفت پای می‌فشرد اولین کاهش در بهای نفت بعضی از کشورهای اوپک و از جمله ایران رسمیت یافت. در اکتبر ۱۹۸۱ عربستان سعودی موفق شد به دیگر شرکایش در اوپک بقولاند که قیمت پایه‌ی نفت خود را به ۳۴ دلار در بشکه تنزل دهند و در مقابل او نیز سطح قیمت پایه‌ی خود را از ۳۲ دلار به ۳۴ دلار رساند. ولی این وحدت مجدد قیمت‌ها، زمانی صورت گرفت که کارت‌ها مجدداً تقسیم شده بودند، و عربستان بیش از ۱۰ میلیون بشکه نفت یعنی بیش از یک سوم کل تولید اوپک را تأمین می‌کرد. بدیهی است گرچه کاهش تولید نفت ایران و سطح مطلوب تولید برای ایران مبحث جداگانه‌ایست ولی بدون شک اگر تمایل به حضور فعال در اوپک و دفاع از منافع تولیدکنندگان نفت از اصول سیاست‌های ایران بود، این سیاست‌ها عملاً بعد از انقلاب، موفق نبوده‌اند.

و اما در آنچه مربوط به اتفاقات نفت پس از یکپارچه شدن دستگاه حکومتی در تهران و عملکرد اعوان و انصار خمینی در زمینه‌ی نفت است (مانند هر ارزیابی صرفاً فنی بی‌شک خارج است و نیاز به یک بررسی عمیق سیاسی - اجتماعی نیز دارد.

تصمیم گرفتند که "برای قطع وابستگی رشد صنعتی در غرب به نوسانات قیمت نفت، کوشش‌های هماهنگی را آغاز کنند". ولی علیرغم تصمیمات الجزایر و بدون در نظر گرفتن خطراتی که وحدت نظر کشورهای صنعتی غرب برای مقابله با تغییر قیمت نفت کشورهای تولید کننده را تهدید می‌کرد، به فاصله‌ی کمی بار دیگر با تحریک چند ملیتی‌ها و گرم شدن بازار تک محموله‌های نفت، وزیر نفت ایران اعلام کرد که بهای واقعی نفت ۴۰ دلار در بشکه است و ایران ترجیح می‌دهد نفت خود را در بازار آزاد تک محموله‌ای به فروش برساند. گرچه احتمالاً این موضع‌گیری‌های مقامات نفتی ایران صرفاً در رابطه با مبارزه‌ی قدرتی که در داخل کشور جریان داشت می‌توانست مورد استفاده قرار گیرد و هیچ کاربردی جز عوام‌فریبی نداشت ولی عواقب وخیم این قدرت‌طلبی نه تنها دامن ایران را گرفت بلکه اثرات خود را بر بازار نفت و مناسبات داخلی اوپک نیز برجای گذاشت. در حالیکه بحران اقتصادی غرب هر روز گسترش می‌یافت و در نتیجه مصرف نفت کاهش پیدا می‌کرد و در حالیکه بحران اقتصادی نه تنها کشورهای صنعتی را در مقابل تولید کنندگان مواد اولیه به صف‌آرایی واداشته بود و تهاجم همه جانبه بر علیه اوپک آغاز شده بود، بلکه جناح‌های مختلف سرمایه‌داری نیز در مقابل یکدیگر قرار گرفته و هر جناح با تمام توان درگیر مبارزه برای گسترش هژمونی خود بود، کشورهای عضو اوپک بار دیگر به

مختلف، همه و همه در این روزهای حساس تاریخی، در رساندن یاری به مردم ستمدیده‌ی کردستان از همدیگر سبقت جویند. دوستان گرامی مطمئن باشید که مردم و پیشمرگان کردستان به یاری همه‌ی مردم ایران رژیم خمینی را به زانو در خواهند آورد، شما نیز به نوبه‌ی خود کمک کنید تا این رسالت تاریخی هرچه زودتر انجام گیرد، کمک کنید تا رژیم واپسگرایی خمینی این لکه‌ی ننگ تاریخ معاصر ایران هر چه زودتر زدوده شود. عبدالرحمن قاسملو دبیرکل حزب دمکرات کردستان ایران ۲۴ فروردین ماه ۱۳۶۲ کردستان ایران

اشکال است که رژیم خمینی را زبون و درمانده خواهد کرد. رزمندگان راه آزادی ایران تنها آنهایی نیستند که سلاح به دست گرفته و در صف مقدم جبهه علیه رژیم خمینی می‌جنگند، درست است که بار سنگین مبارزه بر دوش اینان قرار دارد ولی همه‌ی کسانی که به اندازه‌ی توانائی خود و به اشکال مختلف صمیمانه در پیکار علیه استبداد آخوندی شرکت می‌کنند، مبارزان راه آزادی به شمار می‌روند. ما بنوبه‌ی خود به مبارزه‌ی شما هموطنان خارج از کشور ارج می‌نهیم و در این روزهای حساس از شما می‌خواهیم:

۱ - در هر کجا که امکان دارید (کمیته‌های دفاع از مردم کردستان) تشکیل بدهید. ۲ - رژیم رسوای خمینی را در برابر افکار عمومی جهان رسواتر سازید و مردم همه‌ی کشورها را از جنایات ضد بشری آن علیه مردم کردستان و بویژه اقدام به ژنوسید آگاه گردانید. ۳ - در رسانه‌های گروهی از سوئی جنایات رژیم خمینی علیه مردم کردستان و از سوی دیگر مبارزه و ایستادگی خلق کرد را منعکس نمائید. به رژیم خمینی اجازه ندهید که جنگی را که بخاطر آن دو بیست هزار نفر از افراد نادران مسلح را بسیج کرده با توطئه‌ی سکوت برگزار کند.

۴ - روز ۷ خردادماه را روز همبستگی با کردستان اعلام کنید در این روز به هر شیوه‌ای که خود مناسب می‌دانید از طریق تظاهرات خیابانی، گردهم‌آئی، تحصن، ترتیب نمایشگاه، برگزاری شب‌نشینی سیاسی و هنری و غیره همبستگی خود را با مردم مبارز کردستان ابراز دارید. بویژه علیه هیئت حاکمه‌ی کشورهایی تظاهرات راه‌بیاندازید که مستقیم و آشکارا به رژیم ضد انسانی خمینی کمک می‌کنند. ۵ - برای مردم کردستان و بویژه پیشمرگان رزمنده، دارو، لباس و وجه نقد جمع‌آوری کنید و از طریق نمایندگی‌های حزب دمکرات کردستان ایران و یا از هر طریقی که خود صلاح می‌دانید به کردستان بفرستید. هموطنان گرامی!

مردم کردستان در راه ایجاد ایران مستقل و دمکراتیک مبارزه می‌کنند. کمک به مردم کردستان کمک به سرنگونی رژیم خمینی و پیروزی دمکراسی در ایران است. بگذار شخصیت‌های آزادیخواه نویسندگان، دانشمندان، شعرا، هنرمندان، دانشجویان زن و مرد و پیر و جوان با عقاید و ایدئولوژی‌های

در مراسم "شب مقاومت کردستان ایران" که از طرف شورای ملی مقاومت در کشورهای مختلف جهان برگزار گردید، پیام دبیرکل حزب دمکرات کردستان ایران آقای دکتر عبدالرحمن قاسملو خطاب به سازمان‌ها، شخصیت‌ها و هموطنان ایرانی خارج از کشور به شرح زیر قرائت گردید:

هموطنان گرامی! همچنانکه اطلاع دارید، چهار سال است که رژیم خمینی با همه‌ی امکانات نظامی خود علیه مردم کردستان می‌جنگد، این جنگ تاکنون هزاران کشته و زخمی به جای گذاشته و موجب ویرانی شهرها و روستاهای کردستان شده و دهها هزار نفر را آواره و پناهنده‌ی کوهستان‌ها نموده است. کردستان هم اکنون در محاصره‌ی شدید اقتصادی، سیاسی و نظامی قرار دارد. رژیم خمینی حتی از ورود دارو و مواد غذایی نیز به کردستان جلوگیری می‌کند. تنها گناه مردم کردستان این است که حاضر نشده‌اند سلطه‌ی قرون وسطائی آخوندها را بپذیرند و در گوشه‌ای از خاک میهن عزیز ما، در کردستان خونین پرچم آزادی را برافراشته نگاه داشته‌اند. درست به همین جهت مورد خشم و غضب بی‌پایان خمینی و دارودستاش قرار گرفته‌اند. مردم کردستان دمکراسی برای ایران و خودمختاری برای کردستان طلب می‌کنند، آنها در مقابل ارتجاع سیاه آخوندها نه تنها از موجودیت و شرافت انسانی خود بلکه از آزادی سراسر ایران دفاع می‌نمایند. این افتخار برای همیشه به نام مردم ستمدیده‌ی کردستان ثبت خواهد شد که در سیاهترین دوران تاریخ معاصر کشور ما، کردستان را تبدیل به سنگر آزادی سراسر ایران نمودند و تا پای جان از آن دفاع کردند.

هموطنان عزیز خارج از کشور! سازمان‌های ملی و دمکراتیک و شخصیت‌های آزادیخواه! اینک در پنجمین بهار پس از انقلاب مصادره شده بوسیله‌ی رژیم خمینی حمله‌ی گسترده‌ای را علیه مناطق آزاد شده‌ی کردستان آغاز نموده است. اینبار حمله‌ی مزدوران خمینی تنها متوجه پیشمرگان و پایگاه‌های سازمان‌های سیاسی نیست، بلکه نابودی تمامی خلق کرد را هدف خود قرار داده است. طی چند هفته‌ی گذشته ۱۲۹ نفر از مردم زحمتکش روستاها از زنان و کودکان و پیرمردان در نقاط مختلف کردستان قتل عام شده‌اند. قتل

عام مردم زحمتکش روستاها همچنان ادامه دارد. خمینی اینبار قصد دارد نه تنها جنبش مسلحانه‌ی مردم کردستان را سرکوب نماید بلکه در پی نابودی و انهدام کامل همه‌ی خلق کرد است. خمینی آشکارا و عملاً به ژنوسید علیه خلق کرد دست زده چرا که می‌داند این کردستان است که قهرمانانه در مقابل رژیم قرون وسطائی آخوندها بپا خاسته و ایستادگی می‌کند و پرچم دفاع از آزادی و استقلال ایران را به دوش می‌کشد. هموطنان عزیز! هم اکنون جنگ نابرابر و خونین در کردستان ادامه دارد. روزی نیست که شماری از پیشمرگان کردستان، این جوانان از خود گذشته به خاطر دفاع از آزادی شهید نشوند. لیکن دهها و صدها جوان دیگر هر روز جای شهیدان را می‌گیرند و اجازه نمی‌دهند پرچم پرافتخار مبارزه بر زمین بیافتد. همچنانکه اطلاع دارید پیشمرگان قهرمان در هفته‌های گذشته ضربات خردکننده‌ای به نیروهای مسلح خمینی وارد کرده‌اند و تردیدی نداشته باشید که مبارزه‌ی خونین ما همچنان ادامه خواهد یافت و به رژیم آخوندی اجازه نخواهیم داد به کوههای سر به فلک کشیده‌ی کردستان تسلط پیدا کند. شما هموطنان عزیز، که دور از میهن و در شرایط مناسب‌تری زندگی می‌کنید امکان شرکت مستقیم در نبرد سختی را که در میان روشنی و تاریکی در گرفته است ندارید. لیکن می‌توانید بنوبه‌ی خود به رزمندگان کردستان یاری برسانید که به خاطر رهائی ایران عزیز از زیر یوغ رژیم استبدادی ولایت فقیه‌ی به‌پیکار برخاسته‌اند. من بنام مردم کردستان از شما می‌خواهم که صرفنظر از اختلافات مذهبی و سیاسی و ایدئولوژیکی، اگر صمیمانه به آزادی ایران علاقه‌مندید، اگر میهن خود را دوست می‌دارید، به پیشمرگان از جان گذشته‌ی کردستان کمک برسانید و در این مورد بیدرنگ اقدام کنید. هموطنان گرامی! مبارزه اشکال مختلف دارد و ایجاد هماهنگی در میان همه‌ی این



بقیه از صفحه ۱۰

## درباره سیاست خائنه رژیم خمینی در زمینه افزایش سرسام آور واردات

نمایند. سازمان بنادر و کشتیرانی خاطرنشان کرد عدم اقدام صاحبان کالا در رابطه با ترخیص و حمل کالا از محوطه‌های بندر یاد شده موجب عدم امکان پهلوودهی کشتی‌های حامل کالاهائی ضروری و متفرقه خواهد شد.

(جمهوری ۶۲/۲/۲۸)  
همچنین به علت تراکم بیش از حد کالا در تعدادی از گمرکات کشور، گمرک رژیم ضمن انتشار اطلاعیه‌ای از صاحبان کالا در این گمرکات خواست تا سریعاً کالاهای خود را ترخیص و حمل کنند. در این اطلاعیه همچنین از کلیه صاحبان کالا در گمرکات شهریار و سرو و جلفا و سهلان و تبریز اعم از بخش دولتی و خصوصی خواسته شده است سریعاً نسبت به ترخیص و حمل کالای خود اقدام کنند. در غیر این صورت گمرک به منظور جلوگیری از تراکم کالا، راساً به ترانزیت و حمل کالاهای موجود به سایر مناطق گمرکی کشور اقدام می‌کند و کلیه هزینه‌های متعلق هنگام ترخیص، از صاحبان کالا وصول خواهد شد.

از سوی دیگر به موازات این قبیل باصطلاح چاره‌جویی‌های رژیم، در شرایطی که به دلیل اداسی جنگ افروزی‌هایش تعدادی از بنادر جنوبی کشور را عاقل و باطل نگاهداشته، به ناچار برای حل مسئله‌ی تخلیه‌ی کشتی‌های حامل کالا، روی برخی بنادر کوچک اقدام به سرمایه‌گذاری نموده و هم‌اکنون نیز با صرف مخارج هنگفت برخی از آنها را مورد استفاده قرار داده است. ضمناً برای حل مساله وسائط حمل و نقل کالا از بنادر و گمرکات کشور نیز، رژیم اقدام به خرید وسائط نقلیه گوناگون و قطعات یدکی آنها از کشورهای مختلف نموده است. در همین زمینه وزیر راه و ترابری رژیم گفته است: "... سال گذشته ۲۰۰۰ دستگاه کامیون وارد کرده و توزیع نمودیم و بزودی ۲۰۰۰ دستگاه دیگر را که خریداری شده وارد خواهیم نمود... با ورود این کامیون‌ها، قطعا تعداد زیادی از مشکلات حمل و نقل حل می‌شود. همچنین نیروی کشش راه‌آهن نیز افزایش خواهد یافت در سال (۶۱)، ۵۲۰ میلیون دلار قطعات یدکی کامیون سفارش داده شده که بارفع کمبود قطعات یدکی در مشکلات حمل و نقل اقدام قاطع انجام می‌گیرد. همچنین برای سرعت بخشیدن به تخلیه کالاها در

بنادر دستگاه‌های جدیدی خریداری کرده‌ایم که بزودی وارد می‌شود..."

(کیهان ۶۲/۱/۲۵)  
در پایان این بخش، ذکر این نکته را ضروری می‌بینیم که رژیم ضدملی و ضد مردمی خمینی با ادامه‌ی سیاست خائنه‌ی گشودن بی‌قید و شرط مرزهای گمرکی مملکت بر روی هر نوع کالای وارداتی، بیش از همه منافع باند تجار غارتگر وابسته به رژیم را تأمین می‌نماید. یعنی از یکسو بخش باصطلاح دولتی (بوروکراسی فاسد رژیم و در راس آن وزارت بازرگانی) چه از طریق وارد کردن کالا و چه بوسیله‌ی شبکه‌های توزیع اداری و چه از طریق ارگان‌ها و ایادی وابسته به ارتجاع، از شخص وزیر بازرگانی گرفته و تا دله‌دزدیهای توزیع‌کننده‌ی کالا در مساجد، سهم خاص خود را تأمین می‌نمایند.

(نمونه‌هایی ازین قبیل دزدی-های آشکار را در جریان واردات کره توسط یکی از شرکت‌های تابعه‌ی وزارت بازرگانی که در اثر آن چند تاجر وابسته به خمینی میلیون‌ها تومان سود بردند و همچنین در جریان گزارش خرید "عینک‌های انباری از رده خارج شده" ملاحظه کردید که حضرات با گرفتن حق و حساب‌های کلان، اقدام به این قبیل واردات کرده و از طرف دیگر ۱۸۰ درصد سود نیز برای ایادی خود در نظر گرفته‌اند) ... از سوی دیگر بخش خصوصی در سال گذشته ۵/۸ میلیارد دلار واردات کل کشور را به عهده داشته است که همه می‌دانند این به اصطلاح بخش خصوصی اساساً همان باند بازاریان وابسته به خمینی هستند که به اعتراف خود ایادی رژیم، سودی که این دسته در سایه‌ی حاکمیت ارتجاع کسب کرده‌اند در طول ۴۰ سال گذشته بدست نیاورده بودند و قابل توجه‌تر اینکه، قریب به اتفاق این غارتگران در رژیم ضدملی خمینی در پست و مقامی نیز جاخوش کرده‌اند، فی‌المثل یا امثال رفسنجانی و پوراستاد و خاموشی و ... تکیه بر کرسی‌های نمایندگی مجلس خمینی زده‌اند و یا در حد معاونت وزارتخانه‌ها و یا

بنیادهای غارت رژیم (منجمله بنیاد موسوم به مستضعفان) از این خوان یغما به وفور بهره‌برداری می‌نمایند و عمدتاً نیز حول و حوش عسکراولادی خائن و دزد، در خود وزارت بازرگانی و یا شرکت‌های متعدد تابعه‌ی آن به خدمت به خود و خمینی مشغولند. جالب اینجاست که رژیم در مورد هر کدام از کالاها هم که سیستم کاپینی را لغو می‌کند، عرضه و فروش کالای مربوطه را نیز یکسره در اختیار تجار غارتگرش قرار می‌دهد تا با خیال راحت، اجناس خود را احتکار کرده و در فرصت مناسب با قیمت‌های چندین برابر، و بویژه در بازارهای سیاه بفروش برسانند.

### سیاست‌های غلط وارداتی ته‌مانده تولید و صنعت مملکت رانیز نابودی کند

باتوجه به نکاتی که در مقدمه‌ی این گفتار مختصراً به آن اشاره نمودیم، سیاست واردات بی‌رویه‌ی رژیم خمینی، به آن بخش از تولید کشاورزی دست‌مایه‌ی روزانه‌ی کشاورزان و همچنین بقایای کارگاه‌های صنعتی نیز شدیداً لطمه وارد می‌آورد. فی‌المثل در مورد برنج که از ارزاق اولیه‌ی مردم می‌باشد، رژیم ضمن وارد کردن بی‌رویه‌ی آن از خارج، محصول داخلی را هم با باندبازی و اعمال سرکوب از دست کشاورزان خارج کرده و در مراحل بعد با ریختن آن در بازار فروش و آزاد اعلام کردن قیمت آن، برنج‌هایی را که با قیمت از قرار کیلوئی ۱۵ تا ۱۸ تومان از کشاورزان خریداری نموده بود در بازار آزاد با نرخ هر کیلو بیش از ۴۰ تومان به فروش رساند. این سیاست خائنه در زمینه‌ی گندم نیز به همین شکل اعمال شد، تا جایی که ایادی خود رژیم اقرار می‌کنند که کشاورزان مجبورند گندم سبز خود را به دام‌های خود بدهند و به انتظار کیلوئی ۳۰ ریال "نرخ فروش به دولت" ننشینند! این بدان معنی است که ارتجاع با توجه به ماهیت عقب‌مانده و

ضد مردمی‌ش نمی‌خواهد و نمی‌تواند حداقل نقش مناسبی را در جهت جذب ته‌مانده‌ی محصولات داخلی و کمک به تولید کنندگان خرده‌پای آن ایفا کند و در حالی که بسیاری از محصولات به دلیل عرضی نادرست و غیرسیستماتیک به بازار، یا هرز می‌روند و یا بوسیله‌ی ایادی غارتگر رژیم به قیمت بسیار نازل به یغما می‌روند، رژیم به وارد کردن هر چه بیشتر کالاهای مشابه داخلی مبادرت می‌ورزد. همچنانکه قبلاً نیز اشاره کردیم، حتی سیستم‌های ارتجاعی خمینی ساخته از قبیل "جهاد سازندگی"، "باصطلاح تعاونی‌ها و انجمن‌های ضد اسلامی"، "ستاد بسیج اقتصادی" و... چون عمدتاً برای حل مشکلات جبهه و پشت جبهه‌ی جنگ ارتجاعی رژیم کوک شده‌اند و بسیاری از امکانات و نیروها را به آن سمت بسیج نموده‌اند، نمی‌توانند در جذب حداقل محصولات داخلی (جز به صورت اخاذی و دزدی، چه برای جبهه‌ها و چه برای تصاحب فردی و گروهی) نیز کاری انجام دهند. در همین زمینه منجمله شکوائیه‌ی زیر گویای این سیاست خائنه‌ی رژیم می‌باشد:

"اولویت را به خرید

پشم داخلی بدهید

با توجه به اینکه محصول پشم سال قبل به روی دست خریداران مانده و در حال موریانه زدن است و از سوئی محصول سال جدید نیز بر آن اضافه خواهد شد، از مسئولان وزارتخانه‌های بازرگانی و کشاورزی سوال می‌کنم چرا پشم مورد نیاز خود را از منابع داخلی تهیه نمی‌کنند و اقدام به وارد کردن این کالا از خارج نموده‌اند. انتظار این است که مسئولین برای حمایت از تولید کنندگان پشم در داخل مملکت بایستی روشی در پیش گیرند تا ابتدا پشم موجود در داخل خریداری شود آنگاه اگر نیاز به ورود آن بود از خارج وارد کنند. یک فروشنده‌ی پشم"

(کیهان ۶۲/۲/۲۹)

در همین رابطه یکی از نمایندگان مجلس ضدخلفی خمینی گفته است: "... دروازه‌ها بر روی کالاها باز شده

است و این روزها سرفصل روزنامه‌ها را ملاحظه کنید که نوشته‌اند قرعه‌کشی رنو و موتورسیکلت بزودی انجام خواهد گرفت. یا میوه‌ی شب عید آماده شد. در شرایطی که کارخانه‌ی ملیران سالانه مبلغ زیادی ضرر می‌دهد، امسال حدود ۶/۵ میلیون تومان میل وارد کردیم و در این مورد ارقام زیادی وجود دارد که از ذکر نام آنها خودداری می‌کنم."

علاوه بر این فاکت‌ها، مسائل طرح شده در "سمینار دوروزه‌ی مدیران شرکت‌های گروه صنایع شیمیائی سازمان صنایع ملی"، نیز در خور توجه است. فی‌المثل مسئول کارخانه‌ی لاستیک سازی کیان تأیر مطرح کرده است که: "... عدم هماهنگی وزارت بازرگانی با وزارت صنایع و سازمان صنایع ملی و ورود بی‌رویه‌ی لاستیک از طرف وزارت بازرگانی بدون تشخیص نیاز کشور و در نتیجه متضرر کردن کارخانجات داخلی و اختلال در توزیع باعث می‌شود که لطمات زیادی را متحمل شویم..."

یکی از مسئولین واحد پلاستیک‌سازی باختران (کرمانشاه) در زمینه‌ی وضعیت این واحد تولیدی گفته است: "... ورود کالاهای ساخته شده توسط وزارت بازرگانی در شرایطی که ما این کالاها را تولید می‌کنیم واحد را متضرر می‌کند و حتی مجبور شدیم که تولید را سه چهار ماه بخواه‌انیم."

مسئول کارخانه‌ی لاستیک - سازی بریجستون در این سمینار گفته است: "... خودشان به هر قیمت و شرایطی و بدون رویه‌ای مشخص اقدام به ورود کالا می‌کنند، چرا لاستیک به اندازه‌ی یکسال و نیم نیاز ایران وارد کردند و چرا لاستیک ۲۵ دلاری را با قیمت گران وارد کرده‌اند... و در پایان، ابعاد این سیاست خائنه‌ی رژیم در زمینه‌ی ضربه زدن به ته‌مانده‌ی تولیدات داخلی، در نامه‌ی مدیران عامل چهار شرکت باصطلاح ملی شده‌ی لاستیک‌سازی خطاب به وزیر بازرگانی چنین تشریح شده است:

"... وزیر محترم بازرگانی - برادر عسگر اولادی اخیراً مرکز تهیه و توزیع مواد پلاستیک طبق اعلان رسانه‌های گروهی اقدام به خرید بیش از ۲۰۰ میلیون دلار لاستیک از کارخانجات ژاپنی نموده است. نظر به اینکه انجام امر فوق در رابطه با تولید لاستیک در کارخانجات داخلی و تهیه‌ی مواد اولیه‌ی



## درباره سیاست خائنه رژیم خمینی در زمینه افزایش سرسام آور واردات

رها شده ۴ برابر قدرت خرید پیدا می‌کند در چنین شرایطی سقیه‌خانه است که کالا و اجناس را آزاد اعلام کنیم. چون مادامی که این حجم اسکناس وجود دارد همه را خواهد بلعید و از طرف دیگر چقدر تولیدکنندگان و کشاورزان ما تصور هستند که برای هر دام ششصد تومان ضرر می‌دهند و لب از لب نمی‌کشایند و کسی نیست سوال کند طبق چه سیاستی تصمیم بر واردات بی‌حد و حصر می‌گیرند، آنهم از بیگانه و کسی نیست بپرسد چرا همیشه به ضرر تولید کننده سیاست‌ها اتخاذ می‌گردد که کشاورز مجبور می‌شود گندمش را سبز به دام بدهد و به انتظار کیلویی ۳۰ ریال ننشیند...

(کیهان اول/خرداد/۶۲)  
بطور خلاصه این درمادگی‌ها و اعترافات آشکار مبنی بر اینکه: "۹۰ درصد بودجه به نفت متکی است"، "مسابقه برای خرید از کشورهای مختلف شروع شده"، "رژیم خمینی ۲۳ میلیارد دلار وارد بازارهای جهانی کرده"، "حیات ما متکی به واردات می‌باشد"، "این انتحار اقتصادی وحشتناک است"، "طبق چه سیاستی تصمیم بر واردات بی‌حد و حصر می‌گیرند"، "هیچکس در این کشور متولی تولید نیست"، "یک اقتصاد مریض و غیر سالم منابع خامش را تاراج می‌کند"، "همیشه سیاست‌ها به ضرر تولیدکننده اتخاذ می‌گردد"... خوبی وضعیت اقتصاد درهم‌ریخته رژیم خمینی آنهم متکی بر حراج نفت و سیاست خائنه‌ای واردات را به نمایش می‌گذارد. و در ضمن بیانگر این مسئله نیز هست که چگونه رژیم با تکیه بر این سیاست در کنار سیاست سرکوب و خفقان بی‌نظیر برعلیه مردم، خود را سرپا نگاهداشته و مضحک اینکه آنرا نشانه‌ی "ثبات" خود تبلیغ می‌نماید. اما دیر نیست که همانگونه که این روزها خمینی از "مایوس شدن ملت"، "تضعیف رژیم"، "هل دادن مردم به بیرون صحنه"، "آمدن آنهایی که باید بیایند"... ناله سر می‌دهد، مقاومت انقلابی مسلحانه و خشم دشمن سوز خلق، تار و پود رژیم مملکت بر بادده و ویرانگر خمینی و دارودسته‌ی تبهکار و غارتگر او را در شعله‌های سرکش خود خاکستر نماید و حرث و نسل میهن‌مان را از چنگال این مرتجعین منفور و پلید برای همیشه و بطور تاریخی نجات دهد.

همه‌انگهی یک نوع جنس را با چند قیمت خریده و یا از یک کمپانی چند دستگاه از یک نوع جنس به قیمت‌های مختلف خریده‌اند، حتی حاضر شده‌اند جنس را در انبارهای کشور مورد نظر ذخیره و حق انبارداری بپردازند.

به عبارت دیگر ۲۳ میلیارد دلار وارد بازار جهانی کردن و بویژه کشورهای اروپائی و احیاء کردن اقتصاد کشورهای غربی و شرقی که در حال ورشکستگی و رکود بودند... آنان حاضر بودند کالایشان را به قیمت‌های مناسب بفروشند تا اقتصادشان رونق گیرد ولی بی‌حساب و بی-کتاب‌ها و بی‌برنامگی و عدم همه‌انگهی در خرید باعث گردید تا نسبت به خریدهای ما واکنش نشان داده و اظهار دارند در صورتی کالا در اختیار می‌گذاریم که کارخانجات ما ضرر ندهند.

مساله اصلی اینست که حیات ما متکی بر واردات می‌باشد آنهم به گونه‌ای که گذشت. چه عواملی باعث شده که ۸۵ تا ۹۰٪ بودجه‌ی ما نفتی باشد و اقتصاد کشور را تک‌پایه‌ای کنیم و برای پنج سال آینده نیز آنرا حفظ نمائیم و به یک انتحار اقتصادی دست می‌زنیم... همیشه یک اقتصاد مریض و غیر سالمی است که رو به منابع خامش می‌آورد و آن را به راحتی تاراج می‌کند برای تحقق یک اقتصاد سالم و پویا احتیاج است تولیدات داخلی بسرعت افزایش یافته و نقش خود را در تامین منابع ارزی ایفا نماید. ولی متأسفانه هیچ کس در این کشور متولی تولید نیست و مظلوم‌تر از همه تولید در این کشور می‌باشد... اگر در نظام طاغوت وابسته به غرب بودیم بعد از انقلاب با حفظ آن شرق را نیز افزودیم و فقط از مصرف کننده حمایت کردیم و هنگامی که می‌رفت مردم ما قدمی بردارند و خودکفا شویم ناگاه مواجه با سیل واردات گردید که برای همیشه تولید را فراموش کند... اینکه می‌بینیم هر چه کالا وارد می‌کنیم باز صف وجود دارد و به سرعت با کمبود مواجه می‌شویم در اثر افزایش نقدینگی است که در سال ۵۶ از ۲۰۹۲ به ۶۰۰۰ رسیده و این پول‌ها

کلیه‌ی معاملاتی که با کشورهای امپریالیستی و وابستگان‌شان، از طریق حراج نفت ایران و وارد کردن کالاهای آنان با قیمت‌های گزاف انجام می‌دهد عنوان عوام‌فریبانه‌ی "معاملات تهاثری" می‌دهد.

اما واقعیت اینست که رژیم خمینی اقتصاد لرزان خود را نه بر سرمایه‌گذاری بر روی تولید داخلی بلکه بر روی اقتصاد تک‌پایه‌ای با اتکا مطلق به فروش ارزان نفت پی‌ریزی نموده است، و بدین ترتیب در واقع اقتصاد رژیم حکم "چهارشنبه بازاری" را پیدا نموده که غارتگران بین‌المللی اجناس بنجل خود را در آن با قیمت‌های گزاف به فروش می‌رسانند و در ازای آن نفت بسیار ارزان یا ارز معتبر (که از طریق فروش نفت بدست می‌آید) دریافت می‌دارند. و بی‌حکمت نیست که خمینی تنوره می‌کشد که: "چه کسی جرات کرده و می‌گوید که الان مثل سابق همه چیز ما وابسته‌تر شده است!!"

از طرف دیگر این اوضاع احتضارآمیز اقتصادی رژیم، برخی از جناح‌ها و ایادی رژیم را در چنان وحشتی از آینده تیره و تار کلیت رژیم پوسیده‌ی خمینی فرو برده که به ناچار برای چاره‌جویی، مجبور به اعتراف به آن گشته‌اند و در نتیجه خود بهتر از هر کسی این اوضاع را تصویر نموده‌اند. سخنان نادی نماینده‌ی سرسپرده خمینی در مجلس ضدخلق به تنهائی گویای این وضعیت است که خود آنرا "انتحار اقتصادی" لقب داده است:

"... در سال ۶۲ از ۳۷۰ میلیارد تومان بودجه ۲۰۰ میلیارد تومان آنرا از درآمد نفت قرار دادیم و از ۷۰ میلیارد تومان مالیات نیز ۵۰ میلیارد تومان آن متکی بر کالاهائی است که با ارز نفت خریده می‌شود معنای سخن اینست که ۸۵ الی ۹۰ درصد بودجه کشور متکی بر نفت می‌باشد. باید نفت را بفروشیم و در مقابل کالا وارد کنیم و در بازار مصرف کالا تبدیل به ریال گردد تا بتوانیم حقوق ۲۵۰ میلیارد تومان جاری را تامین کنیم. وی افزود: مسابقه‌ی خرید از کشورهای مختلف شروع شده بطوری که در اثر عدم

نیاز کشور انجام دهد. حال سوال این است به چه علت در امر خرید ۲۰۰ میلیون دلار فوق هیچگونه مشورت و نظر-خواهی با این شورا به عمل نیامده است؟"

(کیهان ۹/خرداد/۶۲)  
حال با توجه به مواردی که تاکنون برشمردیم - مواردی که تنها گوشه‌ای از وضعیت اقتصاد فلاکت‌بار رژیم خمینی را تصویر می‌کند - برآستی رژیم خمینی در این زمینه از کجا سر در خواهد آورد؟

### انتحار اقتصادی!؟

راهی را که رژیم به لحاظ اقتصادی و در مسیر سقوطش، در آن به پیش می‌تازد، بازگشت ناپذیر است. رژیم علاوه بر ماهیت ارتجاعی و ویرانگرش، چه به دلیل انهدام تولید و صنعت داخلی و چه بخاطر مقابله با اعتراضات اوج گیرنده‌ی مردم، نه تنها نمی‌تواند از دامنه‌ی واردات خود بکاهد، بلکه با توجه به حالت سرایت-بخشی این پدیده (واردات از خارج) به کلیه‌ی زمینه‌های اقتصادی و مصرفی و همچنین افزایش نیازمندی‌های عمومی جامعه، ناگزیر است مرتباً بر حجم واردات کالا از خارج بیفزاید. به همین دلیل است که هیئت‌های مختلف خارجی سعی دارند تا هر یک کالاهای بنجل خود را به رژیم درمانده و وطن‌فروش خمینی قالب کنند و در ازای آن نفت ارزان دریافت نمایند (و صد البته که حجم عظیم این معاملات با کشورهای امپریالیستی است). مضافاً بر اینکه رژیم برای یک سلسله از خریدهای خود به کشورهای روی آورده که خود نه تنها وابسته و یا واسطه‌ی امپریالیست‌ها هستند بلکه به لحاظ اقتصادی نیز در سطحی نازل‌تر از ایران قرار دارند و شرح و تفصیل عواقب بعدی این قبیل بنجل‌خری‌ها و این قبیل معاملات خائنه، نیاز به بحث‌های جداگانهای دارد، اما مضحک‌تر از همه اینکه، رژیم خمینی به این سیاست خائنه‌ی خود، عنوان "فعال کردن مناسبات اقتصادی با جهان سوم" نیز داده و ضمناً به

مورد نیاز آنها سوالات و ابهاماتی را بوجود آورده است لذا از آن مقام محترم تقاضا دارد دستور فرمائید کمیسیونی به منظور رسیدگی و رفع ابهام در رابطه با مسائل زیر مامور شود تا مشخص شود، اندازه و تعداد لاستیک‌های خریداری شده که می‌بایستی ضمن همه‌انگهی با تولیدکنندگان داخلی و در جهت رفع نیازهای واقعی کشور باشد بر چه اساس تعیین گردیده.

در نامه‌ی مزبور همچنین اضافه شده است: برنامه‌ی زمان-بندی ورود لاستیک‌های فوق‌الذکر به کشور چگونه می‌باشد؟ لاستیک‌های فوق با توجه به وضعیت بازار جهانی لاستیک و موجودی بیش از حد در انبارهای تولیدکنندگان با چه قیمتی خریداری شده است؟ چرا در سال ۶۱ که نیاز مبرمی به انواع تایر در کشور دقیقاً مشخص و مشهود بود نسبت به واردات و عرضه‌ی بموقع تایر اقدام نشد؟ آیا تخصیص ارز جهت خرید یکباره‌ی این میزان تایر از ژاپن با توجه به موارد ذیل در جهت مصالح کشور بوده است؟ زیرا خرید این میزان تایر باعث گردیده که قیمت مواد اولیه‌ی مصرفی در بازار جهانی حدود ۲۰ تا ۲۵ درصد ترقی نماید.

علاوه بر این خرید فوق در زمانی صورت می‌پذیرد که تولید کنندگان داخلی از نظر تامین ارز جهت تهیه‌ی مواد اولیه‌ی قطعات یدکی و ماشین‌آلات با مضیق‌های فراوانی روبرو می‌باشند. مدیران عامل کارخانجات لاستیک‌سازی در ادامه‌ی نامه‌ی خود سوالات دیگری را مطرح کرده‌اند آنها پرسیده‌اند: نحوه‌ی قیمت‌گذاری لاستیک‌های وارداتی جهت فروش در بازار به منظور حمایت از تولیدکنندگان داخلی و جلوگیری از ضرر و زیان آنان چگونه خواهد بود؟ نحوه‌ی توزیع این لاستیک‌ها جهت جلوگیری از بروز مشکل فروش تولیدات داخلی و جلوگیری از بازار سیاه و احتکار تایرهای وارداتی به چه صورت است؟ با توجه به مشکلات متعددی که در سال ۵۹ و ۶۰ به دلیل عدم همه‌انگهی مرکز تهیه و توزیع مواد پلاستیک در امر واردات لاستیک برای کارخانجات داخلی بوجود آمده بود و به منظور جلوگیری از بروز چنین وقایعی بنا به دستور وزارت بازرگانی مقرر گردید شورای عالی همه‌انگهی تولید و توزیع لاستیک در سال ۱۳۶۱ تشکیل و همه‌انگهی کامل در امر واردات و تولید داخلی را با توجه به



# گزارشی از برگزاری "شب مقاومت کردستان ایران"

## توسط شورای ملی مقاومت در اروپا و آمریکا

بقیه از صفحه ۸

نمایشگاه عکس مقاومت ایران و عکسهایی از شهدای راه آزادی و استقلال تزئین شده بود. این مراسم در ساعت ۱۰ و ۴۵ دقیقه پایان یافت.

### ایتالیا

در ایتالیا نیز مراسم "شب مقاومت کردستان" در شهر بلونیا در روز سهشنبه ۸۳/۵/۳۱ (۱۰ خرداد ۶۲) برگزار گردید. لازم به تذکر است که دومین مراسم "شب مقاومت کردستان ایران" نیز در تاریخ ۸ ژوئن (۱۸ خرداد ۶۲) در رم برگزار می‌گردد. در بلونیا مراسم با حضور هموطنان ایرانی و گروهی از شهروندان ایتالیایی در دو قسمت و به دو زبان فارسی و ایتالیایی برگزار شد.

در ابتدای برنامه‌ای که به زبان فارسی اجرا گردید، پس از اعلام برنامه، پیام برادر مجاهد مسعود رجوی مسئول شورای ملی مقاومت قرائت شد. پس از آن پیام دبیرکل حزب دمکرات کردستان ایران توسط نماینده‌ی این حزب آقای حسن قاضی قرائت شد و بدنبال آن آقای قاضی شرح خلاصه‌ای از فعالیت‌های مختلف حزب دمکرات کردستان ایران در زمینه‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی ارائه داده و طی آن بر نقش شوراها در اداره‌ی امور مناطق آزاد شده‌ی کردستان تاکید کرد.

در قسمت بعدی برنامه، لیست اسامی نیروها و شخصیت‌های مترقی و دمکرات بلونیا که از مراسم حمایت کرده بودند منجمله دفاتر حزب سوسیالیست ایتالیا، حزب دمکراسی پرولتاریا، فدراسیون سرتاسری سندیکاها CGIL - CISL - UIL، انجمن بازاری فرهنگی ایتالیا در بلونیا و همچنین شهردار بلونیا و نماینده‌ی شهر بلونیا در پارلمان ایتالیا از گروه چپ مستقل خانم کردی نیانی و ... خوانده شد.

در پایان، آقای قاضی به پرسش‌های هموطنان ایرانی حاضر در جلسه پاسخ داد و قسمتی از این برنامه نیز به اظهارنظر حاضرین

در مورد مقاومت کردستان اختصاص داده شد. پس از صرف شام قسمت دوم مراسم که به زبان ایتالیایی اجرا می‌شد با قرائت پیام برادر مجاهد مسعود رجوی، مسئول شورای ملی مقاومت و قرائت پیام‌های حمایت آغاز گردید. سپس یک حلقه فیلم ۵۰ دقیقه‌ای از کردستان بنام "نبردی که به ما تحمیل شد" به نمایش گذاشته شد. این فیلم که به زبان ایتالیایی دوبله شده بود، توجه فراوان حاضرین را بخود جلب کرد؛ زیرا که خواست‌های عادلانه‌ی خلق کرد و وضعیت اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و همچنین مقاومت کردستان ایران در مقابل وحشی‌گری‌های خمینی را بخوبی در قالب فیلم بیان می‌نمود. در همین رابطه یک حلقه فیلم دیگر نیز نمایش داده شد و بدنبال آن آقای قاضی طی صحبت کوتاهی از تمام نیروها، شخصیت‌ها و شهروندان مترقی و دمکرات بلونیا که همبستگی خود را با مقاومت کردستان ابراز کرده بودند تشکر کرد.

در پایان مراسم آقای بورویونی BOREONI مسئول روابط خارجی حزب سوسیالیست ایتالیا در بلونیا طی سخنانی ضمن مثبت ارزیابی کردن اتحاد حزب دمکرات کردستان ایران با دیگر نیروهای مقاومت سراسری ایران گفت: "ما حمایت کامل خود را از مقاومت سراسری برعلیه رژیم ارتجاعی خمینی و مقاومت خلق کرد برای کسب خودمختاری اعلام می‌کنیم." لازم به توضیح است که سالن برگزاری مراسم، با شعارهای "زنده باد شورای ملی مقاومت" و "دمکراسی برای ایران و خودمختاری برای کردستان" به زبان‌های فارسی و ایتالیایی و نیز با پوسترها و نقاشی‌هایی از مقاومت مردم کردستان ایران تزئین شده بود. ضمناً نمایشگاه عکس بسیار جالبی نیز در همین رابطه در محوطه‌ی بیرونی سالن ترتیب یافته بود.

### آمریکا

مراسم "شب مقاومت کردستان ایران" بعد از ظهر جمعه ۲ ژوئن ۸۳ (۱۳ خرداد ۶۲)

در لوس آنجلس برگزار گردید. در این برنامه بیش از ۳۵۰ تن از هم‌میهن‌انسان شرکت کرده بودند. سالن برنامه با پرچم سه رنگ ایران و شعارهایی نظیر "سرافراز باد شورای ملی مقاومت" "خودمختاری در چارچوب تمامیت ارضی ایران" "دمکراسی برای ایران، خودمختاری برای کردستان" و ... همچنین با پوسترهایی از شهدای قهرمان خلق تزئین شده بود.

برنامه با اجرای سرود "ای ایران" آغاز گردید، پس از اجرای سرود، پیام برادر مجاهد مسعود رجوی مسئول شورای ملی مقاومت قرائت شد و آنگاه یک سرود کردی اجرا گردید که مورد استقبال حضار قرار گرفت. بعد از آن پیام دبیرکل حزب دمکرات کردستان توسط یکی از هم‌میهنان قرائت شد و آنگاه سخنرانی آقای منصور فرهنگ یکی از نمایندگان شورای ملی مقاومت در آمریکا پیرامون اهمیت مقاومت کردستان و همبستگی با مقاومت سراسری در ایران و همکاری‌های حزب دمکرات کردستان ایران با سازمان مجاهدین خلق ایران برعلیه رژیم خمینی انجام شد. بعد از تنفس و صرف شام و اجرای چند برنامه‌ی هنری منجمله رقص محلی کردی، آقای امیرطاعتی یکی دیگر از نمایندگان شورای ملی مقاومت دفتر نمایندگی شورای ملی مقاومت در آمریکا و ضرورت فعالیت سازمان یافته و نیاز به همکاری و همگامی هم‌میهنان متعهد سخنرانی نمود. قسمت بعدی برنامه را موسیقی محلی و برنامه‌های هنری تشکیل می‌داد.

لازم به توضیح است اگر چه این مراسم تا حدود نیمه‌شب بطول انجامید، اما اکثر هم‌میهنان شرکت کننده تا آخر برنامه حضور داشتند و برنامه‌ها عموماً از استقبال گرم شرکت‌کنندگان برخوردار بود.

### آلمان غربی

مراسم شب "مقاومت کردستان ایران" در شهر کلن (آلمان فدرال) در تاریخ ۲ ژوئن ۸۳ (۱۳ خرداد ۶۲)

توسط شورای ملی مقاومت برگزار گردید. در مراسم فوق که عمدتاً برای هموطنان ایرانی مقیم آلمان در نظر گرفته شده بود، علاوه بر بسیاری از هم‌میهن‌انسان تعدادی از آلمانی‌های دوستدار مقاومت کردستان ایران نیز شرکت داشتند. سالن برگزاری این مراسم با پرچم بزرگ سه رنگ ایران و با شعارهایی چون "شورای ملی مقاومت، پیام‌آور صلح و پیروزی برای ایران"، "خمینی عامل جنگ و ویرانی"، "دمکراسی برای ایران، خودمختاری برای کردستان" و ... تزئین شده بود.

در شروع مراسم، پیام برادر مجاهد مسعود رجوی مسئول شورای ملی مقاومت و سپس پیام دبیر کل حزب دمکرات کردستان ایران قرائت گردید. در قسمت دیگر برنامه، نماینده‌ی حزب دمکرات کردستان ایران در رابطه با اوضاع حاکم در کردستان ایران و وضعیت نیروها در این منطقه، شرایط زندگی مردم، جنایات رژیم ضد بشری خمینی و همچنین مقاومت پیشمرگان و مردم کردستان سخنانی ایراد کرد. نماینده‌ی حزب در قسمتی از سخنرانی خود در رابطه با نیروهای سیاسی در ایران یادآور شد نیروهای اصیل و مسئول و ترقیخواه، آنتهایی هستند که در عمل بر ضد دیکتاتوری ارتجاعیون مبارزه می‌کنند و بدیهی است که در صف اول آن نیروها، سازمان مجاهدین خلق ایران و دیگر نیروها و سازمان‌هایی هستند که عضویت شورای ملی مقاومت را پذیرفته‌اند. وی در ادامه‌ی سخنان خود گفت:

"شایسته است به ۲ نکته‌ی مهم اشاره کنم: اول اینکه مجاهدین بودند که توطئه‌ی سکوت را که از طرف رژیم در مورد مبارزه‌ی خلق کرد و حزب دمکرات کردستان به عمل می‌آمد، درهم شکسته و همچنین برای اولین بار مصاحبه‌ی مطبوعاتی با دبیرکل حزب را در نشریه‌ی خود منتشر نمودند. وی در قسمتی دیگر از سخنان خود اشاره به

مانورهای به اصطلاح ضد-امپریالیستی رژیم خمینی کرد و گفت: ممکن نیست یک رژیمی حقیقتاً ضد امپریالیست باشد اما مانند رژیم خمینی با تمام نیرو و امکانات خود، انقلابیون و پیگیرترین نیروهای ضد-امپریالیستی مانند حزب دمکرات و سازمان مجاهدین خلق و دیگر نیروهای مترقی را سرکوب کند."

نماینده‌ی حزب در پایان سخنان خود تاکید کرد که به نظر ما تنها نیروی منظم و برقدردنی که می‌تواند در حال حاضر رژیم خمینی را ساقط کند، شورای ملی مقاومت است که ۲ سازمان سیاسی بزرگ نظیر حزب دمکرات کردستان ایران و سازمان مجاهدین خلق و دیگر سازمان‌های مترقی در آن عضویت دارند. در ادامه‌ی برنامه، فیلمی تحت عنوان "این جنگ بر ما تحمیل شد" به نمایش گذارده شد. این فیلم که حول وضعیت زندگی هموطنان ستم‌دیده‌ی کردمان و جنایات رژیم خمینی در روستاها و مقاومت مردم و همچنین مبارزات پیشمرگان حزب دمکرات و پیشمرگه‌های مجاهد خلق تهیه شده بود، مورد استقبال شدید هموطنانمان قرار گرفت.

در پایان برنامه آقای اولریش تیلکنر خبرنگار آلمانی به سخنرانی پرداخت. وی ضمن اشاره به روحیه‌ی مقاوم مردم و نیروهای مقاومت منطقه، زبونی و ناتوانی رژیم خمینی در سرکوب جنبش مردم کردستان و قتل‌عام‌های بیرحمانه‌ی این رژیم ضدبشری را یادآور شد. آقای اولریش تیلکنر در رابطه با قتل‌عام‌های پاسداران ضد خلقی در کردستان گفت: "رژیم خمینی در بهار امسال بصورت وحشیانه‌ی مردم کردستان را قتل‌عام و سرکوب کرده است." و سپس اشاره به زن حامله‌ای کرد که بجرم دادن نان به یک پیشمرگه، توسط رژیم اعدام شده است وی اضافه کرد که در سال گذشته بیش از ۱۰۰ نفر با چنین جرم‌هایی تیرباران شده‌اند.

این مراسم که بسیار مورد استقبال شرکت‌کنندگان قرار گرفته بود، پس از ۴ ساعت به پایان رسید.



آموزش ویژه هسته‌های مقاومت مسلحانه (۱۲)

درباره تبلیغات مقاومت و شیوه‌های اجرائی آن

بقیه از صفحه ۷

پس از تکثیر، مساله‌ی پخش و ارسال آن برای دیگران مطرح است. ساده‌ترین و بهترین راه ارسال مطالب تکثیر شده، استفاده از پست می‌باشد. پست کردن که نوعی از "پخش غیر مستقیم" می‌باشد، بالاترین حد ایمنی را دارد. طبعاً اینگونه مطالب را باید برای کسانی پست کنید که می‌دانید به احتمال زیاد مورد استفاده قرار می‌دهند و حتی خودشان ممکن است در جهت تکثیر و پخش مجدد آن اقدام کنند. از اینرو نشانی‌هایی که به آنها مطالب تکثیر شده را ارسال می‌کنید بهتر است قبلاً مورد "شناسائی حداقل" قرار گرفته باشند. در ضمن برای رعایت مسائل امنیتی بایستی بعضی مطالب تکثیری را برای چند منزل معمولی - که می‌توانید نشانی آنرا از روی دفتر تلفن بردارید - نیز ارسال کنید تا مساله برای نیروهای انتظامی رژیم قابل پیگیری نباشد.

نکته‌ی مهم در ارسال نامه‌های پستی باقی نگذاشتن رد اطلاعاتی بر روی پاکت‌های ارسالی می‌باشد. مثلاً دقت داشته باشید که آدرس فرستنده را بنحوی بنویسید که اساساً به پایگاهتان ارتباط پیدا نکند. برای پست کردن پاکت‌های ارسالی از صندوق‌های پست نزدیک به پایگاهتان استفاده نکنید و اگر تعداد آنها زیاد است همگی آنها را در یک صندوق پستی نریزید.

علاوه بر پخش بوسیله پست، شیوه‌ی دیگر پخش غیر مستقیم مطالب تکثیری، انداختن آنها به خانه‌ها و مغازه‌ها است. طبیعتاً این شیوه در صورتی میسر است که شما امکان تکثیر مطالب را در تیراژ زیاد و مثلاً توسط دستگاه پلی‌کپی داشته باشید. برای پخش اعلامیه در کوچه و خیابان، بایستی دقت و هوشیاری بیشتری اعمال کرد تا مساله‌ی پخش نیاید، بخصوص که شما اعلامیه‌ها را باید با خودتان حمل کرده و یک به یک به خانه‌ها و مغازه‌ها بیندازید. به این خاطر لازم

است که از قبل نسبت به محیط عمل خود، کوچه‌ها و خیابان‌ها و راه‌های ورودی و خروجی آن، حداقل آشنائی را داشته باشید. همچنین اگر در یک کوچه‌ی بن‌بست می‌خواهید اعلامیه پخش کنید، حتماً اینکار را از انتهای کوچه شروع نمایید تا پس از پخش اعلامیه‌ها در حداقل زمان، از کوچه خارج شده باشید. در ضمن این کار را باید زمانی انجام بدهید که کوچه‌ها حتی المقدور خلوت باشند. مثلاً شبها، کوچه‌ها و خیابان‌ها عموماً خلوت هستند و بعد از ظهر روزهای تابستان به خاطر گرمای زیاد نیز تردد کمتری صورت می‌گیرد. در هنگام پخش مطالب تکثیری حداکثر دقت را داشته باشید که کسی شما را نبیند. همچنین همان مقداری اعلامیه را - البته به شکل "ناشده" - با خود حمل کنید که در یک بار پخش کردن و در طی مدت مناسب بتوانید تمام آنها را پخش نمایید و یا در صورت لزوم بتوانید سریعاً از خودتان دور نمائید. در انتها نیز قابل ذکر است که برای مواقع اضطراری بایستی آمادگی دور شدن سریع

مختلف کسب شده باشد. شیوه‌های دیگر پخش غیر مستقیم، جا گذاشتن بسته‌های اعلامیه در مغازه‌ی نیروهای هوادار و سیمپات - مثلاً پس از خرید یک جنس - می‌باشد. همچنین می‌توان اعلامیه‌ها را در اتوبوس، در مساجد، در سینماها و محل‌های عمومی گذاشت یا به جای انداختن به درون خانه‌ها به داخل ماشین‌های پارک شده و زیر برف‌پاک‌کن آنها و محل‌های مشابه قرار داد. علاوه بر شیوه‌های پخش

قلم‌هایی نظیر "مداد شمعی" و یا "ماژیک تینری" نوشته شده باشند به راحتی پاک نمی‌شوند. (ماژیک‌ها بر دو نوع می‌باشند. یک نوع ماژیک‌هایی هستند که جوهر آنها در آب محلول است و به راحتی توسط آب شسته می‌شود. نوع دوم ماژیک‌هایی که حلال رنگ آنها تینر است و توسط آب شسته نمی‌شود) همچنین استفاده از "اسپری‌های رنگ روغن نیز که در رنگ‌فروشی‌ها برای رنگ کردن وسایل مختلف به فروش می‌رسد نیز شیوه‌ی بسیار خوبی است. زیرا رنگ روغن نیز به راحتی پاک نمی‌شود. برای اینکه بتوان شعارهای

با توجه به شرایط نظامی موجود در هر شهر باید با دقت مکفی و برنامه‌ریزی قبلی پیش بروید و از قبل طرح مشخصی در ذهن داشته باشید. بخصوص اگر دو نفر اقدام به شعار نویسی می‌کنید، برای اینکه جوانب مختلف عمل را کاملاً بررسی کرده باشید، بهتر است که در یک کار جمعی مراحل اجرائی عمل را مورد بحث قرار دهید و طرح پیچیده‌تری ریخته و سپس اقدام به اجرای کار بکنید.

مشخصی را به سرعت و در کمترین زمان بر روی دیوار نوشت، می‌توان از "شابلون" و "اسپری" استفاده کرد. شابلون ورق نازکی می‌باشد که شعارها یا عکس‌های مورد نظر در داخل آن کنده شده است و با قرار دادن آن بر روی دیوار و پاشیدن رنگ مطالب بر روی دیوار منعکس می‌شود.

علاوه بر "شابلون" شیوه‌های مختلف دیگری برای نوشتن سریع شعار بر روی دیوار وجود دارد که در اینجا فقط روش ساختن شابلون را به اختصار بیان می‌کنیم. برای ساختن شابلون در درجه‌ی اول باید ورق نازک و مقاومی تهیه کرد. این ورقه از هر جنسی می‌تواند باشد. مثلاً مقوا، طلق‌های فیلم ورق‌های فلزی نازک و منعطف مانند حلبی قابل استفاده هستند. ولی جنس طلق فیلم عکاسی (که انواع بزرگ آن در رادیولوژی یعنی برای عکسبرداری از استخوان‌های بدن انسان بکار می‌رود) از بقیه مناسب‌تر است. زیرا در عین انعطاف زیاد از دوام زیادی نیز برخوردار است. به اضافه‌ی اینکه در آوردن حروف و کلمات در داخل آن به راحتی امکان‌پذیر است. مقوا در مقایسه با طلق انعطاف و دوام کمتری دارد و در آوردن کلمات در ورق‌های فلزی مانند حلبی کمی مشکل می‌باشد. پس از تهیه‌ی جنس مناسب

غیر مستقیم، پخش مستقیم و علنی نیز وجود دارد. در پخش مستقیم، نوشته‌های تکثیر شده را به کسانی بدهید که کاملاً مورد اطمینان می‌باشند. یعنی کسانی که علی‌القاعده می‌توانند در آینده با شما در این زمینه همکاری کرده و یا بنحوی به شما کمک نمایند. \* سوال ۱۰۳ - برای نوشتن شعار در محیط‌های مختلف چه نکاتی را باید در نظر داشت؟

مسلمان پس از چند بار شعار نویسی توانائی شما در این زمینه افزایش پیدا می‌کند. بخصوص اگر پس از هر بار شعار نویسی دو نفره به بررسی نقاط قوت و ضعف عمل بپردازید و برای حل نقاط ضعف عمل، راه‌حل‌های مشخص و مناسبی در نظر بگیرید، نحوه‌ی انجام عمل نیز ارتقاء پیدا می‌کند و بطور کلی کیفیت و رواندمان عمل شما بالایی رود.

جواب: نوشتن شعار و اخبار کوتاه بر روی در و دیوار و در محیط‌های باز مانند کوچه‌ها و خیابان‌ها نسبت به پخش اعلامیه از پیچیدگی بیشتری برخوردار است. بنابراین باید بهترین و سریعترین شیوه‌ها را انتخاب کرد تا ضمن انجام کار مساله‌ی پیش نیاید. در ضمن بایستی شعار را به گونه‌ای نوشت که پاک کردن و از بین بردن آن ساده و آسان نباشد. مثلاً شعارهایی که به وسیله‌ی گچ نوشته شوند به راحتی قابل پاک کردن می‌باشند، ولی شعارهایی که با

شعار مورد نظر خود را با قلم درشت و خوش خط بر روی آن بنویسید و با استفاده از "کانتر" اطراف حروف و کلماتی را که نوشته‌اید برش بدهید و حروف و کلمات برش خورده را خارج نمائید. حال اگر این ورقه را که به آن "شابلون" می‌گویند، بر روی یک سطح صاف بگذارید و با "اسپری" رنگ بر روی آن بپاشید و یا با قلم مو بر روی آن رنگ بکشید، نوشته‌ی شما به سرعت بر روی سطح مورد نظر منعکس می‌شود. البته لازم است که در این زمینه تمرین مکفی بکنید تا بتوانید با تسلط کافی به انجام کار اقدام نمائید.

برای نوشتن شعار بر روی دیوار چه با استفاده از شابلون و چه با استفاده از قلم‌هایی نظیر ماژیک، با توجه به شرایط نظامی موجود در هر شهر باید با دقت مکفی و برنامه‌ریزی قبلی پیش بروید و از قبل طرح مشخصی در ذهن داشته باشید. بخصوص اگر دو نفر اقدام به شعار نویسی می‌کنید، برای اینکه جوانب مختلف عمل را کاملاً بررسی کرده باشید، بهتر است که در یک کار جمعی مراحل اجرائی عمل را مورد بحث قرار بدهید و طرح پیچیده‌تری ریخته و سپس اقدام به اجرای کار بکنید.

مثلاً برای حمل وسایل کار، پوشش‌های مناسبی انتخاب کنید تا در طول مسیر، ضمن داشتن آمادگی سریع برای دور کردن آنها از خودتان، توجه کسی جلب نشود. اگر ماژیک به همراه دارید، محمل مناسب آن را نیز تعیین کنید و یا بنحوی در بدن خودتان مخفی نمائید. همچنین از قبل محل مورد نظر را نیز حداقل یک بار از نزدیک مورد بررسی قرار دهید و مسائل مختلف آن مانند دوری و نزدیکی به مراکز رژیم، دید داشتن، امکان خروج سریع و امثالهم را در نظر بگیرید. پس از تعیین مکان، بهترین زمان انجام عمل را مشخص کنید و آمادگی برخورد ناگهانی با افراد مختلف و دور شدن سریع از منطقه را کسب نمائید.

اگر چه شعار نویسی را به تنهایی می‌توان انجام داد ولی در برخی شرایط بهتر است که حداقل ۲ نفر در عمل شرکت کنند که یک نفر نقش مراقب را داشته باشد. یعنی در مدتی که فرد دیگر مشغول نوشتن است، نفر مراقب در فاصله‌ی دورتر، اوضاع و احوال را زیر نظر داشته باشد و با علامات رمز بنحوی که کسی متوجه نشود شرایط محیط را به نویسنده‌ی شعار اطلاع دهد تا



# گرامی باد خاطرۀ تابناک مجاهد کبیر رضائی

بقیه از صفحه ۶

افق پیروزی را تاریک و تلاش‌های ما را پوچ و بی‌مقدار جلوه دهد، امید ما را بیش از هر موقع دیگر برانگیخته است. درست است که ما لطافت زیادی را متحمل شدیم، برادران ارزنده‌ای را از دست دادیم، امکانات فراوانی از دست رفت، ولی هیچگاه این فداکاری‌ها هدر نرفت و خون همه‌ی برادران مجاهد، نهال انقلاب را بارور ساخت. امروز ما شاهد ورود رزمندگان استواری هستیم که فداکارانه دست از همه‌ی علایق خود کشیده و در راه پرافتخار مبارزه‌ی مسلحانه قدم گذاشته‌اند و به حقیقت، تفنگ هیچکس از آنها بر زمین نماند. جنبش امروز دیگر پا گرفته است و امید فراوان داریم که روز بروز مصمم‌تر و قوی‌تر پیش برود. اگر بنا باشد که در جهان، ستم پیروز شود، اگر بنا باشد که در جهان این همه شهامت و انسانیت پوچ باشد، پس باید فاتحه‌ی این جهان را خواند، ولی حرکت تاریخ درست عکس این مسئله را نشان می‌دهد. نشان می‌دهد که پیروزی در لفاف سختی‌ها و رنج‌ها و فداکاری‌ها و شهادت‌ها پیچیده شده است. ما هم از روز اول انتظار نداشتیم که دشمن در یک صبح روشن با دست خودش تسلیم شود و در مقابل اراده‌ی انقلابی خلق زانو بزند. ما زمانی انتظار

پیروزی داریم و شاهد آن خواهیم بود که همه‌ی سرزمین ما از خون پاکترین و فداکارترین فرزندان، سرخ و سیراب شود و البته تا آنروز راه زیادی داریم. فریاد رزم‌آوری انقلابیون، خروش مسلسل‌ها و هم‌چنین زوزه‌ی دردناک دشمن، همه نشانه‌ی اینست که "جنبش به جاده‌ی اصلی خودش افتاده است" و سرانجام پیروزی حتمی از آن ماست.

رضا بویژه بر این نکته تاکید می‌کند که دشمن از انجام هیچگونه اقدامی در جهت سرکوبی جنبش نوپای مسلحانه دریغ نکرده است و لذا نفس حضور انقلابیون و مجاهدین مسلح جان برکف در صحنه‌ی نبرد، خود گویای دوام و استواری جنبش و رد همه‌ی نظرات عافیت‌طلبانه و سازشکارانه است. او می‌نویسد:

"مدت زیادی نیست که از جنبش مسلحانه در وطن ما می‌گذرد و در همین مدت کم، جنبش آنقدر از خودش عمق و اصالت نشان داده است که لرزه بر اندام دشمن انداخته است و او را وادار ساخته است که به بهای گزاف، همه‌ی دستگاه‌های اهریمنی و پلیسی و ارتش مزدورش را برای سرکوب موج بنیان‌کن انقلاب بسیج کند..."

"هیچکس نمی‌تواند تردید کند که با توجه به اهمیتی که نابودی انقلابیون برای دشمن

داشت، دشمن از هیچ اقدامی خودداری نکرده است و آن چه که از دستش برمی‌آمده، بکار برده. بله، آنچه که از دستش برمی‌آمده... ولی چرا باز باقی هستیم؟ و آن هم نه تنها باقی هستیم بلکه قوی‌تر از پیش و مصمم‌تر از پیش و امیدوارتر از پیش. چرا؟ هر کس ذره‌ای می‌خواهد در درستی و پیروزی انقلاب مسلحانه‌ی مردم ما تردید کند، بهتر است به این چرا پاسخ دهد و خودش را از چنگ همه‌ی استدلال‌ها رها کند. این آدم نمی‌تواند بگوید چون ما در سوراخ خزیدیم، باقی ماندیم. چون ما نه تنها در سوراخ نخزیدیم، بلکه در اوج فعالیت باقی مانده‌ایم و این سخن مربوط به ۹ ماهه‌ی آخر همین امسال بوده است. ما درست سه ماه بعد از ضربه‌ی هولناک شهریور، عملیات خودمان را شروع کردیم و امروز چریک‌های زنده داریم. کسانی که در عملیات متعدد شرکت کرده و جسارت و مهارت بدست آورده‌اند و آماده‌ی هر گاری هستند..."

و در نامه‌ی دیگر رضا می‌نویسد:

"... امروز دیگر امید ما به پیروزی، امیدی موهوم و دروغ نیست. درست خلاف آنچه که عافیت‌طلبان تصور می‌کنند، دشمن با تمام وحشی-گری‌هایش و جنایاتی که در این مدت مرتکب شده، نه قدرتش را،

شعری از مجاهد کبیر رضائی

## غم ما

غم ما غم نیست،  
غم ما بار غم‌هاست.  
بار غم،  
بار هزاران رخ‌بی‌رنگ به رخسار  
بار صد چشم به در دوخته  
بار امید هزاران  
شب تاریک و بدون سحراست  
سخن از آتش باید گفت  
رنگ رخسار به آتش سرخ است.  
غم و غمبار به آتش زیباست!  
من نمی‌اندیشم،  
جز به فردای شب تاریک،  
من نمی‌اندیشم،  
جز به رنگ مس و یاروت  
من نمی‌اندیشم،  
جز به میدان نبرد  
سخن از ماندن و ماندن‌ها نیست  
سخن از رفتن هم نیست  
سخن اینست که خاکستر تو،  
تخم رزم‌آور دیگر باشد.  
سخن از سوختن است.  
سخن از ماندن و ماندن‌ها نیست  
سخن از تاثیر است  
سخن از شاهد‌هاست  
همین.

بلکه ضعف و زبونیش را نشان داده است. رفقای مجاهد ما همچون شیر غران بردشمن یورش می‌برند..."

"... امروز به مدد حمایتی که از جانب مردم از ما می‌شود، به مدد تجارب دوساله‌ی خودمان و... تلاش و حرکت خستگی‌ناپذیر برادران مجاهد، این نمونه‌های سرسختی و دلیری، گذرگاه پیروزی را می‌شکافیم و به پیش می‌رویم..."

و چنین بود که به همت و فداکاری پیشاتازان دلیری چون مجاهد کبیر رضائی، جنبش انقلابی مسلحانه، حرکت پرشور خود را قوام بخشید و شیوه‌ی انقلابی و اصولی رویارویی با رژیم وابسته‌ی شاه، فرا راه جوانان مبارز میهن‌مان قرار گرفت. از آن به بعد، همچنانکه رضا خود پیش‌بینی کرده بود، هر روز جوانان پاکباخته‌ی بیشتری به ندای پیشاتازان انقلابی خود پاسخ مثبت دادند

و جان بر کف، قدم به میدان نبرد مسلحانه نهادند. قطره‌قطره خون آنان بذر آگاهی را در کشتزار مستعد توده‌ها افشاند و هر ضربه‌ی پیشاتاز، طلسم شکست-ناپذیری رژیم را در اذهان وسیعی از مردم مورد تردید قرار داد. و چنین بود که زمینه‌ی قیامی پرشکوه و یکپارچه فراهم گشت. قیامی که در نقطه‌ی اوج خود، طومار رژیم ننگین پهلوی را درهم پیچید. اینک در تداوم راه خونبار مجاهدین، شاهد جانفشانی‌ها و حماسه‌آفرینی‌های نسل پرخروشی هستیم که به حق، آزمایش وفاداری به مکتب و انقلاب و خلق و ایستادگی در برابر دشمنان خلق را در دوران انقلاب کبیر خلقتان بیش از پیش با شایستگی از سر گذرانده و می‌رود تا با نابودی رژیم ضدبشری خمینی، پرچم آزادی و رهایی را در سراسر میهن‌مان به اهتزاز درآورد ★

## آموزش ویژه‌ی هسته‌های مقاومت مسلحانه (۱۲)

### دربارۀ تبلیغات مقاومت و شیوه‌های اجرائی آن

و برای حل نقاط ضعف عمل، راه حل‌های مشخص و مناسبی در نظر بگیرید، نحوه‌ی انجام عمل نیز ارتقاء پیدا می‌کند و بطور کلی کیفیت و راندمان عمل شما بالا می‌رود.

یکی دیگر از شیوه‌های شعارنویسی که از سرعت قابل ملاحظه‌ای نیز برخوردار است استفاده از کاغذهای "اتوکلون" می‌باشد. این کاغذها که بعضاً به آنها کاغذهای "برجسب" نیز گفته می‌شود - و عمدتاً برای کارهای تبلیغاتی تجاری مورد استفاده واقع می‌گردد - دولایه هستند، که با جدا کردن برگه‌ی

در صورت لزوم، کار به موقع متوقف شده و بتوانید سریع از منطقه دور شوید. در ضمن مناطقی را انتخاب کنید که در آنجا شناخته شده نباشید و آشنا و فامیل نداشته باشید تا در هنگام برخورد با افراد رهگذر، مورد شناسائی واقع نشوید.

با در نظر گرفتن مسائل فوق‌الذکر مسلماً پس از چند بار شعارنویسی توانائی شما در این زمینه افزایش پیدا می‌کند. بخصوص اگر پس از هر بار شعارنویسی دو نفره به بررسی نقاط قوت و ضعف عمل بپردازید

کوتاهی پر از "برجسب"‌های حاوی شعار نمود. استفاده از این کاغذها به دلیل سرعت و تمیزی کار و همچنین جلب توجهی که می‌کند، راندمان و تاثیر خوبی دارد.

✽ سوال ۱۰۴ - در انجام کارهای تبلیغاتی ابتکاری، چه مسائلی را باید رعایت کرد؟

جواب: شیوه‌های ابتکاری کار تبلیغاتی، هیچ محدودیتی ندارد و هر کس می‌تواند با در نظر گرفتن شرایط و ویژگی‌های محیط اطرافش نمونه‌هایی از اینگونه عملیات را مشخص کرده و اجرا نماید. بعنوان مثال به برخی از ابتکارات هسته‌های مقاومت اشاره می‌کنیم:

- اعضای چندین هسته‌ی مقاومت از طریق تلفن عمومی مطالب رادیو مجاهد را برای دیگران می‌خواندند.

- اعضای یک هسته‌ی مقاومت، تخم‌مرغ را با سرنگ پر از رنگ کرده و به عکس‌های

خمینی در نقاط مختلف شهر پرتاب می‌نمودند بطوریکه مزدوران رژیم مجبور به کندن عکس می‌شدند.

- اعضای یک هسته‌ی مقاومت در هنگام تعطیلی یک مدرسه، مخفیانه وارد مدرسه شده و تمام در و دیوار کلاس‌ها را پر از شعار می‌کنند و عکس‌های خمینی را نیز از بین می‌برند.

همانطور که از دو نمونه‌ی اخیر مشخص است، انجام برخی از تبلیغات ابتکاری مقداری پیچیده‌است و بایستی با بررسی و طراحی مکفی اقدام به اجرای عمل نمود. هر قدر که پیچیدگی عمل بیشتر باشد و در غلظت نظامی بالاتری نیز انجام شود، نیازمند طراحی پیچیده‌تر و دقت و هوشیاری بیشتری است. طبعاً با انجام اینگونه تبلیغات ابتکاری می‌توان صلاحیت‌های لازم را برای ورد به مراحل پیچیده‌تر نظامی سریع‌تر کسب کرد



## سروده‌های مقاومت

### دو شعر رسیده از شکنجه‌گاه‌های خمینی دژخیم

توضیح: در میان اشعاری که برای درج در صفحه‌ی "سروده‌های مقاومت" به دستمان رسیده دو شعر نیز که بوسیله‌ی یک مجاهد خلق در یکی از زندان‌های قرون وسطائی رژیم پلیس خمینی سروده شده به چشم می‌خورد که آنرا در همین صفحه ملاحظه می‌کنید. یادآوری یک نکته بازم ضروریست و آن استواری و ایمان زنده و اراده و عزم نسل قهرمانی است که در هنگامی خونین‌ترین نبردها هرگز گامی واپس نمی‌نهد و در اعماق شکنجه‌گاهها و پهنه‌ی میدان‌های نبرد و تیرباران و تا آن هنگام که آخرین نفس را برمی‌آورد جز سرود امید و مقاومت سر نمی‌دهد. نسل قهرمانی که با تکتک واژه‌های سرود، با قطره‌قطره‌ی خون پاک و با دانه‌دانه‌ی گلوله‌های دشمن سوز خویش نوید مرگ دجال ضدبشر و فردای آزاد ایران و زندگانی شایسته‌ی خلق در زنجیر خود را می‌سراید.

### در مرز نور و شب

اینجا در مرز نور و شب طلوع فتح و نبض شقایق در لحظه‌های عبور می‌تپد.	اینجا در شهرها و جنگل‌ها
و نخلستان‌های دور. - آی خفاشان گور گویر تشنه نیست در مرز نور و شب در شط سرخ خون آری گویر تشنه نیست.	

### از دار و تازیانه و رگبار

زندانیان عشق چو شب را سحر کنند  
شور و نوای بلبل شوریده، سر کنند  
چون سر به خاک محبس خونین خود نهند  
یکباره سر ز گنجره‌ی عرش برگردند  
با آن شکسته‌بال و پرخونفشان خویش  
تا مرزهای نور و رهائی سفر کنند  
آنان که از حدیث وفایند بی‌خبر  
می‌گو به داستان مجاهد نظر کنند  
آن گاشان گنج حقیقت که بی‌هراس  
تا ژرفنای هایل دریا گذر کنند  
از دار و تازیانه و رگبار بگذرند  
تا کاخ ظلم شهنه، زیر و زیر کنند

### بازوی انقلاب، ستاره میلیشیا

در حجم شام این فصل در هیئت صداقت گندم هنگام که،	"بازوی انقلاب، سلامت باد!" آنگاه، ایر چشمان ستاره، گریست و مسلخ سرخ آزادی یکباره بوی شگفتن داد. (م. ش)
- ستاره‌ی "میلیشیا" آن تبلور چکیده‌ی عشق بوسه بر چکاد صبح می‌نهاد بانگ برآوردیم نه یکبار، نه دوبار نه صدبار، بل	

## در پشت جوخه‌های آتش اعدام زنده است

از: محمدقرائی

گوئی که هیبت افعی، یکباره ریخت  
پرواز عاشقانه‌ی پروانه در نسیم  
افکند در دلش! غوغای یک جهش!  
سودای اوج‌های رهائی  
در بال خویش نظر کرد  
در چشم خیره‌ی افعی در قاب خوفناک و گریه‌ش  
گوئی طلسم خوف شکسته است  
ناگه پرنده بال گشود!  
بر ساق‌های جوان، خم شد  
جهید! پرواز کرد

یک لحظه بیش نبود!  
و مار برجای خویش، درمانده، خشمگین

\* \*

- ای خلق، تو آن پرنده‌ی مسحوری  
پروانه! - پیشتاز  
دژخیم، تنها در قاب خوفناک چهره‌ی منحوس  
در پشت جوخه‌های آتش اعدام، زنده است  
- ای خلق  
ای پرنده‌ی عاشق، یک گام بیش نمانده‌ست  
با بال‌های پهن و جوانت، به پهنه‌ی ایران  
پرواز کن

چونان که خیزش دیروزت  
اجداد اژدهای گنون را  
بر جا نهاد

درمانده... خشمگین !!

۶/ فروردین ۶۲

بر شاخسار خشک درختی نشسته مات  
مسحور و مات. چنبر وحشت‌فزای مار  
درمانده در کشاکش تصمیم  
در بال خویش نظر کرد  
"ای گاش اگر بتوانم  
پر، واکنم رها شوم از دام"  
لیکن، دو چشم خیره‌ی افعی  
در قاب خوفناک چهره‌ی منحوس  
در می‌ربود قدرت پرواز را  
گوئی که بال‌ها، پرواز را از یاد برده‌اند  
گوئی که ساق‌های جوان را  
توان جهش نیست  
گوئی که پنجه‌ها به شاخ،  
خشکیده‌اند

هر گاه شور پریدن  
در قلب کوچکش، می‌گاشت بذر امیدی  
باری نگاه و چنبر افعی  
می‌برد از سرش، سودای بال گشودن را  
\* \*  
ناگاه،

همراه با نسیم

پروانه‌ای جسور جهید  
بی‌اعتنا به هیبت افعی

رقصان و عاشق و بی‌بیم  
زیر نگاه خیره‌ی افعی

چرخید و اوج گرفت  
گوئی طلسم خوف شکست

سروده‌ی مجاهد شهید احمد کلاهدوز

## لحظه‌های سرخ تاریخ

مدفون ساخت * * * در پهنای آسمان خونگرفته‌ی نبرد و بر اجساد پاره‌پاره‌ی طلایه‌داران نستوه دانه‌ی امید خلق شکفت ساقه‌ی قیام و مقاومت در غلظت خشم رسولان آزادی و در غرش مسلسل‌های آکنده از باروت کین آنان استوار گشت	لحظه‌های سرخ تولدی نوین در شریان پرتلاطم تاریخ زمان را تفسیر می‌کند لحظه‌هایی که برتر از "هزارماه" تمامی تاریخ را در خونابه‌ی خلقی قهرمان تصویر کرده است سیلاب خون مجاهدان سال‌ها فاصله را در "لیلۃ‌القدر" انقلاب درنوردید ستارگان فروزان و ظلمت‌سوز خلق بر چهره‌ی سیاه شب چنان نور خون پاشیدند که خیره و هراسناک رنگ باخت و شب‌پرستان، بیگانگان روشنائی و خورشید را در تاریک گورهایشان
تجربه می‌کند.	

۶۰/۱۰/۱۰



## اعتصاب و درگیری در کارخانه بافت ناز اصفهان

\* کارگران خشمگین در حالیکه بر علیه رژیم خمینی و مزدوران اش شعار می دادند، مدیر سرسپرده‌ی کارخانه را که در انبار مخفی شده بود از کارخانه بیرون کردند

از کارخانه بیرون کردند

در تاریخ ۱۰/فروردین/۶۲، در کارخانه‌ی بافت ناز اصفهان که از تولیدکنندگان مهم پارچه در سطح کشور می‌باشد و حدود ۳۰۰۰ نفر کارگر دارد، مدیر سرسپرده‌ی کارخانه (دانائی) مزدور) با صدور اطلاعیه‌ای اعلام می‌کند که از این تاریخ برخلاف روال گذشته، روزهای پنج‌شنبه فقط یک هفته در میان تعطیل می‌باشد. براساس این اطلاعیه کارگران شیفت شب که حدود ۲۰۰۰ نفر هستند می‌بایست یک هفته در میان شب‌ها به کارشان ادامه می‌دادند و از تعطیلی محروم می‌شدند، آن هم بدون اینکه به حقوق آن‌ها چیزی افزوده شود.

اما کارگران کارخانه در اعتراض به این تصمیم خودسرانه و سایر اقدامات ضد کارگری "دانائی" مدیر سرسپرده‌ی کارخانه، ضمن پاره کردن و کندن این اطلاعیه از دیوارها، بطور یکپارچه دست به اعتصاب می‌زنند.

لازم به توضیح است که در گذشته نیز "دانائی" مزدور که از عوامل انجمن ضداسلامی نیز هست، اقدامات متعددی بر علیه کارگران انجام داده بود و منجمله از پرداخت حق بهرهوری آنها خودداری کرده و همچنین حقوق کارگرانی را که قبلاً بخاطر فشار شدید اقتصادی و نیازهای روزانه، هر ۱۵ روز یکبار پرداخت می‌شد، به پرداخت ماهیانه تبدیل کرده بود، که طبعاً با توجه به درآمد کم کارگران فشار مضاعفی را به

آنها وارد می‌ساخت. با توجه به سوابق ضد کارگری "دانائی"، کارگران اعتصابی که همگی در حیاط کارخانه جمع شده بودند، بر علیه وی شعار می‌دهند و خواستار اخراج او از کارخانه می‌شوند. مزدوران انجمن ضداسلامی کارخانه با کمک خواستن از بسیج و سپاه ضدخلقی سعی می‌کنند به مقابله با کارگران برخیزند، اما علیرغم حضور تعدادی از پاسداران مزدور در کارخانه، بخاطر ترس از عکس‌العمل‌های کارگران، جرات هیچگونه اقدامی بر علیه کارگران را پیدا نمی‌کنند. و فقط از کارگران می‌خواهند که: "بخاطر اینکه صدا به بیرون از کارخانه می‌رود شعار ندهند و به داخل کارخانه بیایند تا مدیر کارخانه برایشان صحبت کند!!" اما کارگران ضمن بلندتر کردن فریادهای خود همچنان به دادن شعار می‌پردازند و در پاسخ مزدوران انجمن ضد اسلامی می‌گویند: "ما می‌خواهیم صدایمان به بیرون کارخانه برسد."

بالاخره پس از چند ساعت تظاهرات و شعار دادن، کارگران خشمگین، به داخل کارخانه رفته و "دانائی" را که از ترس در پشت بسته‌های پارچه در انبار مخفی شده بود، با خفت و خواری از کارخانه بیرون می‌کنند و خود به سرکارهایشان بازمی‌گردند.

چند روز بعد از این جریان در تاریخ ۱۴/۱/۶۲ مدیر

اخراجی کارخانه همراه با تعدادی پاسدار و چند تن از ایادی رژیم منجمله نماینده‌ی وزارت کار و معاون استانداری اصفهان "نیلی‌پور" به کارخانه بازمی‌گردد، اما کارگران دوباره دست از کار می‌کشند و به شعار دادن می‌پردازند و بار دیگر "دانائی" مزدور را از کارخانه اخراج می‌نمایند.

جالب توجه است که ایادی مزدور رژیم، برای تثبیت این اقدام ضد کارگری "دانائی"، علیرغم اخراج خود او، برنامه‌ی حرکت اتوبوس‌های شرکت واحد، ویژه‌ی تردد کارگران را هم تغییر می‌دهند، تا کارگران روزهای پنج‌شنبه که اعلام شده بود یک هفته در میان تعطیل است، طبق برنامه‌ی جدید سرکار بروند. اما کارگران به همان ترتیب گذشته با استفاده از وانت‌بار و دوچرخه و حتی پیاده همگی طبق روال سابق اقدام به ورود و خروج می‌کنند و تلاش مزدوران سرکوبگر رژیم نیز به نتیجه نمی‌رسد.

عوامل سرکوبگر رژیم خمینی برای خاموش کردن اعتراضات کارگران تعدادی از آنها را دستگیر کرده و به مدت یک هفته در بازداشت نگه می‌دارند، ولی در اثر شدت اعتراضات کارگران به ناچار آن‌ها را آزاد می‌کنند. کارگران نیز که از اعتراضات خود نتیجه‌گرفته و موفق به اخراج مدیر سرسپرده‌ی کارخانه شده بودند، بسر کارهای خود باز می‌گردند.

\*\*\*

## اعتراض و درگیری

### کارگران فولاد شهر اصفهان

\* رژیم ضد کارگری خمینی بیش از ۱۳۰۰ نفر

از کارگران شرکت ساختمانی فولاد شهر را

با تعطیل کردن این شرکت اخراج کرده است.

شرکت ساختمانی فولاد شهر مجری پروژه‌ی شهرک فولادشهر اصفهان است که محل سکونت کارکنان ذوب‌آهن می‌باشد. طی یکسال ونیم گذشته مدیر و دیگر مسئولان سرسپرده‌ی این شرکت به دستور مقامات بالاتر رژیم ضد کارگری خمینی، با تعطیل کردن شرکت به بیکار کردن و اخراج کارگران آن اقدام کرده‌اند و تاکنون در مجموع بیش از ۱۳۰۰ نفر از کارگران شرکت که بسیاری از آنها نیز بین ۱۰ تا ۱۵ سال سابقه‌ی کار و چندین نفر عائله دارند، بدون اینکه هیچگونه پولی به عنوان سابقه‌ی کار و یا باز خرید و ... دریافت کنند اخراج و بیکار شده‌اند. و بدینگونه رژیم خمینی کارگران مزبور را به همراه عائله و خانواده‌هایشان در شرایط بسیار بد اقتصادی و در وضعی که توان و کارآئی سابق خود را نیز از دست داده‌اند، بیکار و سرگردان نموده است.

از سوی دیگر اقدامات ضد کارگری رژیم خمینی و بویژه اینگونه اخراج‌ها، از همان ابتدا با عکس‌العمل و اعتراض وسیع کارگران مواجه گردید و چندین بار نیز به درگیری بین کارگران از یکسو و مزدوران و پاسداران ضدخلقی از سوی دیگر منجر شد، در مهرماه سال

۶۱ یکبار کارگرانی که به عنوان اعتراض در فولادشهر تجمع کرده بودند، خواستار صحبت با مدیرعامل شرکت (محمدکریم عرب‌زاده) و پاسخگویی وی در رابطه با وضع خودشان می‌شوند، مدیر عامل مزدور شرکت بدون پاسخگویی به درخواست آنان به همراه سرپرست واحد ساختمانی (محمدرسلول تگریان) که هر دو اعضای انجمن ضداسلامی و از عوامل اصلی سرکوب کارگران می‌باشند، سعی می‌کنند با فرار از دست کارگران از شرکت خارج شوند، اما کارگران خشمگین پس از واژگون کردن اتومبیل آن‌ها کتک مفصلی هم به این دو مزدور می‌زنند بطوریکه تا چند ماه جرات بازگشت به فولادشهر را نداشته‌اند.

در همین رابطه با بالا گرفتن درگیری‌های کارگران با مسئولین و مزدوران خمینی در فولاد شهر اصفهان تاکنون هیئت‌های فرمایشی بازرسی و ... از طرف مقامات و ارگان‌های گوناگون رژیم در اصفهان و تهران برای بررسی موضوع به فولادشهر رفته‌اند و علیرغم دیدن وضع اسفبار کارگران، جز حمایت از دیگر مسئولان سرسپرده و مزدوران خمینی در شرکت، کاری نکرده‌اند. کارگران خشمگین نیز با مشاهده‌ی چنین وضعی، اوایل اردیبهشت ماه گذشته با حمله و هجوم به محل کار مدیریت و دیگر مسئولان سرسپرده شرکت آنها را مضروب و مجروح کرده و از شرکت اخراج می‌نمایند.

بدنبال این حادثه مزدوران رژیم تعدادی از کارگران را به مدت یک هفته دستگیر و زندانی می‌کنند، اما همچنان اعتراضات کارگرانی که هر روز در محل کار شرکت جمع می‌شوند، ادامه پیدا می‌کند.

□ □ □

## اعتراض کارمندان اداره علوم انسانی سازمان آمار

خودداری می‌کند. از سوی دیگر در مقابل با اعتراض کارمندان این اداره عوامل مزدور رژیم خمینی در تاریخ ۶۲/۳/۲ زده و علاوه بر هزار نفری که اخراج کرده بودند، بیش از ۷۰ نفر از بانوان کارمند را نیز اخراج

خواهند کشید. لازم به توضیح است که کارمندان این اداره در گذشته ۱۲۰۰ نفر بوده‌اند، اما رژیم خمینی تا اسفندماه گذشته بیش از هزار نفر آنها را (تحت این عنوان که کارمند دائمی نبوده‌اند) اخراج می‌نماید، و ضمناً از پرداخت حقوق کارمندان باقیمانده نیز

در تاریخ ۲۰/اردیبهشت/۶۲ کارمندان اداره‌ی علوم انسانی سازمان آمار در اعتراض به رژیم خمینی و به دلیل عدم پرداخت حقوقشان با تجمع در محل کار مدیر مزدور این اداره (شاه‌طاهری) دست به اعتراض می‌زنند و اعلام می‌کنند که اگر حقوق آنان تا ۳ روز دیگر پرداخت نشود دست از کار

می‌کنند، ضمناً کماکان از پرداخت حقوق عقب‌افتاده‌ی کارمندان خودداری نموده و به منظور جلوگیری از اعتراض آنان، از ورود کارمندان اخراجی جلوگیری کرده و بقیه‌ی کارمندان را نیز تهدید به اخراج نموده‌اند.

□ □ □



## به تاراج دادن نفت . . .

بقیه/صفحه‌ی آخر—  
ادامه‌ی جنگ توسعه طلبانه‌اش و نیز برای هزینه‌های هنگفت سرکوب داخلی، نیاز مبرم به ارز داشته و ناگزیر آن را از طریق حراج ارزان قیمت نفت (بویژه در این شرایط آورده و چرخ لنگان حکومت منزلس را "روز بروز" می‌چرخاند. مضافاً بر اینکه هم بدلیل سیاست‌های خائنانه رژیم خمینی در پائین آوردن نرخ رسمی اوپک و هم فروش بسیار ارزان تر نفت توسط این رژیم، این چهره‌ی خائنانه و وطن‌فروشانه‌ی ارتجاع برای بسیاری از مردم میهنمان و همچنین افکار بین‌المللی آشکار شده و باعث رسوائی رژیم خمینی گردیده است. بویژه اینکه تازگیها، پائین آوردن مجدد نرخ رسمی اوپک توسط جمله‌نشریه‌ی "لندن اوپل ریپورتر" گزارش داده است که رژیم خمینی نفت را مخفیانه به قیمت هر بشکه ۲۵/۵ دلار و در مواردی کمتر از آن به فروش می‌رساند. متقابلاً سردمداران رژیم نیز صرفنظر از چندین بار انکار و تکذیب این واقعیات و پس از اینکه مدتی در تبلیغات رسمی، ریاکارانه خود را مخالف کاهش قیمت نفت جلوه می‌دادند اخیراً دست به توجیه و تفسیرهای ابلهانه‌ای در رابطه با این سیاست خائنانه‌ی رژیم (ارزان فروختن نفت) زده‌اند. \* منجمله اخیراً بانکی وزیر مشاور و رئیس سازمان برنامه و بودجه‌ی رژیم خمینی، بدنبال یکی از مسافرت‌هایش به خارج از کشور، جهت دلالتی برای یافتن مشتری‌های جدید نفت، طی مصاحبه‌ای درباره‌ی این مسافرت در پاسخ به این سوال که "اثرات تغییر قیمت نفت در داخل و خارج" چگونه است؟ ابتدا با اعتراف به سود سرشار خریداران نفت ارزان رژیم و تأثیر آن در بهبود وضعیت اقتصادی آنها، چنین می‌گوید: "... در رابطه با تولید کالاها صنعتی، مسلماً قیمت انرژی برای آنها ارزان تر تمام می‌شود و تولیدات افزایش می‌یابد و کالاها ارزان تر عرضه می‌شود و در نتیجه ارزش افزوده‌ی بخش صنعتی و میزان مبادلات آنها بیشتر خواهد شد..." بانکی خائن سپس علیرغم این اعتراف دست به توجیه و تحلیل ابلهانه و عوامفریبانه‌ی زده و می‌گوید: "... کاهش قیمت نفت به غیر اقتصادی شدن استفاده از منابع انرژی جانشین نفت مانند ذغال سنگ و انرژی هسته‌ای و

## رمضان، یادآور کمال و ارتقاء خداگونه انسانی

شهر رمضان الذی انزل فیه القرآن هدی للناس و بیّنات من الهدی و الفرقان (۱۸۵ بقره)  
(ماه رمضان، ماهی است که در آن فرو فرستاده شده است قرآن بمشابه هدایتی برای مردم، و روشنگر و بیان‌کننده و تمیزدهنده‌ی حق و باطل ...)  
ماه رمضان و روزه، ماه خروج از اجبارت و کشش‌های غریزی و خودبخودی به منظور تطبیق با آینده‌ی وجودشناسنه‌ی متعالی انسان، فرا می‌رسد.  
روزی ماه رمضان بعنوان یکی از مهمترین شعائر اسلامی که در جوهر خود ارزش‌های محتوایی ایدئولوژی ما را به زبان خاص سمبلیک بیان می‌کند، یادآور کمال و ارتقاء خداگونه‌ی انسانی است. رشد و کمالی که مستلزم غلبه بر آثار و مشترکات حیوانی در وجود او می‌باشد.  
چنانکه می‌دانیم در فرهنگ توحیدی، هر انسانی، خدا گونه‌ایست بالقوه، که نهایتاً با تعالی یافتن و پیوستن به خدا بصورت بالفعل نیز خداگونه‌ی خود را محقق می‌کند. ولی از سوئی دیگر، نسل انسانی که منشعب از اجداد حیوانیست، هرگز با دنیای بهیمی به طور مطلق قطع رابطه ننموده است. به نحوی که انسان، ذاتاً دارای یک مخرج مشترک مادی با حیوانات است. بنابراین خروج آگاهانه از اجبارت و کشش‌های غریزی خود به خودی که ریشه در همین مشترکات حیوانی دارد، مقدمه‌ی هر نوع تعالی نوع انسان و تحقق خداگونه‌ی اوست. با توضیحات فوق، می‌توان فهمید که ترک موقت نان و آب و ... در ایام روزه، تداعی‌کننده

و تذکار آن استعداد و ظرفیت متعالی ویژه‌ی انسانی است که به او امکان می‌دهد به طور آگاهانه اشتراکات و مشابهت‌های خود را با جهان حیوانی تحت‌نظر و هدایت خصایص تکاملی ویژه‌ی خویش قرار داده و عنداللزوم آنها را در چارچوب یک زندگی انقلابی در مسیر خدا و خلق "فدا" نماید. این همان مفهوم رهائی‌بخش و انسان‌ساز "تقوا" در فرهنگ اصیل توحیدی است که فلسفه و هدف نهائی روزه گرفتن را تشکیل می‌دهد.  
بنابراین در مسیر نفی هستی حیوانی و گذار به یک‌هستی متعالی نوع دیگر، روزه شاهد و مثالی است از آنچه انسان در متن حیات و مبارزه‌ی اجتماعی خود به جانب آن در حرکت است. یعنی یک ممارست از پیش برای حصول آمادگی هر چه بیشتر و سریع‌تر در نیل به سرنوشت شگوه‌مند انسان. تمرینی که یک ماه واجب محسوب شد تا انسان از این طریق با خروج آگاهانه از دنیای حیوانی، رهسپار تطبیق با آینده‌ی شورانگیز ذاتی خود، یعنی همان هستی متعالی خداگونه‌ی انسانی گردد. به این ترتیب مرزهای تضاد آشتی‌ناپذیر میان یک ادراک اصیل توحیدی از روزه و ماه رمضان با تلقی‌های شرک‌آلود و ارتجاعی که در فرهنگ خمینی گرایانه بمشابهی سمبل فرهنگ مرتجعین دین‌فروش بشدت رایج است، مشخص می‌شود. در قاموس مرتجعین ضدخلق کلمات و واژه‌هایی همچون نماز و روزه و تقوا کاملاً از محتوای خود تهی شده و به دکانی برای عوامفریبی مثنی ارادل جنایتکار و در راس همه‌ی آنها خمینی جلاد که دین پاک

خدا را ملعبه‌ی هوا و هوس‌های قدرت‌پرستانه‌ی خود کرده، بدل گردیده است. همان خائن دین‌فروشی که از یکسو روزه گرفتن را در ذهن مردم با تحمیل و اجبار و شلاق مترادف می‌کند و از سوی دیگر برای آنکه زندان‌ها همچنان بتوانند بی‌وقفه شکنجه کنند و از راندمان جنایات و قساوت‌هایشان چیزی کاسته نشود، با درست کردن انواع "کلاه شرعی"! فتوا صادر می‌کند که آنان از روزه گرفتن معاف‌اند. آری! دجال خیانت‌پیشه اینچنین دین پاک خدا و کلمات و شعائر توحیدی را بصورت بازیچه و ابزاری برای حفظ حکومت جنایتبار خود درآورده است.  
"فما نقضهم میثاقهم لعناهم وجعلنا قلوبهم قاسیة یحرفون الکلم عن مواضعه و نسوا حظاً مما ذکروا به و لا تزال تطلع علی خائنة منهم الا قليلاً منهم" (۱۳ مائده)

(... پس بواسطه‌ی شکستن میثاقشان لعنت (نفی و منفور) شان کردیم و قلب‌های آنها را سنگین و گرانبار گرداندیم. چرا که کلمات را از مکان شایسته‌ی خود جابجا و تحریف می‌کردند و فراموش کردند بخشی از آنچه را که بدان یادآوری و تذکر داده شده بودند و پیوسته که بر خیانتی از ایشان آگاه نشوی مگر اندکی ...)  
ما ضمن تبریک و تهنیت به عموم هم‌میهنان به مناسبت حلول ماه مبارک رمضان، موفقیت‌های بازهم بیشتری را برای خلق و انقلابمان در مسیر نیل به سرنوشت شورانگیز و پیروزمند خود، آرزو می‌کنیم.

سیاست‌های آینده‌ی جمهوری اسلامی در جریان برنامه‌ریزی، دولت به نقش صادرات غیرنفتی توجه زیادی کرده و مسئولین وزارت‌خانه‌های صنایع و کشاورزی برای افزایش صادرات، برنامه‌های مشخصی را تدوین کرده‌اند... (اطلاعات ۶۲/۲/۱۲)  
در حالی که باتوجه به نابودی بخش مهمی از صنایع و کارخانجات در رژیم خمینی، بسیاری از محصولات کشاورزی از مواد غذایی تا میوه‌جات و ... را نیز بوسیله‌ی ارز حاصله از نفت، از خارج وارد می‌کند (و حتی برای تولیدات کشاورزی داخلی هم که کفاف نیازهای مردم ما را نمی‌دهد، کود و سایر ملزومات آنها از خارج تهیه می‌کند) صحبت عوامفریبانه از "صادرات صنعتی و کشاورزی" شوخی مسخره‌ای بیشتر نمی‌باشد. وانگهی خود ایادی رژیم بارها اعلام کرده‌اند که همین بودجه‌ی سال ۶۲ رژیم بیش از ۹۵٪ به نفت متکی است، به یک نمونه در این رابطه توجه نمایید:  
مذاکرات مجلس  
پس از قرائت تذکرات نمایندگان به مسئولین اجرائی مجلس وارد دستور شد و بحث پیرامون کلیات لایحه بودجه سال ۶۲ کشور با مخالفت مجید انصاری ادامه یافت. وی ابتدا گفت:  
دشمنان دست ما را خوانده‌اند و فهمیده‌اند که بودجه ما ۹۵ درصد متکی به نفت است و از این راه است که

در حال توطئه و ایجاد مشکل برای فروش نفت ما هستند. ممکن است برادرها روی رقم‌های مالیات‌ها تکیه کنند ولی باید واقعیت‌ها را از صورت سازه‌ها جدا کنیم و توجه داشته باشیم ارقامی که در بودجه داریم یا از نفت تأمین می‌شود و یا غیرمستقیم و مستقیم از سیستم بانکی یعنی با توزیع اسکناس بیشتر به بازار متورم تأمین می‌شود. (اطلاعات ۱۹ اسفند ۶۱)

پاورقی:  
\* لازم به یادآوری است که غرضی وزیر نفت خمینی، همیشه عدم موفقیت‌ها و شکست‌های اوپک را پیروزی رژیم خمینی قلمداد کرده است.



# پیام برادر مجاهد مسعود رجوی مسئول شورای ملی مقاومت بمناسبت شب مقاومت کردستان ایران

## اطلاعیه مسئول شورای ملی مقاومت

### درباره اعدام

### ۵۹ نفر از مردم شهر مقاوم مهاباد

رادیو تلویزیون سراسری ایران خودداری ورزیده است.

اعدام دستجمعی ۵۹ تن از مردم شهر مهاباد، باردیگر، طینت ضدانسانی و تروریستی رژیم خمینی را به اثبات می‌رساند و بوضوح نشان می‌دهد این رژیم بی‌ثبات و متزلزل، در برابر مقاومت عادلانه‌ی مردم ایران، جز با توسل به قساوت بی‌حدوحصر و شکنجه و اعدام پی‌درپی و جنگ‌افروزی و بحران، قادر به ادامه‌ی حیات خود نیست.

شورای ملی مقاومت ضمن محکوم نمودن این جنایت وحشیانه و ضدانسانی رژیم خمینی؛ باردیگر از همه‌ی سازمان‌ها و شخصیت‌های جهانی مدافع حقوق بشر، برای متوقف نمودن اعدام‌های دستجمعی که بطور روزمره در نقاط مختلف ایران تکرار می‌شود، استمداد می‌نماید.

مسعود رجوی  
مسئول شورای ملی مقاومت  
۱۷ خرداد ۱۳۶۲

رونوشت به همراه لیست کامل اسامی اعدام‌شدگان به: دفتر دبیرکل سازمان ملل متحد صلیب سرخ جهانی عفو بین‌الملل

رژیم ضد مردمی خمینی در سحرگاه روز ۱۳ خرداد، به جنایت وحشیانه‌ی تازه‌ای دست زد و ۵۹ تن از مردم مهاباد را اعدام کرد. در این رابطه از سوی دادسرای ضدانقلابی شهر مهاباد اطلاعیه‌ای صادر گردید که از تلویزیون محلی مهاباد پخش شد. در این اطلاعیه ضمن ذکر اسامی اعدام‌شدگان، اتهام آنان وابستگی به حزب دمکرات کردستان ایران و گومله، اعلام گردیده است. تاکنون رژیم خمینی (علیرغم انتشار رسمی خبر در سطح محلی) از اعلام آن در

ایران، در ایران زنده و جوشان و خروشان، مرگ رژیم خمینی و مرگ هر گونه استبداد و استعمار و ستم ملی و طبقاتی را نیز تسریع خواهد نمود.

مرگ بر خمینی  
زنده‌باد آزادی و استقلال و  
تمامیت ایران و خودمختاری کردستان  
استوار باد پیوند مقاومت منطقه‌ای  
و مقاومت سراسری در چارچوب  
شورای ملی مقاومت  
سلام بر مردم ستمزده‌ی کردستان  
سلام بر پیشمرگان قهرمان  
مسئول شورای ملی مقاومت  
مسعود رجوی  
۳/ خرداد ماه / ۱۳۶۲

خمینی در سراسر ایران و بویژه به قتل عام‌ها و جنایات وحشیانه‌ی این رژیم در کردستان ایران، جلب نموده و بنام شورای ملی مقاومت که تنها آلترناتیو دمکراتیک و مردمی برای ایران آزاد و مستقل است، درخواست می‌کنم که با محکوم کردن جنایات ضدانسانی خمینی و تلاش برای متوقف ساختن آنها؛ مقاومت عادلانه‌ی سراسری و بویژه مقاومت مردم محروم کردستان را در مسیر برپائی یک ایران آزاد و صلح‌جو و متحد، در حساس‌ترین منطقه‌ی استراتژیکی جهان یاری نمایند.

مردم عزیز و پیشمرگان دلیر کردستان؛ روزهای دشوار اما غرورآفرین امروز سپری خواهد شد. خمینی محکوم به سقوط و نابودی است. با استقرار آزادی‌های دمکراتیک و حاکمیت ملی و مردمی در ایران، هموطنان ستمزده‌ی ما در کردستان به حقوق خودمختاری خود در چارچوب تمامیت ارضی ایرانی آزاد و یکپارچه و مستقل؛ دست خواهند یافت و دوران صلح و سازندگی و پیشرفت و جبران عقب‌ماندگی‌ها و ستم‌های مضاعف دیرین را آغاز خواهند نمود.

پس "گس نگوید گُرد مرده است، گُرد زنده است" و دست در دست سایر هموطنانش در

بروند. اما مقاومت عادلانه‌ی خلق قهرمان ایران کسانی را که اعم از پاسدار و ارتشی و غیره، با رژیم جنایتکار خمینی بر علیه مردم کردستان همدستی نموده و بر روی مردم بی‌گناه آتش می‌کشایند، نخواهد بخشید و اینان سرانجام از شعله‌های خشم خلق گریزی نخواهند یافت. کما اینکه تاکنون نیز برخی از جلادان مردم کردستان چه در محل و چه در تهران یا سایر نقاط کشور به کیفر جنایات خود رسیده و از این پس نیز خواهند رسید.

همچنین، بار دیگر یادآوری می‌کنم که مقاومت کردستان به کمک‌های مختلف نیازمند است. در این رابطه بویژه از هموطنان عزیز خارج از کشور می‌خواهم؛ چه در جریان برگزاری شب مقاومت کردستان و چه پس از آن هر گونه کمک مالی، تبلیغاتی، بهداشتی و حتی اطلاعاتی که در توان دارند، به نمایندگی‌های شورای ملی مقاومت در کشورهای مختلف و یا به نمایندگی حزب دمکرات کردستان در اروپا برسانند.

در همین جا توجه کلیه‌ی شخصیت‌ها و سازمان‌ها و مجامع بین‌المللی مدافع حقوق بشر و توجه همه‌ی ملت‌ها و دولت‌های صلح‌دوست و دمکراتیک جهان را به جنایات ضد انسانی رژیم

بقیه از صفحه‌ی ۲  
در شرایطی برگزار می‌کنیم که حملات وحشیانه‌ی رژیم خمینی به مردم ستمزده و مقاومت کردستان شدت یافته و پیشمرگه‌های قهرمان، با فداکاری و جانبازی در برابر آن، به پایداری خونین خود ادامه می‌دهند. بر همه‌ی ماست که بهر طریق که می‌توانیم به این مقاومت یاری برسانیم.

در این رابطه از عموم هموطنان آگاه و آزاده درخواست می‌کنم، تمام تلاش و امکانات خود را به کار گرفته و چه با اقدامات افشاگرانه و روشنگرانه و چه در اشکال مختلف مبارزات منفی و مثبت؛ تا آنجا که می‌توانند تلاش‌های ضد خلقی رژیم خمینی برای بسیج نیرو و تدارک تهاجمات جنایتکارانه‌اش به کردستان را خنثی نمایند. بخصوص پرسنل میهن‌پرست ارتش باید از فرامین فرماندهان مزدور مبنی بر سرکوب مردم کردستان سرپیچی کرده و حتی الامکان سلاح‌هایشان را به سمت خود آنان برگردانند.

از اینرو بار دیگر تکرار می‌کنم؛ تمام کسانی که به اجبار برای سرکوب مقاومت کردستان به آن خطه اعزام می‌شوند، اگر سلاح بر زمین گذاشته و به نیروهای مقاومت کردستان بپیوندند، بلافاصله می‌توانند آزادانه به هر کجا که بخواهند

### اطلاعیه سازمان مجاهدین خلق ایران مرکز کردستان

### تهاجم انقلابی به پایگاه پاسداران جنایتکار خمینی

### در کوخان (منطقه بانه) و به هلاکت رساندن

### بیش از ۱۵ پاسدار مزدور ضد خلقی

واحد پارتیزانی مجاهد شهید حسن عزیزپور در تاریخ ۲/ خرداد ماه پایگاه پاسداران ضد خلقی و مزدوران مسلح خمینی ضد بشر را در روستای گوخان در مسیر جاده‌ی "بانه - سردشت" درهم کوبیدند.

بنام خدا

بنام خلق قهرمان ایران

مردم آگاه و مبارز ایران، هموطنان مقاوم و رزمنده‌ی کرد! پیشمرگان مجاهد خلق

منطقه روبرو می‌شود و پاسداران جنایتکار خمینی با تهدید و ارباب مردم، مذبح‌خانه سعی می‌کنند تا از افشای خبر این عملیات جلوگیری کنند.

کلیه‌ی پیشمرگه‌های مجاهد خلق، پس از پایان عملیات سالم به پایگاه‌های خویش مراجعت کردند.

مرگ بر خمینی خون‌آشام نابود باد پاسداران ظلمت و جنایت برقرار باد دولت موقت جمهوری دمکراتیک اسلامی ایران سازمان مجاهدین خلق ایران مرکز کردستان  
۶۲/۳/۳

کوبیده و ویران کردند. آنگاه با آتش سلاح‌های نیمه‌سنگین، ساختمان آسایشگاه مزدوران را مورد تهاجم انقلابی قرار داده و بخشی از آن را ویران ساختند. غرش بی‌امان مسلسل‌های رزمندگان مجاهد خلق در تمام طول عملیات، توان هر نوع عکس‌العملی را از دشمن ضد بشری سلب کرده بود.

تلفات دشمن در طی این تهاجم انقلابی حداقل ۱۵ کشته و تعداد زیادی زخمی بوده است. این عملیات پیرومند، با استقبال و حمایت وسیع و گسترده‌ی مردم ستم‌کشیده‌ی

پایگاه گوخان مرکز اصلی تمرکز نیروهای سرکوبگر خمینی در محور "بانه - سردشت" می‌باشد که پاسداران ضد خلقی آن، ساکنین زحمتکش روستاهای این منطقه را شدیداً مورد اذیت و آزار قرار داده و از این جهت عمیقاً مورد نفرت و انزجار شدید مردم این نواحی بودند. پیشمرگه‌های مجاهد خلق در ساعت ۱۵:۰۴ دقیقه‌ی بامداد روز دوشنبه ۲ خرداد پس از نفوذ به منطقه‌ی اطراف پایگاه‌های دشمن با موشک آر. پی. جی اتاق مرکز مخابرات و محل استقرار فرماندهی سپاه ضد خلقی گوخان را درهم

افشاء بسیج ضد خلقی و درهم شکستن سیاست جنگ طلبانه و ضد میهنی خمینی با بکار گرفتن همه‌اشکال

مبارزه منفی و مثبت، یک وظیفه فزاینده انقلابی در مسیر ارتقاء مقاومت و تدارک قیام عمومی است.



## گزارشی از برگزاری

## "شب مقاومت کردستان ایران" توسط شورای ملی مقاومت در اروپا و آمریکا

همانطور که در شماره‌ی قبل به آگاهی رسید، شورای ملی مقاومت به منظور افشای تهاجمات و سرکوب مردم کردستان توسط رژیم خمینی، و نیز به منظور آشنائی، همبستگی و حمایت هر چه بیشتر هموطنان عزیز خارج از کشور و نیز افکار عمومی بین‌المللی نسبت به مقاومت و مردم ستمدیده‌ی کردستان، به برپائی مراسمی تحت عنوان: "شب مقاومت کردستان" در کشورهای مختلف اروپا و آمریکا همت گماشت. در این رابطه، توضیحات و گزارشاتی از دبیرخانه‌ی شورای ملی مقاومت دریافت داشته‌ایم که متن تنظیم شده‌ی آنرا ذیلاً ملاحظه می‌کنید:

بقیه در صفحه ۸

## دیدگاهها

## نفت،

## اوپک و

## رژیم خمینی

مقاله‌ای از: حسین نقدی

در صفحه ۱۲

## پاسخ به نامه‌های رسیده

خواهران و برادران عزیز!

هر هفته نامه‌های متعددی از شما، بدستمان می‌رسد. در بین نامه‌ها به مسائل گوناگون و جالبی برمی‌خوریم که لزوم ارتباط فعال‌تر با شما را هر چه بیشتر ایجاب می‌کند؛ اما وجود مسائل و ردهای امنیتی در نامه‌ها، میزان انعکاس حتی پاره‌ای از مطالب بعضی نامه‌ها در نشریه "مجاهد" را بشدت محدود می‌کند. از طرف دیگر به این اصل واقف هستیم که برای ارتقاء کیفیت کارهایمان، ارتباط متقابل و فعال با شما کاملاً ضروری است. برای حل این مشکل سعی خواهیم کرد که بطرق مختلف به نامه‌ها و سوالات شما در حد امکانات محدودمان پاسخ دهیم. از جمله:

۱- برخی از سوالاتی که در رابطه با مسائل مختلف مبارزه در این مرحله، توسط هسته‌های مقاومت و یا از سوی بقیه در صفحه ۱۱

## به تاراج دادن نفت

## نوع جدیدی از

## "مبارزه با امپریالیسم!"

## در قاموس رژیم خمینی

همانطور که می‌دانید، رژیم ضدملی و ضد مردمی خمینی مدت‌هاست که چوب حراج به نفت کشور زده و آن را به قیمت بسیار ارزان‌تر از نرخ "اوپک" در بازارهای جهانی و عمدتاً به کشورهای امپریالیستی می‌فروشد. چرا که رژیم ورشکسته‌ی خمینی برای تامین بسیاری از کالاها و اجناس و علی‌الخصوص واردات سرسام‌آور تسلیحاتی برای

بقیه در صفحه ۲۶

## قطعنامه اجلاس شورای اقتصادی - اجتماعی ملل متحد در مورد "وضع وخیم حقوق بشر در ایران"

دانشجویان مسلمان در آمریکا، طی تماس‌هایی با نمایندگان شرکت کننده در اجلاس ارائه‌ی مدارک و اسناد و جزوات افشاگرانه در مورد جنایات ضدبشری رژیم خمینی، آنها را در جریان نقض آشکار و مستمر حقوق بشر در ایران قرار دادند.

سرانجام در روز ۲۴ مه قطعنامه‌ای که در آن به "وضع بسیار وخیم حقوق بشر در ایران" اشاره شده بود، با اکثریت آراء نمایندگان کشورهای شرکت کننده در اجلاس مورد تصویب قرار گرفت.

در این قطعنامه ضمن تأیید قطعنامه‌ی سی و نهمین اجلاس کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد در ژنو و تصویب ضرورت اقدام از جانب دبیرکل سازمان ملل متحد برای بررسی و تحقیق درباره‌ی نقض حقوق بشر در ایران اضافه شده است که:

"این گزارش باید حاوی اظهار نظر، نتیجه‌گیری و پیشنهاداتی درباره‌ی محترم شمردن حقوق بشر در این کشور باشد." \*

بدنبال تشکیل اجلاس شورای اقتصادی - اجتماعی ملل متحد در نیویورک، و با مطرح شدن مسئله‌ی ایران در این اجلاس، در روز ۲۴ مه قطعنامه‌ای از جانب این شورا صادر شد.

لازم به یادآوری است که در آستانه‌ی تشکیل این اجلاس، برادر مجاهد مسعود رجوی مسئول شورای ملی مقاومت با ارسال نامه‌ای برای آقای "لباکی" رئیس‌لبنانی اجلاس، آخرین موارد نقض حقوق بشر توسط رژیم ضدبشری خمینی (بخصوص در فاصله‌ی زمانی تشکیل کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد در ژنو تا اجلاس اخیر) را به اطلاع این اجلاس رساند (متن نامه در مجاهد شماره‌ی ۱۵۲ درج شده است).

این نامه توسط اعضای انجمن دانشجویان مسلمان در آمریکا در نسخه‌های متعدد تکثیر و در اختیار کلیه‌ی نمایندگان شرکت کننده در اجلاس قرار گرفت. علاوه بر آن اعضاء انجمن

نامه‌های خود را برای "مجاهد" و هم‌چنین رادیو "صدای مجاهد" به آدرس‌های زیر ارسال دارید:

انگلستان

BM BOX 9090  
LONDON  
WC1N 3XX  
ENGLAND

اتریش

Pf:6  
1110 WIEN  
AUSTRIA

آلمان

Pf.: 800552  
5\_Köln 80  
W\_Germany

فرانسه

B.P 214  
92108 BOULOGNE  
BILLANCOURT  
CEDEX  
PARIS FRANCE

برای ارتباط مستقیم با دفتر برادر مجاهد مسعود رجوی مسئول اول سازمان مجاهدین خلق ایران با آدرس زیر مکاتبه کنید:

B.P.18 95430  
AUVERS\_SUR\_OISE  
FRANCE

فرانسه

کمک‌های مالی خود را به یکی از حساب‌های زیر واریز نموده و حواله‌ی آنرا به یکی از آدرس‌های مقابل ارسال دارید:

انگلستان

Midland Bank plc  
281 Chiswick High Road  
London W4 4HJ  
England  
A-Khodabandeh  
N. 91082078

از خارج فرانسه

BANK SOCIETE GENERAL  
N°: 58133126 Mr. EBRAHIM AG. CENTRALE ETRA  
(PARIS FRANCE) code guichet 03002

B.N.P. PONTOISE 1269652

در داخل فرانسه

هم‌میهنان!

در مبارزه برای سرنوشت رژیم ضدبشری خمینی، استمرار و گسترش مقاومت خونین خواهران، برادران و فرزندان مجاهد شما نیازمند حمایت‌های مالی است. حتی از کمک‌های اندک در مسیر تقویت مقاومت فروگذار نکنید و به تاثیرات آن کم بها ندهید. کمک‌های مالی خود را به هر میزان و از هر طریقی که می‌توانید به سازمان مجاهدین خلق ایران، هسته‌های مقاومت و میلیشیای مجاهد خلق برسانید.

برای آیه‌نویسی شدن "مجاهد" در خارج از کشور فرم زیر را در کاغذ جداگانه‌ی پر کرده و به همراه بهای اشتراک به آدرس پستی زیر ارسال نمایید:

A.E.M B.P49  
75462 Paris CEDEX 10 FRANCE

فرانسه

Nom: \_\_\_\_\_  
Prénom: \_\_\_\_\_  
Adresse: \_\_\_\_\_

بهای اشتراک:

سه ماهه  
 شش ماهه  
 یکساله

معادل ۱۶۰ فرانک  
/ ۳۱۰ فرانک  
/ ۶۰۰ فرانک

**دستور محوری روز:** گسترش هسته‌های مقاومت مسلحانه در سراسر کشور برای انهدام پاسداران سرکوبگر ارتجاع، شکستن طلسم اختناق و تدارک قیام‌رهائی بخش عمومی